

تشنجات، درگیرپهای خیابانی و توطئه‌ها

دردوران حکومت دکتر محمد مصدق



دفتر اول

اطلاعاتی درباره:

تشنجات، درگیرپهای خیابانی و توطئه‌ها
در دوران حکومت دکتر محمد مصدق

گردآورنده: محمد - ت

دیجیتال

کتابخانه مصدق t.me/ket1332

- * اطلاعاتی درباره
- تشنجات و درگیری‌های خیابانی و توطئه‌ها
- در دوران حکومت دکتر محمد مصدق
- دفتر اول
- * محمد . ت
- * مؤسسه خدمات فرهنگی رسا
- * چاپخانه فروغ دانش
- * ۵۰۰۰/ نسخه
- * ۱۴/ اسفند ۵۹

فهرست

از صفحه ۹ تا صفحه ۶۶	بخش اول : ترور رزم آرا نخست وزیر حسین علاء (کابینه محلل) اعتصاب نفتگران جنوب
	بخش دوم :
	چگونگی استعفاء حسین علاء
	و
از صفحه ۶۷ تا صفحه ۱۰۸	نخست وزیر شدن مصدق
	بخش سوم :
از صفحه ۱۰۹ تا صفحه ۱۵۸	حادثه خونین ۲۳ تیر ۱۳۳۰
	بخش چهارم :
از صفحه ۱۵۹ تا صفحه ۱۸۴	تظاهرات ۲۵ مرداد ۱۳۳۰
	(فدائیان اسلام)
از صفحه ۱۸۵ تا صفحه ۱۹۷	مآخذ

قسمتی از وصیت امام علی (ع) به فرزندش امام حسن (ع)*

"... و اعرض علیه اخبار الماضین ، و ذکره بما اصاب من کان قبلك من الاولین ، و سرفی دیارهم و آثارهم فانظر فیما فعلوا ، و عما انتقلوا ، و این حلوا و نزلوا ، . . . ثم ردهم اخر ذلك الی الاخذ بما عر فوا ، و الا مساك عما لم یكلفوا ، فان ایت نفسك ان تقبل ذلك دون ان تعلم كما علموا فلیكن طلبك ذلك بتفهم و تعلم ، لا بتورط الشبهات ، و غلو الخصومات ، . . ."

"... و باخبار گذشتگان (چگونگی سرگذشتشان) آشنا کرده و بیادش آور آنچه به پیش از تو از پیشینیان رسیده است ، و در سراها و بازمانده‌ها و نشانه‌های ایشان گردش کن ، پس ببین چه کردند ، و از چه جایی انتقال یافتند ، و کجا فرود آمده جا گرفتند . . . پس اگر نفس تو سر باز میزند از اینکه آنچه خویشاوندان تو بر آن گذشتند بپذیرد بدون آنکه بداند همچنانکه آنان دانستند باید خواست تو در آن طلب فهم و تحصیل علم و دانائی باشد نه اینکه در شبهات افتاده در جدل و زد و خوردها فرو روی . . ."

... و بالاخره نشر این مجموعه نیز گام دیگری است اگر چه کوتاه - اما همچنان استوار - در پرداختن به رسالت و تعهدی که اکنون بعهدہ ناشران است .

همان عهدی که ازل با خدای خویش بسته‌ایم اما اینک عهدی :

آنچنان عمیق که عمق تاریخ مبارزات این مردم .
و آنچنان سرخ که سرخی خون هزاران شهید .
و آنچنان بلند که اوج فریادها و خروشها .
و آنچنان وسیع که وسعت همه نگاهها و انتظارهای در چشم نشسته محرومین .

و آنچنان شورانگیز که عشق به "او" این "ایستادگی"
همه زمانها ، این شکسته از همه آهها و نشسته در همه دلها .
و نیز آنچنان عظیم که عظمت "الله" و بزرگی "انسان" .
و آنچنان دشوار که سختی راه ، رسالت "ایمان" .
.....

و بالاخره عهدی آنچنان سنگین که سنگینی همه توطئه‌ها و خیانتها و تلاشها ... که تنها گوشه‌ای از آن همه را در این مجموعه به نمایش برخاسته‌ایم .

باشد تا در شناختن این توطئه‌گران و این دورویان همیشه رسوای تاریخ ، ما را نیز سهمی باشد .

و در این راه به انتظار همه پیشنهادها و ره‌نمودهای برادرانه هستیم باین امید که "جمهوری" نوپایمان به بلندی "امام" مان همواره ایستاده باد .

ناشر .

" بنام خدا "

مسائل مبتلا به جمهوری اسلامی ایران در طول دو سال پس از پیروزی ۲۲ بهمن ۵۷ از پاره‌ای جهات ، تشابهات فراوانی با حوادث ۲۸ ماه حکومت ملی دکتر محمد مصدق دارد .

از جمله این تشابهات : تشنجات ، درگیریهای خیابانی ، توطئه‌ها ، اعتصابات ، حادثه آفرینی‌ها ، تشنه‌ها و ایجاد اختلاف در صفوف واحد ملت را باید نام برد .

ملت قهرمان ایران که بیمن وحدت و مبارزات پیگیرش برهبری رهبران مذهبی و ملی موفق به ملی کردن صنعت نفت و خارج ساختن پست نخست - وزیری از چنگال دربار و اربابانش و سپردن آن به دکتر محمد مصدق گردیده و از این راه پوزه امپریالیسم مکار و کهنه کار انگلستان را بخاک مالیده و موجب وحشت امپریالیسم آمریکا از گسترش نهضت ضد استعماری در منطقه و از دست دادن منابع بیگران و سرشار نفتی خلیج فارس شده بود ، از اولین لحظات مبارزه خود با توطئه و تحریک و خرابکاری و تهدید امپریالیستها و عوامل داخلی آگاه و ناآگاه آنان مواجه گردید .

از جمله مهمترین تشنجات ، درگیریهای خیابانی و توطئه‌هایی که در آن ایام ، نهضت ملی دز صحنه داخلی با آن روبرو شد بترتیب عبارت بودند از :

- کسر ۳۰٪ از حقوق نفتگران جنوب توسط " شرکت نفت جنوب " .
- اعلان حکومت نظامی از جانب حسین علاء پس از تصویب قانون ملی شدن نفت در مجلسین ، در شهرهای نفتخیز جنوب و تهران و حومه .

- توطئه قتل مصدق چند روز پس از نخست‌وزیری (اردیبهشت ۳۰).
 - حادثه خونین ۲۳ تیر ۳۰.
 - درگیری خیابانی ۲۵ مرداد ۳۰.
 - تظاهرات دانشجویان وابسته به حزب توده (۸ آبان ۳۰).
 - زدوخوردها و تشنجات ۱۴ آذر ۳۰.
 - تحصن مدیران جرائد درباری و مخالف نهضت ملی در مجلس - شورای ملی (آذر ۳۰).
 - ترور ناموفق دکتر سیدحسین فاطمی (بهمن ۳۰).
 - تشنجات و زدوخوردهای ۸ و ۱۵ فروردین ۳۱.
 - توطئه روی کار آوردن قوام السلطنه در ۲۷ تیر ۳۱ که با قیام ملی ۳۰ تیر نافرجام ماند.
 - توطئه قتل دکتر مصدق (۹ اسفند ۳۱).
 - ربودن و بشهادت رساندن افشار طوس رئیس شهربانی حکومت ملی (اردیبهشت ۳۲)
 - توطئه‌های نمایندگان مخالف نهضت ملی در مجلسین.
 - توطئه‌های منافقانی که مدتی در صفوف نهضت ملی قرار داشتند.
 - کودتای ناموفق ۲۵ مرداد ۳۲
 - کودتای آمریکائی - انگلیسی ۲۸ مرداد ۳۲
- بدنبال در هم گوبیده شدن رژیم سلطنتی وابسته با امپریالیسم جهانی و برقراری جمهوری اسلامی ایران در پرتومبارزات ملیونی توده‌های مستضعف میهن و برهبری خردمندان و قاطعانه امامت آیت‌الله خمینی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و فرود آمدن ضربات مهلک و خردکننده بر پیگرا امپریالیستهای جهانخوار و تصمیم قاطع رهبر - نه دولت موقت و " شورای انقلاب " - و توده‌های مستضعف بادامه نبرد با امپریالیسم جهانی بسرگردگی آمریکا ، دشمن بدون برشماری توطئه‌ها و تضیقاتی که از خارج از مرزها علیه انقلاب همچون: محاصره اقتصادی ، هجوم نظامی طیس ، مسدود کردن ذخائر ارزی

ایران در اروپا و آمریکا، تقویت همسایگان مرتجع و وابسته، کودتای ترکیه، تحریم و پشتیبانی از رژیم مزدور و پلیسی صدام در حمله به ایران، قرار دادن هواپیماهای آواکس در اختیار رژیم ضد خلقی عربستان سعودی، گسیل نظامیان آمریکائی به خلیج فارس و خصوصاً "کشور عمان و ... اعمال نموده، از فردای سقوط رژیم شاه هیچ فرصتی را، جهت ایجاد و بهره‌گیری از گان‌ونهای توطئه و جنگ داخلی در زیر لوای مسئله "ملی"، "حقوق" اقلیتهای نژادی، مسئله شیعه و سنی در کردستان، گنبد، خوزستان، بلوچستان و ... و درگیریهای خیابانی، اعتصابات، تحصن‌ها، کودتای نافرجام آمریکائی ۱۸ تیر ۵۹، خرابکاریها، چاق‌کشی، تروریسم و ... از دست نداده است.

علیرغم تفاوت‌های بسیار و اختلاف کیفی انقلاب اسلامی با نهضت ملی در سالهای ۲۹ - ۳۲ در بسیاری از زمینه‌ها، هر دو این مبارزات بیشترین ضربه‌ها را نه از دشمن خارجی و عوامل مستقیم آن بلکه از جریانهای قشری، سطحی، ناآگاه و ... و از جریانهای چپ‌نما متحمل شده و میشوند. این دو جریان علیرغم دوگونگی در ظاهر و دوگونگی ادبیاتی که بکار می‌برند و آرمانهایی که طالب تحقق آنند هر دو در خدمت یک نیرو که عبارت از امپریالیسم خونخوار باشد، بوده و هستند. دو جریان فوق‌الذکر در دوران نهضت ملی، آگاهانه یا ناآگاهانه، آلت فعل طبقات و اقشاری بودند که نه توان و قدرت و نه آبروی مقابله مستقیم با حکومت ملی و مردم را داشتند.

به شهادت تاریخ مکتوب و مشهود، اکثر "دربار"، روزنامه‌های نفتی - درباری، زمینداران بزرگ، سرمایه‌داران وابسته، فرماندهان مزدور ارتشی، نمایندگان وابسته مجلسین در دوران حکومت ملی دکتر مصدق، زمانی به حمله به دولت و رهبر نهضت می‌پرداختند که تشنجات و درگیریهای خیابانی و حادثه آفرینی‌های جریانهای "راست" و "چپ‌نما" زمینه مساعدی را فراهم می‌آوردند.

آیا جزاین است که در دو سال پس از پیروزی ۲۲ بهمن ۵۷ نیز ،
 وابستگان به رژیم سابق ، سرمایه‌داران بزرگ و وابسته ، زمینداران بزرگ ،
 فرماندهان نظامی ضدانقلابی همچون مهدیونها ، روحانی‌نماها و ... و
 امپریالیسم جهانی بسرگردگی آمریکا ، هنگامی به انقلاب اسلامی ایران و
 دستاوردهای عظیم آن یورش آورده‌اند که دو نیروی " راست " و " چپ نما " ،
 زمینه را برای آنها مساعد ساخته‌اند ؟

جریان " راست " با قشری‌گری ، انحصارطلبی ، عدم برنامه و حتی عدم
 اعتقاد به برنامه ، عدم بینش فرهنگی-اقتصادی - تاریخی - اجتماعی لازم ،
 گوشش جهت تقلیل نقش توده‌ها تا سطح مهره‌های چشم و گوش بسته و آلت
 دست ، ایجاد اختلاف و نفاق در صفوف متحد خلق ، گوشش جهت جایگزینی
 شعارهای انحرافی بجای شعار اصیل ، انقلابی ، مردمی و مکتبی " مرگ بر
 آمریکا " ، اولویت دادن به تغییر اشکال و فرمها و مخالفت و عدم توانایی ایجاد
 تغییرات بنیادی و اساسی ، جایگزینی شعار و حرافی بجای عمل تولیدی مفید ،
 گریز از برخورد ایدئولوژیک و سیاسی و تجویز داروی " چماق " و " زود " ،
 " تصفیه " ، " تکفیر " ، " تهمت " ، " فحاشی " ، " تطمیع " ، " تهدید " ، و ...
 بعنوان روش برخورد با طیف تمامی گروهها ، سازمانها ، احزاب ، جریانها ،
 جمعیتها ، انجمنها و افرادی که بحق و یا ناحق انتقاداتی به مواضع و
 عملکردهای او دارند ، عدم توانایی استفاده صحیح از امکانات فبضه شده
 و درنهایت ایجاد نارضایتی و یأس در طبقات و افشارمدافع انقلاب و رهبری
 امام و قانون اساسی و جمهوری اسلامی ، از یکسو و جریان چپ نما با
 موضعگیری علیه رهبر انقلاب امام خمینی و نتیجتاً " توده‌های ملیونی معتقد
 به امام ، جنگ افروزی ، حادثه آفرینی ، ایجاد درگیری خیابانی ، کم بها
 دادن و یا مقابله با اعتقادات و سنتهای مثبت توده‌های مردم ، اولویت
 دادن به خواست تأمین " آزادیهای " اقشار از خود بیگانه شده مرفه
 جامعه ، رفاه اقتصادی و ... در مقابل شعارهای انقلابی امام امت مبنی بر
 نبرد با سلطه‌گران خارجی و پیشه ساختن قناعت انقلابی برای دستیابی به

استقلال اقتصادی - سیاسی و ... ، کوشش در جهت احلال در تولید صنعتی و کشاورزی ، دعوت با اعتصاب و کم کاری ، پنهان شدن در زیر پرچم دفاع از حقوق خلقها جهت ایجاد گان‌نونه‌های ناآرامی و مقابله با حکومت مرکزی با امید تضعیف و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران ، گروه‌گرایی و سازمان پرستی و مقدم داشتن منافع گروه و سازمان بر منافع جمهوری و انقلاب و مردم و ... ، از سوی دیگر زمینه‌ساز تحقق یافتن توطئه‌های دشمنان انقلاب بوده‌اند .

گردآوری " تشنجات ، درگیریهای خیابانی و توطئه‌های دوران حکومت ملی دکتر محمد مصدق " باین امید انجام گرفته است که از اشتباهات گذشته عبرت گرفته و یکبار دیگر ، همچون نهضت ملی ایران ، دست‌آوردهای عظیم مبارزات مردم قهرمان میهنمان برهبری امام خمینی را با " راست رویها و چپ رویها " نابود نساخته و مجدداً " موجب حاکمیت امپریالیستهای خونخوار بر میهن اسلامی مان نگردیم .

در قسمت اول این مجموعه ، بانقل مواضع حزب توده ، وابستگان به سیاست انگلیس و دربار در برخورد با مسئله اعتصاب نفتگران جنوب و با نقل مواضع دو گروه فوق‌الذکر و جمعیت فدائیان اسلام در مقابل مسائل زیر :

حکومت علاء ۲۱ اعلان حکومت نظامی در خوزستان و تهران و حومه ، نخست - وزیر دکتور محمد مصدق ، حادثه خونین ۲۳ تیر ۳۰ و تظاهرات و درگیری ۲۵ مرداد ۳۰ و نقش جمعیت " فدائیان اسلام " در مسئله ترور دکتور محمد مصدق چند روز پس از نخست‌وزیری ایشان ، بنقل از روزنامه‌های ارگان و یا ناشر افکار گروههایی که در فوق ذکر نام آنان رفت ، کوشیده شده است همسوئی عملکرد آنان در مخالفت با نهضت ملی ایران و رهبران آن در این دوره ، نشان داده شود . و عموماً " سعی بر آن شده است که در توضیح مطالب فوق به اسناد و مدارک و اخبار این گروهها استناد شود و با در کنار هم قرار دادن این مواضع ، ماهیت آنان بر خواننده افشاء گردد . تنها در پاره‌ای از موارد که ضرورت اقتضا می‌نموده گفتار و نوشتارهایی از رهبران نهضت ملی نیز نقل گردیده است .

در بخش سوم، از آن جهت خلاصه گزارش طولانی هیئت پزشکی حادثه ۲۳ تیر آورده شده تا قاطعیت و پیگیری دکتر محمد مصدق در مبارزه با حادثه آفرینی‌های دربار و چماق بدستان آلت دست بیگانه، در زمانی که ارتش، شهربانی، پلیس و تمام نهادها در قبضه قدرت دربار بود و همچنین میزان احترام و پاسداری او نسبت به آزادی و خونهای بناحق ریخته شده، درسی برای دولتمردان و مقامات قضائی‌ای گردد که علیرغم ادعاهای فراوان و از جمله "مکتبی بودن" - که باری سنگین بردوش مدعیان میگذارد - هنوز پس از دو سال حتی یک گزارش مستند راجع به دهها درگیری خونین تهیه و بمردم ارائه ننموده‌اند، گردد.

چند تذکر لازم:

* دفاع و ستایش از رهبر نهضت ملی ایران بمفهوم دفاع از مدعیان پیروی از دکتر مصدق که دست در دست بیگانگان و ضدانقلاب داخلی علیه جمهوری اسلامی ایران، توطئه چینی میکنند، نیست.

* عدم موافقت با عملکردهای حزب توده و جمعیت "فدائیان اسلام" در دوران حکومت ملی نیز بمفهوم عدم احترام بانانی که از این دو جریان پس از کودتای ننگین آمریکائی - انگلیسی ۲۸ مرداد و استقرار دیکتاتوری بمخالفت با رژیم حاکم و سلطه بیگانه بمبارزه پرداخته و در راه آرمانهای خود از دادن جان نیز دریغ نورزیده‌اند، نمیباشد، بلکه مبارزه در راه عقیده و استقلال میهن در منطق هر انسان با عقیده و میهن دوستی ستایش برانگیز است.

* در نقل قولها، پاره‌ای اغلاط انشائی وجود دارد که بدلیل حفظ امانت در نقل قول، بهمان صورت و بدون تغییر آورده شده است.
به امید برخورد آگاهانه با مسائل و پرهیز از راستروی و چپروی و قدم گذاردن در صراط مستقیم که بگفته مولای متقیان علی علیه السلام: الیمین و الشمال مضله و الصراط المستقیم هی الجاده "که تمام سخن همین است و بس.

● بخش اول

- ترور رزم آرا
- نخست‌وزیری حسین علاء (کابینه محفل)
- اعتصاب نفتگران جنوب

رزم آرا که در پی کودتا (۱) علیه شاه برای قبضه کردن قدرت و در هم کوبیدن نیروهای ملی و رهبران نهضت استقلال طلبانه میهن ما و جلوگیری از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت و تصویب قراردادی جدید با شرکت نفت جنوب بود و نیز تماسهایی با عوامل دولتهای شوروی و آمریکا جهت بدست آوردن پشتیبانی آنها گرفته بود روز ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ در مسجد امام خمینی (شاه سابق) به دست خلیل طهماسبی بقتل رسید .
خلیل طهماسبی بعدها در مصاحبه‌ای با مجله تهران‌مصور ، علل اقدام به این قتل را چنین برشمرد :

" . . . مداخلات رزم آرا در کار مملکت صدای همه را در آورده بود ، نخست وزیر شدن او با وجود مخالفت شدید اقلیت مجلس و مردم مرا خیلی عصبانی کرد ، من بخوبی میدیدم که او به افکار عمومی احترام نمیگذارد ، بفریاد ملی مردم گوش نمیدهد ، با اجتماعات و میتینگهایی که علیه او داده میشود اعتنائی نمیکند . مطالب روزنامه‌ها را نادیده می‌انگارد و راهی را که بضرر ملت مسلمان ایران انتخاب نموده همچنان ادامه میدهد این ناراحتی و عصبانیت من نسبت بخودسری او همچنان ادامه داشت تا لایحه نفت در مجلس مطرح شد و پس از انتقادات نمایندگان مجلس فروهر آن را پس گرفت . این پس گرفتن لایحه نفت که بدون موافقت مجلس بود مرا بیشتر ناراضی کرد بعد وقتیکه درباره عمل خلاف قانون فروهر خواستند رأی بگیرند و دکتر ظاهری مجلس را از اکثریت انداخت خشم من بیشتر شد ، نتیجه این عملیات این شد که سخت نسبت بحکومت رزم آرا ، بدبین شدم ،

اما روزی که رزم آرا پشت تریبون مجلس رفت، برخلاف وعده‌هایی که میداد و میگفت من سربازم و میخواهم بمملکت خود خدمت کنم، با کمال گستاخی گفت که "ملت ایران عرضد ساختن لوله‌نگ را هم ندارد" آنوقت چطور میخواهد دستگاه عظیم نفت را اداره کند، اینموضوع چنان مرا عصبانی کرد که تصمیم گرفتم انتقام ملت ایران را بواسطهٔ این توهینی که کرده بود از او بگیرم، او نه تنها بملت ایران توهین کرده بود، بمذهب مقدس اسلام نیز که آئین رسمی وطن ما است توهین نمود و یک ملت رشید را در نظر بیگانگان بی ارزش ساخت، تصمیم من برای گرفتن انتقام از رزم آرا و پایان دادن به سرکشی‌های او، از چهار ماه قبل از قتل او آغاز شد، من یک فدائی دین اسلام بودم و وظیفهٔ من این بود که در راه دین و ملت مسلمان ایران فداکاری کنم، من در آنموقع با برادر عزیزم نواب صفوی آشنائی و ارادت داشتم، همچنین بمنزل حضرت آیت‌الله‌کاشانی و سایر سازمانها و مجامع دینی و مذهبی و ملی رفت‌وآمد داشتم، اما در هیچ دسته و جمعیتی عضو نبودم، بلکه با همهٔ مسلمانان فداکار و وطن‌دوست همکاری میکردم، در آنهنگام علاوه بر عصبانیتی که از رزم آرا دربارهٔ قضیه نفت، و بی‌اعتنائی او بافکار عمومی، و نمایندگان حقیقی ملت داشتم، چیزهای دیگری راجع به رزم آرا شنیده بودم که مخالفت مرا نسبت باو بمنتها درجه رساند، از جمله شنیدم که او بارزانی‌ها را از ایران باآنطرف مرز فراری داد، و همچنین او موجب فرار ده‌نفر توده‌ئی از زندان قصر شد.

بعلاوه از یکی از رجال مملکت نیز شنیدم که او سوء قصد پانزده بهمن را علیه‌جان اعلیحضرت همایونی ترتیب داده بود حتی چند سال قبل از حادثهٔ ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ باز او بود که در باغشاه، در سر راه اعلیحضرت همایونی مواد منفجره گذاشت که اینموضوع کشف گردید ولی او نزد اعلیحضرت رفت و برای متزلزل کردن وضع سرلشگر ارفع که در آنموقع رئیس ستاد بود اظهار داشت که اینکار بوسیله ارفع صورت گرفته، ولی من مانع انجام سوء-

قصد او نسبت بجان اعلیحضرت شده‌ام! . . . در سایه همین عملیات خلاف قانون بود که رزم‌آرا توانست بمقامات عالی برسد و حتی مسند نخست - وزیر را اشغال کند. اما بعدها اعلیحضرت همایونی پی بردند که سوء قصد ۱۵ بهمن بتحریر رزم‌آرا صورت گرفته بود! . . . باز شنیده بودم که در لرستان، موقعیکه رزم‌آرا درجه سرهنگی داشت دست بعملیات خلاف رویه‌ئی زده بود، و یکی از مردان برجسته با او گفته بود مگر بخدا و دین عقیده نداری؟ گفت: خدا و دین چیست! پرسید: مگر از مرگ نمیترسی؟ . . . جواب داد کدام مرگ! . . . گفت با این وضع بالاخره با گلوله ترا میزنند . . . خندید و گفت، گلوله ببدن من کارگر نیست! . . . اما بعدها روزگار ثابت کرد که هم خدا، هم مرگ، و هم گلوله هست، . . . بهرحال همانطور که گفتم من از چهار ماه پیش تصمیم به قتل رزم‌آرا گرفته بودم، . . ." (۲)

بدنبال قتل رزم‌آرا، اعلامیه زیر از جانب " فدائیان اسلام " صادر می شود (۳):

هوالعزیز

پسر پهلوی و کارگردانان جنایتکار حکومت غاصب بدانند که چنانچه تا بدانند سه روز دیگر برادر رشید ما خلیل طهماسبی یا عبدالله رستگار را با کمال احترام آزاد نکنند آن بان خود را به سراشیب جهنم نزدیک کرده‌اند. برادر پاک و با ایمان ما حضرت خلیل صهماسبی که در میدان جهاد انفرادی بوصف عبدالله رستگار از پیشگاه خدای اسلام موصوف گردید بزرگترین ذخیره جنایتکاران یا رزم‌آرا را بجهنم فرستاد و با نداهای پیایی و رسای زنده باد اسلام و الله اکبر و قیافه نورانی و رشیدش بشهربانی ظلمانی سوق داده شد، او بدستور خدای جهان و بحکم قانون مقدس اسلام خار کثیفی را از شاهراه اسلام و مسلمین برداشت و بزرگترین شکست را به پیکر چرخهای سیاستهای شوم بیگانه وارد آورد و هزاران هزار برادران او شیر - زادگان بیسه آل محمد ص در زوایای سرزمین پیروان آل محمد ص یا ایران

در انتظار رسیدن ساعت انجام وظیفه خود با کمال شتاب دقیقه شماری میکنند ، اینک ، اینک ، ای پسر پهلوی و ای وکلاء مجلس شورا و سنا و ای وزیر تازه وارد و ای وزرا ، باقیمانده پوسیده شما و شما و همکاران شما میدانید که چنانچه سراسر احکام مقدس اسلام را طبق کتاب فدائیان اسلام موبمواجرا ننموده تاخیری کنید آن بآن خود را بسر اشیب جهنم نزدیک نموده و به ریشه حیات خویش تیشه های محکم نواخته اید و نیز اگر کوچکترین جسارتی بساحت مقدس برادر رشید ما حضرت خلیل طهماسبی (عبدالله رستگار) نموده و او را تا سه روز دیگر با کمال احترام و عذرخواهی آزاد ننمائید بحساب یک یک شما رسیده بانتقام جنایات سابق و حاضران بیاری خدای توانا دودمانتان را بباد نیستی میدهیم .

بیاری خدای توانا - فدائیان اسلام

تبصره ۱ - همه و همه نمایندگان اقلیت و اکثریت و روزنامه های وابسته به اقلیت و اکثریتی بدانند که ایران مملکت پیروان آل محمد (ص) است و کسی که کوچکترین تخلفی از سراسر قوانین مقدس جعفری بنماید بنا بر مقررات اسلام بحسابش رسیدگی شده وجودش از درجه هر عنوانی ساقط است و نیز چنانچه از فداگریهای فرزندان اسلام و ایران بخواهند کوچکترین استفاده سوئی برخلاف مصالح اسلام و ایران بنمایند سریعاً بحسابشان رسیدگی میشود .

۲ - روزنامه نگاران ایران سعی کنند که عفت قلم را رعایت نموده ارزش روح و هدف خود را با نشر عکسهای شهوت بار زنان بی عفت و مطالب خلاف اخلاق و عفت و اسلام معرفی ننمایند و نیز مطالب اسلامی و حق را با شهوت خود نیامیزند .

۳ - دسته های قلیل و پلید وابسته به بیگانگان پست بجای خود نشینند و گمان نکنند که ایران یا سرزمین پیروان آل محمد (ص) جای اراجیف بیگانگان است و خود را دچار جنگال انتقام فرزندان اسلام و ایران ننمایند .

فدائیان اسلام

پس از قتل رزم آرا، مهره امپریالیسم انگلیس، جناحهای مختلف قدرتهای خارجی و داخلی درصدد به دست آوردن پست نخست وزیری بر آمدند.

در این رابطه، برای آشنائی با نامزدهای مقام نخست وزیری، قسمتی مندرجات روزنامه ارتجاعی و وابسته به بیگانه "طلوع" را نقل میکنیم:

نخست وزیر آینده چه کسی خواهد بود؟

"دیروز در تمام محافل تهران صحبت از بحران سیاسی موجود بود و در باب نخست وزیر آینده صحبت میشد و در بین نام شخصیتها و رجالی که برای زمامداری نام برده میشد بطوری که شنیده ایم نام آقای احمد قوام و آقای سیدضیاءالدین طباطبائی برده میشد حتی اینکه شایع بود که آقایان مذکور بدربار احضار شده اند، ولیکن بعد از تحقیقی که از مراجع صلاحیتدار کردیم این شایعه تائید نشد.

بقرار مسموع تا از مجلسین شوری و سنا رای تمایل گرفته نشود بحران سیاسی دوام خواهد کرد و اینک این فکر در دربار شاهنشاهی کاملاً پذیرفته شده است که باید از مجلسین شورا و سنا برای زمامداری رای تمایل گرفته شود. گفته می شود که در مجلسین تشنت آراء زیاد است ولی گویا اظهار نظر آقای سردار فاخر حکمت که بحضور ملوکانه عرض کرده است آقای احمد قوام در مجلس طرفدارانی دارد صحیح باشد - قدر مسلم اینست که دوستان و طرفداران آقای قوام برای زمامداری ایشان ابراز فعالیت سیاسی میکنند و با مجلسیان نیز مذاکرات و توجه آنان بجریان حوادث جهانی و وضع بحران - آمیز کنونی جلب شده است.

و سپس تحت عنوان "آقای فهیمی سرپرست دولت" از جمله مینویسد:

"دیروز این فکر نیز در محافل سیاسی مورد بحث بود که بواسطه نزدیکی شب عید و تنگی مجال ممکن است آقای فهیمی وزیر مشاور کابینه

رزم آرا با تمایل آراء مجلسین شوری و سنا زمام امور را بدست گیرد و با وزیران سابق یا وزیران جدید مشغول کار شود تا اینکه مجلسین باکثرتیت یا باتفاق آراء رای شان معلوم گردد - گفته میشود آقای فهیمی بواسطه سابقه ممتدی که دارد و حسن سابقه و محبوبیت شخصی قادر خواهد بود وضع حاضر را تا زمانی که دولت جدید تشکیل شود حفظ کند و لیکن آنچه مورد توجه محافل سیاسی است اینکه وضع حاضر قابل دوام و عادی نیست و یک حکومت توانا و مدبر لازم است که رفع مشکلات موجود کند. " (۴)

همین روزنامه در سر مقاله اش تحت عنوان " باید رای تمایل از مجلس گرفت . . . " از جمله نوشت:

" غیر از شخص قوام السلطنه کسی را در بین رجال و شخصیتهای سیاسی نمی بینیم که بتواند بار دیگر در صحنه سیاست ایران ظهور کند و بوطن خود و شاه محبوب خود و بملت ایران خدمت کند و دقایق عمر را که اینک در خانه خود و دور از جنجال و غوغای سیاست بسر میبرد مصروف خدمتگزاری بکشور نماید. او موقع دیگر هم که ایران بحرانی ترین ایام تاریخی خود را طی میکرد شانه از زیر بار خدمت خالی نکرد و همت برفع مشکلات روزافزون گماشت. " (۵)

و روزنامه " اطلاعات " مورخه ۲۱ اسفند ۲۹ اسامی کاندیدها و نامزدان نخست وزیری را بترتیب زیر می نویسد:

" آقایان سید ضیاء الدین طباطبائی - احمد قوام - علی سهیلی - دکتر محمد سجادی - علی دشتی - سرلشگر زاهدی - مرتضی قلی بیات - باقر کاظمی "

و سپس می نویسد:

" . . . آقای سردار فاخر حکمت هنگام شرفیابی خود دیروز مقارن ظهر بعرض شاه رسانید که مجلس شوری دربارهٔ نخست وزیر آینده روی دو نفر بیشتر از سایر کاندیدها تکیه میکند و آن دو یکی آقای سید ضیاء الدین -

طباطبائی و دیگری آقای احمد قوام میباشد. " (۶)

روز ۲۰ اسفند ۱۳۲۹ مجلس شورایی برای بحث در مورد نخست - وزیر آینده جلسه‌ای تشکیل داد که گزارش آنرا بنقل از روزنامه " طلوع "

می‌آوریم :

" دیروز جلسه علنی مجلس شورایی تشکیل نشد و پس از یک سلسله جر و بحث در غراکسیون‌ها جلسه خصوصی تشکیل یافت و چون آقای فهیم - الملک اظهار کرد که مأموریت یافته است که برای زمامداری خویش نظر مجلس را بخواهد بطور مخفی اخذ رای بعمل آمد و در نتیجه از ۱۰۳ عده حاضر فقط ۳۹ نفر با آقای فهیمی موافق و ۶۴ نفر با زمامداری ایشان مخالف بودند. آقای سردار فاخر رئیس مجلس شورا بلافاصله شرفیاب حضورملوکانه شده و مراتب را بعرض رسانید و قرار است امروز مجدداً " جلسه خصوصی تشکیل شده و نسبت به تعیین زمامدار آتیه رای تمایل گرفته شود. " (۷)

شاه که به قوام السلطنه بدبین و از قدرت طلبی او در هراس و چندی قبل نیز عنوان " جناب اشرف " را از او گرفته بود تمایل به نخست وزیری سیدضیاء - عامل کودنای حوت ۱۲۹۹ - داشت، اما بعنوان " محلل " و جاده صاف کن حکومت سیدضیاء، حسین علاء، وزیر دربار را معرفی و مجلسین را مجبور به پذیرش نظر خود نمود.

روزنامه " طلوع " که از طرفداران سرسخت نخست وزیری قوام السلطنه بود، در ستون مسموعات خود در این باره نوشت :

" در جلسه خصوصی عصر دیروز (یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۲۹) که از آقایان سناتورها در عمارت بهارستان تشکیل شد بقرار مسموع در باب زمامدار آینده صحبت‌هایی شده است و بطوریکه شنیده‌ایم برعایت احترام نظر اعلیحضرت همایونی اظهار نظر موافق نسبت به زمامداری آقای حسین علاء وزیر دربار شاهنشاهی شده است. گفته میشود در جلسه دیروز گفته شده بود که آقای علاء شخصاً " از قبول مسئولیت عذرخواسته است و لیکن

گویا آقای نقی‌زاده و رفقای ایشان از عامیون گفته‌اند از ایشان خواهش کرده‌ایم که قبول کنند و باین ترتیب نظر موافق نسبت بزمادمداری آقای علاء داده شده مشروط بر اینکه امروز هم مجلس شورای ملی بایشان رای تمایل بدهد. . . . " (۸)

روزنامه فوق‌الذکر در مورد اینکه " آیا مجلس شورای ملی از سنا تبعیت خواهد کرد؟ " نوشت:

" دیشب در محافل سیاسی گفته میشد که بعید بنظر میرسد در جلسه خصوصی امروز مجلس شورای ملی تبعیت از نظر موافقی که مجلس سنا به آقای علاء ابراز داشته است بنماید بخصوص که دیروز عصر در کسریدوره‌های بهارستان بین بعضی آقایان سناتورها گفته بود که فقط برای شب عید و برگزاری ایام نوروز و اینکه دولتی سرکار باشد و تمایل شاهانه بانخاب آقای علاء رعایت شود بحال آقای علاء خوب است و مجلس شورای ملی نیز با این روش " سیاست دفع‌الوقت " موافقت خواهد کرد .

این طرز موافقت با انتخاب رئیس دولت دیشب در محافل پارلمانی انعکاس مطلوبی نداشت و این بحث اصولی نیز مورد توجه و بررسی بود که اساساً " آیا مجلس سنا حق دارد رأی تمایل بدهد یا نه؟ و منشاء این بحث اصولی نیز مورد توجه و بررسی بود که اساساً " آیا مجلس سنا حق دارد رأی تمایل بدهد یا نه؟ و منشاء این بحث نیز اینست که نیمی از عده سناتورها، سناتور انتصابی هستند و یک نوع دین اخلاقی برای محسبت از دربار دارند و حال آنکه رای تمایل باید از مجلس شورای ملی گرفته شود. . . . "

سپس همین روزنامه می‌نویسد:

" بقرار مسموع در مجلس شورای ملی آقای احمد قوام دارای اکثریت است و دیشب در محافل پارلمانی و سیاسی تهران گفته میشد که هرگاه امروز جلسه خصوصی تشکیل شود و رای تمایل برای آقای احمد قوام گرفته شود ایشان متجاوز از دو ثلث آراء را خواهند داشت - گفته میشود تعجیل در تشکیل

جلسه خصوصی سنا و مذاکرات با آقای علاء در خارج و اصرار باینکه ایشان راضی بقبول زمامداری شوند برای ایجاد اختلاف و تشتت آراء بین مجلس شوری و سنا بود که بالمآل بحران سیاسی ادامه پیدا کند!

بطوریکه شنیده‌ایم در مجلس شوری آقای احمد قوام و بعد از ایشان آقای سیدضیاءالدین طباطبائی زمینهٔ موافق و خوب دارند - دیشب شنیدیم که پاره‌ای از عناصر پارلمانی بنفع وزیر دربار شاهنشاهی بنا بمیل درباریان فعالیت میکردند در صورتیکه آقای علاء قلباً "مایل بقبول مسئولیت نیستند."

و بدنبال آنچه در فوق آمد می‌نویسد:

"بقرار مسموع اکنون آقایان اعضا باصطلاح حزب عامیون در سنا و در خارج بین نمایندگان مجلس شورای ملی دست بکار فعالیتهای سیاسی شده‌اند و گفته میشود این فعالیتهای اسباب تشنت و تفرقه آراء و موجب دوام بحران و تشنج خواهد شد - در محافل آگاه از اظهار نگرانی نسبت به آراء بحران و تشنج خودداری نمیشود و ناظر باوضاع سیاست بین‌المللی هستند و توجهی که به ایران هست و به این سبب گفته میشود باید هر چه زودتر بحران خاتمه پیدا کند."

بترتیبی که در فوق آمد قبل از تشکیل حکومت علاء مشخص بود که "فقط برای شب عید و برگزاری ایام نوروز و اینکه دولتی سرکار باشد و تمایل شاهانه بانتهاب آقای علاء رعایت شود عجالهٔ آقای علاء خوب است" و پس از سپری شدن این "ایام" جناحین هیئت حاکمه در صدد بودند کاندیدهای خود: قوام السلطنه و سیدضیاءالدین را بکرسی ریاست‌الوزرای - برای تثبیت قدرت بیگانه و شرکت نفت جنوب و طبقات و اقشار داخلی موثلف آنان - بنشانند.

روزنامه "اطلاعات": "در جلسه دیشب سنا آقای حسین علاء با اکثریت قریب باتفاق و در جلسه امروز مجلس شوری با هفتاد رای از ۹۷ نفر عده"

حاضر برای نخست‌وزیری مورد تمایل قرار گرفت. " (۹)

و روزنامه "سوی آینده" در این باره نوشت: "سرانجام پس از ۵ روز بحران کاندید دربار بر رقبای خود پیشی گرفت و توانست رای اعتماد مجلس را کسب کند."

آقای علاء که مجلس سنا با اتفاق آراء باو رای تمایل داده بود دیروز از مجلس شورا هفتاد رای کسب کرد. بیست و هفت نفر بایستان رای نداده بودند.

باید دانست علاء نخستین کسی بود که از طرف دربار برای نخست‌وزیری کاندیدهای دیگر شد ولی چون نپذیرفت بدیگران پرداختند. کاندیدهای دیگر از این قرار بودند:

قوام از طرف چند تن و کلای هوادار خود، سرلشکر زاهدی از طرف "ملیون" فهیم‌الملک "از طرف "عامیون" و سیدضیاء‌الدین.

قوام بواسطه مخالفت شاه و زاهدی و فهیمی بواسطه نداشتن زمینه در مجلس و سیدضیاء‌الدین ظاهراً "بعلت عدم تمایل شخصی بر سرکار نیامدند. ناچار دوباره با آقای علاء مراجعه شد و این بار ایشان که گویا "ترسشان ریخته بودند" پذیرفتند. " (۱۰)

لازم بتذکر است که برخلاف رویه معمول در مورد انتخاب نخست‌وزیر که می‌بایستی با رای تمایل مجلسین انجام گیرد، در مورد حسین علاء که قرار بود نقش "محلل" را بازی کند، فقط در جلسه خصوصی مجلس در مورد او که منتخب شاه بود نظر خواهی و در روز ۲۱ اسفند حکم نخست‌وزیری بنام او صادر و معرفی کابینه از جانب علاء به پس از تعطیلات عید نوروز موکول گردید.

روزنامه "طلوع" که از هواداران سرسخت یک حکومت قوی بریاست قوام‌السلطنه بود در سرمقاله خود تحت عنوان: سیاست دفع الوقت بسختی به انتخاب حسین علاء حمله نموده و از جمله نوشت:

" دیروز آقای حسین علاء از نمایندگان مجلس رای تمایل گرفت و زمامداری رافی الحقیقه بایشان قبولانندند همانطور که ایشان را هم بمجلس قبولانندند زیرا بیم آن میرفت که یک مرد توانا که قادر بر تسلط اوضاع باشد مانند قوام السلطنه یا سیدضیاء الدین زمامدار شود و چاره بیچارگی مردم را بنماید . پس برای اینکه چنین مردی در صحنه سیاست ایران ظهور نکند آقای حسین علاء را بهر نحوی بود راضی کردند که فعلاً " ولو برای یکماه هم شده است قبول مسئولیت نکنند تا ببینند سیر حوادث چه خواهد بود ؟

این شیوه جز " سیاست دفع الوقت " و بیعلاقگی بامور و شئون ملک و ملت اسم دیگری ندارد - همیشه و همه وقت اغراض و مقاصد شخصی و خورده حسابهای خصوصی بر اداره امور مملکت و منافع و مصالح عامه چیرگی دارد در این مورد باز هم عناصر درباری و عمال آنان در سنا و مجلس شورای اراده خود را تحمیل کردند و همانطور که نوشتیم این یک نوع استهزاء بافکار عمومی و اصلاحات منتظره است که باید با وجود یک حکومت توانا و مدبر صورت بگیرد .

ما تصور نمیکنیم کسی یافته شود که با شخص آقای علاء مخالف باشد و ایشان مردی مورد احترام هستند و از خدمتگزاران صدیق میباشند ولی قبول مسئولیت زمامداری در چنین موقعی برای ایشان سنگین است و همان عناصریکه اراده خود را تحمیل به مجلسین کردند همان عناصر هم اراده خود را در تعیین وزیران کابینه تحمیل خواهند کرد

تنها ما نبودیم و نیستیم که معتقد بزمامداری مردی توانا و حکومتی قانونی و با اقتدار میباشیم بلکه تمام عقلاء و اصلاح طلبان باین عقیده هستند و گفتگو در بدی و خوبی یک شخص و فرد نیست بلکه صحبت در این است که هر کاری از دست اهل آن بر میآید

از حال میشود پیشبینی کرد که کابینه آقای علاء ایام نوروز را طی میکنند - مجلس هم در هفته آینده تعطیلات نوروز خود را شروع خواهد

نمود و برای اینکه دولتی هم سرکار باشد و رئیس دولت هم شخص خوشنام و نیک نفسی باشد پنج شش هفته یا قدری بیشتر یا کمتر بهمین نحو کجدار و مریز موافق سنت دیرین ایرانی میگذرد ولی یقین داشته باشید این روش جز تضییع وقت و ادامه تشنج و پریشانی زندگی مردم و افزودن خشم و غیظ عمومی نتیجه دیگری نخواهد داشت! " (۱۱)

و روزنامهٔ "بسوی آینده" ناشر افکار حزب توده در سرمقاله‌ای تحت عنوان "یکی از عاقدین قرارداد باطل و خائنانه بر مسند نخست وزیری می‌نشیند" با استقبال علاء میرود و از جمله می‌نویسد:

"راجع به شخصیت و تمایلات سیاسی نخست‌وزیر جدید، نیازی به صحبت زیاد نیست - و از هم اکنون میتوان پیش‌بینی کرد که نخست‌وزیر جدید، از نظر خارجی و هم از نظر داخلی، مشکلات تازه‌ای، بر مشکلات سابق خواهد افزود، و کشور را، براههای ناصواب جدیدی خواهد کشاند." و همچنین در قسمتی دیگر از سرمقاله چنین ادامه میدهد:

"از هم اکنون میتوان پیش‌بینی کرد که نخست‌وزیر جدید چه راهی را برخواهد گزید. سوابق سیاسی علاء و مخصوصاً "شرکت مستقیم او در انعقاد قرارداد مجعول ۱۹۳۳، و همکاری با "آلت فعل" مشهور محل تردیدی در خط مشی این شخص باقی نمیگذارد. . . . همانطور که رزم‌آرا . . . نتوانست مبارزه ملت ایران علیه کمپانی نفت جنوب را متوقف کند. نخست‌وزیر جدید، هم نخواهد توانست، با توسل بطرق تازه، در این راه توفیق یابد. خواست ملت ایران اینست که بطلان قرارداد ۱۹۳۳ که نخست‌وزیر جدید در تنظیم آن سهم فعالی داشته است اعلام شود، و نفت جنوب ایران ملی گردد. . . ." (۱۲)

در همین روز "طلوع" در سرمقاله‌اش تحت عنوان "آقای علاء صلاح در اینست که استعفا کنید. . ." از جمله نوشت:

"دیروز تقریباً تمام جراید تهران اظهار تردید کرده بودند کابینه

آقای علاء بتواند توفیقی در اصلاح امور و شئون مملکت پیدا کنند . . . " و سپس اضافه میکند: " سری که درد نمیکند جنابعالی بیخود دستمال بآن بسته‌اید و بهتر است که مردم شما را یک مرد ملی وطنی بدانند نه یک شخصی که درباره او پشت تریبون مجلس شورایی گفته شود: " چون اراده و میل اعلیحضرت همایونی بانتخاب آقای علاء بوده است و اعلیحضرت همایونی حق انتخاب رئیس دولت دارند و نی ضمناً " خواسته‌اند رعایت احترام بسنت پارلمانی بشود پس بایشان رای تمایل میدهیم . . . " این بیان معلوم‌میدارد که منتخب حقیقی مردم نیستند بلکه تحمیل به مجلسین شوری و سنا شده‌اید . . . " (۱۳)

حملات حزب توده و طرفداران قوام السلطنه و سیدضیاء‌الدین به علاء گسترش بیشتری یافت. " بسوی آینده " در سرمقاله‌اش نوشت: " آقای علاء هنوز بر مسند نخست‌وزیری استقرار نیافته و از مجلسین رای اعتماد نگرفته، پرده از منویات شوم و ضدملی خود برمیدارد . . . " (۱۴)

و " طلوع " از علاء خواست، فرمان نخست‌وزیری را بوسیده و بخانه خود برگردد. این روزنامه در سرمقاله خود نوشت:

" ما دیروز یک صلاح‌اندیشی صادقانه و بی‌ریا با آقای علاء نمودیم که صلاح ایشان اینست که استعفا کنند و هنوز هم دیر نشده است و بهتر است کناره‌گیری کنند و اجازه بدهند در یک صفحه از تاریخ جاری ایران نوشته شود که حسین علاء به سائقه حیات وطنپرستانه خود و بنا بعلاقه‌ای که به حفظ نام نیک و نجات وطن عزیز خود از هرج و مرج احتمالی داشت فرمان نخست‌وزیری را بوسیده بچشم نهاده و کنار میز صدارت گذاشت و رفت بخانه خود نشست تا دیگری که از عهده این مسئولیت خطیر برمی‌آید زمام امور را بدست بگیرد . . . " (۱۵)

دکتر مصدق پیشوای نهضت ملی هوشیارانه در این ایام تمامی کوشش خود را مصروف تصویب قانون " ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور "

نموده و با پشتیبانی مردم دلیر ایران موفق شد با استفاده از تضادهای موجود بین امپریالیسم آمریکا و انگلیس و اختلافات عوامل داخلی آنان ، قانون فوق را در روز ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ بتصویب مجلس شورا رساند .
 آقای سید مجتبی نواب صفوی نیز با اعلامیه کوتاهی مخالفت خود و طرفدارانش را با حکومت علاء اعلام نمود . متن این اعلامیه بنقل از روزنامه " داد " (۱۶) بشرح زیر میباشد :

اعلامیه فدائیان اسلام

خطاب به علاء نخست وزیر

۴ جمادی الثانی ۱۳۷۰

حسین علاء - زمامداری ملت مسلمان ایران در خور صلاحیت تو و امثال تو و حکومت غاصب کنونی نیست فوراً " برکناری خود را اعلام کن .
 بیاری خدای توانا
 سید مجتبی نواب صفوی

در ۲۷ اسفند پیام تبریکی از سوی آیت الله کاشانی بمناسبت پیروزی ۲۴ اسفند (تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در مجلس شورایی ملی) خطاب به ملت ایران صادر میشود .
 با پیگیری و هوشیاری نیروهای استقلال طلب و رهبران نهضت ملی ، مجلس سنا نیز برخلاف میل باطنی در روز ۲۹ اسفند ۲۹ قانون " ملی شدن صنعت نفت " را تصویب نمود .
 در آستانه سال جدید ، جبهه ملی اعلامیه‌ای با امضای دکتر محمد مصدق خطاب به ملت ایران صادر نمود که متن آن را در ذیل می‌آوریم :

اعلامیه جبهه ملی (۱۷)

زحمات مردم ایران در سال ۱۳۲۹ و توفیقی که در باب ملی شدن صنعت نفت نصیب ملت شده باندازه‌ای مهم است که سراسر مملکت باید این توفیق عظیم ملی را جشن بگیرند اینک که عید نوروز سعادت و شادگامی ملت ایران را تکمیل میکند جبهه ملی بدینوسیله بهترین تبریکات خود را بملت ایران عرضه میدارد. ضمناً "موقع را مغتنم شمرده و یادآور میشود که دشمنان ایران شاید بمناسبت بخل و حسدی که نسبت به این موفقیت عظیم پیدا کرده‌اند در صدد ایجاد تشنجات و نشر اکاذیب و اجرای افعال و اعمالی باشند که هرگز با روح آزادیخواهی و نجابت و اصالت فطری ملت ما مناسبت نداشته‌باشد و ممکن است مقصود اصلی آنها از اقدامات و عملیاتی که مرتکب میشوند این باشد که بخواهند ملت ایران را از مشی جدی و استقامتی که برای احقاق حقوق خود/ ابراز میدارد باز دارند و یا مقاصد آنها را در انظار ملل جهان غیر از آنچه هست جلوه دهند در حالتی که ملت ایران خوب متوجه است که کار عظیمی را که شروع نموده باید کاملاً

بپایان برساند و هرگز از انتشارات و مساعی و فعالیت‌های آشوب طلبانه دشمنان خود نگرانی پیدا نخواهد کرد و محال است که افکار بدخواهان و عملیات لخصمانه آنها ملت ایران را در مشی ملی خود حتی ساعتی متوقف سازد و یقیناً "هیچ ایرانی وطن پرستی با اقدامات خلاف قانون و عدالت که با طبیعت ملت اصیل ایران سازگار نیست رضا نخواهد داد و جبهه ملی امیدوار است همانطور که مردم ایران تاکنون با نظم و آرامش و سکون خود ببزرگترین موفقیت‌ها توفیق یافته و احقاق حق خود را نموده‌اند برای وصول بآمال ملی شیوهٔ مرضیه خود را تعقیب و دشمنان را از این فکر که بتوانند با اجرای نیات فاسد خود بهانه بدست بیاورند ناامید و مایوس سازند .

از خداوند سعادت و توفیق و کامیابی ملت ایران را خواستار و جبهه

ملی امیدوار است که نظم و آرامش در مشی تمام افراد همیشه مراعات گردد .
دکتر محمد مصدق

علاء با سوءاستفاده از تعطیلات نوروزی مجلسین ابتداء در تاریخ ۲۹ اسفند ۲۹ در تهران و حومه و سپس در ۴ فروردین ۳۰ در خوزستان اعلان حکومت نظامی نمود .

دلایل ظاهری اعلان حکومت نظامی در تهران و خوزستان بترتیب ترورهای سیاسی و اعتصاب کارگران نفت جنوب بود . اما علت اصلی آن ، ایجاد زمینه مناسب برای روی کار آمدن سیدضیاءالدین و سرکوب احساسات استقلال طلبانه و ضد انگلیسی مردم و ممانعت از اجرای قانون ملی شدن نفت بود .

حقیقت جریان اعتصاب کارگران نفت جنوب از این قرار بود که گردانندگان انگلیسی شرکت نفت با کسر ۳۰٪ از دستمزد چندین هزار کارگر همزمان با تصویب قانونی ملی شدن نفت در مجلسین ، قصد آن داشتند که اذهان کارگران و نیروهای سیاسی مترقی را از مسئله اصلی آن مقطع که شعار " ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور " بود به شعارهای صنفی معطوف ساخته و آنان را در مقابل جبهه ملی و رهبرش قرار دهد .

عملکرد حزب توده و دیگر مخالفان رهبری نهضت ملی در این برهه تاریخی ، همسو و هم آهنگ با سیاست تشنج آفرینی گردانندگان شرکت نفت بود .

جبهه ملی در اعلامیه‌ای ماهیت حکومت نظامی و تشنج آفرینی شرکت نفت را افشاء و توده ملی مردم را با جملات ذیل هشدار داد :

" . . . ملت ایران امروز بخوبی میداند که هر قسم سخت گیری و فشار و اغتشاش پیش آید منحصرآ " ناشی از ایادی شرکت نفت است که میخواهند ملت ایران را از وصول به هدف اصلی خود که برچیدن دستگاه عظیم جاسوسی

انگلستان است باز دارند ."

در این اعلامیه به تحدید آزادیها و همچنین دستگیری افراد جمعیت "فدائیان اسلام" نیز اعتراض گردیده که متن آنرا در ذیل می‌خوانید :

" هموطنان عزیز مطلع هستند که یکی از مواد مرامنامه جبهه ملی اصلاح قانون حکومت نظامی بود که بعون الله تا حدی که وقت و اوضاع و احوال اجازه میداد بوسیله قانون ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ تعدیل شد .

بلافاصله پس از گذشتن قانون اصلاح قانون حکومت نظامی کابینه ساقط شد و دولت آقای علاء را چون خواستند با رای تمایلی که منطبق بر سنن مشروطیت نبود روی کار بیاورند نمایندگان جبهه ملی حاضر نشدند . برخلاف اصول در چنین رای تمایلی شرکت کنند و بهمین دلیل در موقع رای از جلسه بعنوان اعتراض خارج شدند .

پس از آن هم در تشکیل کابینه هیچ دخالتی ننمودند و مکرر جناب آقای علاء را از هر اقدام ضدآزادی برحذر داشتند .

آقای علاء که اینک معلوم شده از ابتدا قصد اعلان حکومت نظامی را داشته برای اینکه حکومت نظامی با مخالفت مجلسین روبرو نشود منتظر فرصت شده پس از تعطیل مجلسین حکومت نظامی را بدون هیچ موجبی اعلان کرده است .

اعلان حکومت نظامی علاوه بر اینکه مورد نداشته برخلاف قانون هم بعمل آمده زیرا :

اولاً "در موقع اعلان حکومت نظامی دولت علاء هنوز بمجلس معرفی نشده بود . ثانیاً "حکومت نظامی را اعلان کنند در صورتی که دولت اکثریت نداشته چه معاونین وزارتخانه‌ها بهیچوجه نمی‌توانند بجای وزراء در دولت و صدور تصویب نامه شرکت کنند .

مع دلک جبهه ملی در این چند روز بواسطه اینکه اغلب اعضاء آن در

طهران حاضر نبودند موفق نشد اعتراض خود را در باب حکومت نظامی بسمع ملت ایران برساند.

ولی اینک که حکومت دست بعملیات خلاف قانون زده و بکینه جوئی و انتقام از مخالفین خود و زمینه‌سازی برای اخافه و ارعاب مردم پرداخته است نمیتواند پیش از این ساکت بماند.

هیچکس نمیتواند تحمل کند که قوای انتظامی یعنی مأمورین نظم و امنیت عمومی برخلاف قانون و وظیفه خود شبانه بخانه مردم بی‌پناه ریخته نسبت باهل خانه از مرد و زن و اطفال معصوم مرتکب هرگونه تهدید و اهانت و ضرب و شتم شوند جای تعجب است که هنوز دولتهای مانمیخواهند بمعنی حکومت نظامی توجه کنند هنوز حکومت نظامی را برای اعمال اغراض خصوصی و کینه‌توزی و جلوگیری از اعمال حق حاکمیت ملت اعلان میکنند. عجیب‌تر اینکه فعلاً "متهم بقتل تحت تعقیب محاکم عمومی است ولی اشخاصی را که از شرکاء متهم قلمداد میکنند بمحاکم نظامی جلب نموده بزندانی می‌افکنند.

شک نیست که این قسم اعمال خلاف قانون و خلاف عدالت نه فقط اضطراب و نگرانی مردم را رفع نمیکند بلکه بعکس موجبات خشم و غضب آنها را بیشتر از پیشتر فراهم مینماید بخصوص که ملت ایران امروز بخوبی میداند که هر قسم سخت‌گیری و فشار و اغتشاش پیش‌آید منحصرآ ناشی از ایادی شرکت نفت است که می‌خواهند ملت ایران را از وصول به‌هدف اصلی خود که برچیدن دستگاه عظیم جاسوسی انگلستان است باز دارند.

درهرحال جبهه ملی با این قبیل اعمال خلاف قانون و خلاف عدالت حداً مخالف است و برای حفظ حقوق مسلمهٔ ملت و تأمین آزادی بر طبق قانون اساسی شدیداً مبارزه خواهد کرد." (۱۸)

در مورد مخالفت مرحوم نواب صفوی با حکومت نظامی در روزنامه
"جهان آذر" چنین میخوانیم:

" ساعت ۷ بعدازظهر شب عید آقای سید مجتبی نواب صفوی رهبر
فدائیان اسلام باتفاق مأمور مخصوص خود بخانه آقای کریم آبادی مدیر
روزنامه اصناف رفته و از آنجا بدربار شاهنشاهی جهت صحبت با شاه تلفن
نموده است و چون اعلیحضرت شاه باتفاق ملکه براسر رفته بودند آقای دکتر
احمد هومن جریان را اطلاع و نیز به آقای نواب صفوی تذکر دادند که
چنانچه تماس با شاه حتمی است تلفنا "مطالب خود را اعلام دارند تا بعرض
برسد و چون ایشان میخواستند اعتراضات خود را نسبت باعلام حکومت
نظامی بسمع شاه برسانند و موفقیت حاصل نشد ناچار پس از صرف شام و
چند ساعتی صحبت خداحافظی کرده از آنجا خارج شدند." (۱۹)

و در روزنامه "باختر امروز" شهید دکتر سیدحسین فاطمی در سر مقاله
تحت عنوان: " هیئت حاکمه ایران برای ایجاد هرج و مرج آلت بی اراده
کمپانی نفت جنوب است " در مخالفت با حکومت نظامی چنین نوشت:

" اعلان ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور اکنون آن سیاست شوم
دویست ساله را بتلاش و تکاپو انداخته که آخرین قوای پوسیده و گند آلود
خویش را وارد معرکه کند و از هر راه که ناچیزترین امید موفقیت را در او
بیدار نماید بمبارزه برضد تمایلات میلیونها هموطن ما برمیخیزد تا سقوط
خود را هر چه میسر باشد بتأخیر اندازد. این بحرانها و تشنجات را قهرا
باید از آن منبع شیطنت و کانون "آنتریک" دانست زیرا چطور ممکن است که
مردم تهران و حتی مطلعین امور سیاسی سه ساعت بعدازظهر روز سه شنبه
۲۹ اسفند از خبر "اعلان حکومت نظامی" مطلع شوند ولی اول وقت صبح
همان روز رادیو لندن در اخبار انگلیسی از اعلام حکومت نظامی در ایران
بشنوندگان خود خبر بدهد؟ جبهه ملی در اعلامیه خود تصریح کرده است
که باحکومت نظامی بهر عنوان و بهانه‌ای که باشد مخالف است و آنرا نشانهٔ

تهدید آزادی و فشار به ملیون و مفید بحال شرکت غارتگر نفت جنوب می‌شناسند و بنابراین با تمام قوا بر ضد این اقدام حکومت آقای علاء مبارزه خواهد کرد. " (۲۰)

مخالفت‌های صریح دکتر مصدق و جبهه ملی با حکومت نظامی مانع از آن نشد که مورد حملات مکرر روزنامه‌های ارتجاعی و وابسته به بیگانه و طرفداران قوام و سیدضیاء‌الدین و حزب توده و فدائیان اسلام با تهمام موافقت با حکومت نظامی - البته هریک با تحلیلهای خاص خود - قرار بگیرند. از جمله روزنامه " نوید آینده " وابسته به حزب توده در صفحه اول ، ستون تفسیر اخبار با تیتر درشت نوشت :

" کار اختلاف میان " جبهه ملی " و " فدائیان اسلام " بالا میگیرد ، روزنامه وابسته به " فدائیان اسلام " به جبهه ملی " شدیداً " حمله میکند و آنانرا در اعلام حکومت نظامی دخیل میداند " و در توضیح آن نوشت :

" نکته جالب توجه اختلافی است که بر اثر اعلام حکومت نظامی میان نمایندگان اقلیت و " فدائیان اسلام " پیدا شده است . . . روزنامه آهنگران که ظاهراً " بعنوان ارگان " فدائیان اسلام " روز پنجشنبه اول فروردین منتشر شده بود ، ضمن سرمقاله مفصلی ، به نمایندگان اقلیت شدیداً " حمله کرده و آنها را به همکاری با دربار متهم ساخته بود .

این روزنامه یکجا می‌نویسد : " اقلیتی که اصولاً " وجودش مدیون فداکاریهای فرزندان رشید اسلام و جانبازیهای آنان است تصور فرمود که " فدائیان اسلام " حکم نابودی رزم‌آرا را بدست مردان سرباز ارجمند خود حضرت خلیل طهماسی سپردند تا آنان بتوانند با صحنه‌سازی خود را به درباری که منع فساد و ردیلت و جنایتکاریست نزدیک نموده و روی خون آنان دادوستد نمایند . "

در جای دیگر مینویسد : ما میدانیم و مردم هم میدانند . . . اعلام

حکومت نظامی با صوابدید رضایت کامل شما بوده است زیرا می بینید چرخهای سنگین و خوردکننده قدرتی که دنیا را بلرزه انداخته است مخالف کلیه شهوات و امیال نحیف شما بوده و راه‌گزینی برایتان باقی نمیگذارد. " (۲۱)

در این روز ما چند مسئله اساسی و مهم بقرار زیر:

۱ - نخست وزیری حسین علاء

۲ - حکومت نظامی

۳ - اعتصابات جنوب

۴ - کوشش شرکت نفت جنوب و دولت انگلیس برای عدم اجرای قانون ملی شدن نفت

۵ - کوشش جهت روی کار آوردن یک حکومت قوی

و . . . و موضعگیری گروههای مختلف در مقابل مسائل فوق ، مطرح بود

که بترتیب تاریخ اتفاق ، بذکر این رویدادها می پردازیم :

روزنامهٔ لوموند در خبری که راجع به اعتصابات جنوب چاپ کرد

باصراحت از نقش شرکت نفت در اعتصاب یاد کرد و چنین نوشت :

"ظاهرا" علت اعتصاب کسری درصد حقوق کارگران از طرف شرکت میباشد ولی گفته میشود ، علت اصلی تنها کسر حقوق نبوده ، بلکه باید ریشهٔ آنرا نه فقط در محل ، بلکه در تهران حتی لندن و مسکو جستجو کرد ، زیرا قضیهٔ مهمتر از آنست که تصور شود عده زیادی از کارگران فقط بمناسبت کسر حقوق دست با اعتصاب زده‌اند و اگر هم این تصور صحیح باشد ، باید اینطور توجیه شود که قطعا "خود شرکت هم بی میل بایجاد چنین موقعیتی نبوده است و گرنه تصور نمیرود ، آن شرکت راجع بکسر حقوق آنهم در نزدیکی‌های عید ملی که ایرانیان بی اندازه بدان معتقد و علاقمند هستند بدون عمد باشد .

یک منبع مجاز دیشب بخبرنگار ما گفته است که احتمال دارد منظور شرکت نفت برای ایجاد زمینه جهت اعلام حکومت نظامی بوده باشد. " (۲۲)

آیت‌الله کاشانی و دکتر محمد مصدق نیز که بخوبی به نقشهٔ

گردانندگان شرکت نفت و حکومت علاء پی برده بودند، پس از شرکت در جلسه، "جبهه ملی" در تاریخ ۱۰ فروردین ۱۳۳۰ و مذاکره در اطراف اعتصاب کارگران، تلگراف ذیل را به نمایندگان نفتگران جنوب مخابره نمودند:

اهواز - آقایان احمدی - موحدی و سایر نمایندگان محترم کارگران تلگراف آقایان واصل بلافاصله بدولت تذکر داده شده اقدامات لازم برای رفاهیت متحصنین و اعتصاب کنندگان بعمل آورد و چنانچه درخواست کرده بودید هیئتی مأمور رسیدگی شود. در جلسه دیشب هیئت دولت موضوع مطرح مذاکره قرار گرفتند، هیئت تعیین قریبا اعزام، اینجانبنان و جبهه ملی کمال مراقبت را در رعایت منویات مشروع آقایان خواهیم داشت. انتظار داریم که رعایت کمال وطن پرستی را چنانچه همیشه کرده اید برای جلوگیری از دسایس بیگانگان معمول و نظم و آرامش را جدا "مراقبت نمایند و اینجانبنان را مرتبا" از جریانات مستحضر دارید. (۲۳)

سید ابوالقاسم کاشانی - دکتر محمد مصدق

حزب توده که میکوشید پیشوای نهضت ملی و جبهه ملی را موافق با حکومت نظامی معرفی کند یک هفته پس از انتشار اعلامیه جبهه ملی در مخالفت با حکومت نظامی از جمله نوشت:

"... سکوت نمایندگان اقلیت که خود را مخالف دولت و کمپانی نفت و مدافع حقوق ملت می دانند در این مورد (حکومت نظامی) بسیار تعجب آور است.

حقیقت اینست که "جبهه ملی" هم اکنون بر سر دو راهی رسیده و نمی تواند در مورد حکومت نظامی سیاست صریح و روشن اتخاذ کند. (۲۴)

و دو روز بعد همین روزنامه برای کوبیدن جبهه ملی نوشت:

" دیروز نخست‌وزیر دو تن از نظامیها را برای اداره دو وزارتخانه وارد کابینه خود کرد .
این دو تن که هر یک در جای خود سوابق "درخشان" دارند ، آقایان سرلشگر ارفع و سرلشگر زاهدی هستند .
گفته میشود که لااقل یکی از این دو تن با توصیه جبهه ملی بر سرکار آمده است .

باین ترتیب در حالیکه کارگران جنوب چشم بتهران و بمجلس شورا دوخته‌اند این آقایان سرگرم زدوبند برای تشکیل دولت آینده هستند . " (۲۵)
در حالیکه در همین روز ، روزنامه باختر امروز سرمقاله خود را اختصاص به مخالفت با حکومت نظامی داده و نوشته بود :
"جبهه ملی با هر دولتی که بخواهد حکومت سرنیزه را مستقر کند تا نفس آخر می‌جنگد . . . (۲۶)

همزمان با اوجگیری مخالفت حزب توده و آقای نواب صفوی با رهبر نهضت ملی و وارد آوردن اتهامات ناروا به این شخصیت مبارز و ضد استعمار روزنامه ارتجاعی و طرفدار قوام السلطنه ، "طلوع" در سرمقاله خود تحت عنوان "انتحار سیاسی آقای دکتر مصدق!" نوشت :

آقای دکتر مصدق پیشوای جبهه ملی بواسطه مجاهدات صادقانه در راه آزادی و استقلال ایران محبوبیت خاصی در عامه مردم ایران دارد و همیشه مورد احترام و تکریم بوده است و فضل ایشان را در مبارزات جلیل سیاسی که داشته حتی خصوم سیاسی او نمیتوانند انکار کنند و در اثر مجاهدات و مبارزاتی که کرده است امروز حقا "مقام پیشوای ملی را دارد و وجود او حصر بیک "جبهه" معین و بخصوص نیست و این مطلب را ما امروز نمینویسیم یعنی امروز که ایشان در مبارزه برای استیفای حقوق حقه ایران از شرکت نفت جنوب پیروزی حاصل کرده و دنبائی از ملی شدن صنایع نفت در ایران

گفتگو میکنند او را به پیشوائی ملی موصوف نمیکنیم بلکه در سال ۱۳۲۸ و در بحبوحه انتخابات تهران و پس از پیروزی درخشانی که در انتخابات تهران نصیب ایشان گردید در یک مقاله اساسی بشخص آقای دکتر مصدق پیشنهاد کردیم که از فرصت استفاده کرده و " حزب سیاسی ملی " را تشکیل بدهند و هواخواهان و معتقدین خویش را در مرکز و شهرستانها متشکل سازند و خود در راس آن رهبری حزب ملی را عهده‌دار شوند ما کاری نداریم که ایشان نخواستند یا مصلحت ندانستند پیشنهاد روزنامه " طلوع " را قبول کنند و لیکن آنمقاله لامحاله تراوش یک عقیده سیاسی و اعتماد بجناب ایشان برای رهبری خلق ایران بود امروزهم آن اعتماد بجای خود باقی است و پیشوائی ملی بایشان برازندگی دارد و نباید این مقام نامخ را، مقامیکه در قلوب مردم جایگزین شده است بهیچ قیمت از دست داد و این وجود عزیز و گرامی را مؤتلف و متحد با عناصر و دستهای دانست که

بقرار مسموع بین آقای دکتر مصدق و آقای تقی زاده، یکی پیشوای جبهه ملی و دیگری رهبر حزب عامیون ائتلافی و اتحاد و انفاقی صورت گرفته است و اکنون در محافل سیاسی تهران از ائتلاف این دو رجل سیاسی گفتگو هست و با تعجب و استفهام از آن صحبت میکنند و قرائن و امارات مشهود آن را در هیئت دولت جدید آقای علاء نشان میدهند و روی اسامی بعضی از آقایان وزیران مانند آقایان فرمند و امیر علانی و مهندس زنگنه انگشت میگذارند و می‌گویند از عامیون و حزب ایران مؤتلف عامیون هستند و روی اسامی آقایان سرلشکر زاهدی و سرلشکر ارفع انگشت نهاده می‌گویند از جبهه ملی هستند و البته کسی در نیک نامی و درستی این آقایان بحث و فحص ندارد زیرا گفتگو از مقوله " اخلاق " نیست بله تعجب در اینست که چگونه آقای دکتر مصدق که پیشوای نهضت مبارزه با شرکت نفت جنوب و از جمله اعلام بزرگ " ملی شدن صنعت نفت " در سراسر کشور می‌باشند با آقای تقی زاده که حزماً امضاءکنندگان قرارداد ۱۹۳۳ بود ائتلاف می‌کنند؟! می‌گویند: دردوره

چهاردهم مجلس آقای دکتر مصدق گفته بودند عاقد قرار داد نفت آنچنان فردی است که ما در دهر

آیا ائتلاف برای چه صورت گرفته است؟ آیا برای حفظ و حمایت دولت جدید آقای علاء؟! اگر ائتلافی صورت گرفته تصور میشود منظور دیگری غیر از نگاهداری و حمایت از دولت حاضره در بین نباشد بدلیل آنکه عوامل و عناصر عامیون و جبهه ملی در کابینه هستند، هرگاه اینطور باشد بیش از پیش اسباب تعجب خواهد بود زیرا آقای علاء نیز در عقد قرار داد ۱۹۳۳ طرف مشورت و سهم در عقد پیمان مذکور بوده است و دریغ است از مرد مجاهد و مبارزی مانند آقای دکتر مصدق که وارد بائتلاف سیاسی بشود که مقام شامخ پیشوائی ایشان در افکار عمومی تزلزل پیدا کند!

. . . اگر همچو چیزی نیست هر چه زودتر تکذیب کنید . . . و بگوئید که بعضی از وزیران از جبهه ملی نیست و بنظر شما و به صوابدید جبهه ملی قبول مسئولیت نکرده اند و رفع شبهه از مقام پیشوائی خود کنید زیرا این مقام ارزان بدست نیامده و تعلق به یک دسته بخصوص ندارد . . . " (۲۷)

دکتر محمد مصدق طی یک مصاحبه مطبوعاتی در منزل خود توطئه های مخالفین نهضت ضد استعماری را نقش بر آب نمود، از جمله در پاسخ سؤال آقای عمیدی نوری مدیر روزنامه "داد" که سؤال کرد: "ممکن است اطلاع بدهید که آیا در مورد حکومت نظامی از طرف جبهه ملی چه اقداماتی بعمل آمده و آیا بحضرت عالی با آقای نخست وزیر در این مورد تذکراتی داده اید یا خیر؟" چنین پاسخ داد:

"قبل از تعطیلات عید که خواستم به احمد آباد بروم جلسه جبهه ملی در اینجا تشکیل شد و چون عده ای از آقایان اعضا میخواستند به مسافرت بروند آقایان دکتر شایگان، دکتر بقائی و نریمان مأمور شدند که در موقع تعطیلات اگر اتفاقاتی بیفتد اقداماتی معمول دارند.

چنانکه خاطر آقایان مستحضراست آقایان مزبور اعلامیه ای صادر کردند

و نظر جبهه ملی را در خصوص مخالفت با حکومت نظامی اعلام داشتند . خود بنده در ساعت ده و نیم بعد از ظهر روز دهم وقتی که در احمدآباد از رادیو شنیدم که می‌خواهند جلسه فوق العاده مجلس شورای ملی را برای تصویب اعلام حکومت نظامی تشکیل دهند فوراً "بتهران آمدم و اقدامات لازم را کردم .

اکنون هم بطوریکه اطلاع یافته‌ام دیشب جلسه فوق العاده دولت تشکیل شده و حکومت نظامی ملغی شده است .

بهر حال در دنیا حکومت نظامی برای امور کوچک اعلام نمی‌شود چنانکه در آمریکا علیه رئیس جمهوری سوء قصد شد ولی حکومت نظامی اعلام نگردید . دولت ایران مکلف است که اگر حکومت نظامی را لازم دید ، در حالی که بنظر من ضرور نبود ، اکنون آنرا ملغی کند و چنین هم عمل شد و این در اثر تذکرات جبهه ملی بوده است . " (۲۸)

نویسندهٔ مبارز کتاب " کارنامه مصدق و حزب توده " پیرامون این مصاحبه مطبوعاتی مینویسد :

" روز شنبه ۱۷ فروردین نشستی از آگاهی نگاران روزنامه‌های ایران و بیگانه در خانهٔ دکتر مصدق برپا شد . روزنامهٔ کیهان پرسید :

روزنامه طلوع نوشته است که جناب عالی و آقای تقی زاده با هم موافقت کرده‌اید که از کابینه آقای علاء پشتیبانی نمائید و جبههٔ ملی در تشکیل کابینه آقای علاء ذی نفوذ بوده است آیا این موضوع را تأیید می‌نمائید یا خیر؟ این روزنامه طلوع هم چون روزنامه داد و چند روزنامه دیگر از مزدوران شناخته استعمارگران انگلیسی بود که از آغاز هم صدا با دست راستیهای مجلس با ملی شدن نفت دشمنی میکرد . سخن او ارجی نداشت و در میان مردم رسوا بود . اینک در این روزها دروغهایی دربارهٔ پیوند مصدق و تقی زاده نوشته بود و ما دیدیم که همین دروغساز روزنامه‌های انگلیسی در بسوی آینده و دیگر روزنامه‌های توده‌ای نیز به همین سان پراکنده میشد .

در پاسخ پرستش نماینده روزنامه کیهان مصدق گفت :
این موضوع کاملاً " تکذیب میشود .

آنگاه نامه خود را در پاسخ روزنامه طلوع خواند که در آن گفته میشد :
از روزی که جناب آقای تقی زاده قرارداد ۱۹۳۳ را امضاء نموده اند با
تمام روابط و همکاری که در دو دوره تقنینیه با ایشان داشته ام حاضر نشدم
حتی یک مرتبه ایشان را ملاقات کنم . . . و اما راجع به اشخاصی که وارد این
دولت شده اند لازم است عرض کنم که در تشکیل این دولت مطلقاً " جبهه
ملی دخالت ننموده است و فقط یک نظر داشته که . . . از وزاری دولت قبل
کسی وارد این دولت نشود مخالفت من با جناب آقای تقی زاده
بقدری است که وقتی شنیدم یکی از هواخواهان حکومت نظامی و یکی از
اشخاص که برقراری این حکومت را تصدیق کرده ایشان بوده اند اعتراض من
به این حکومت شوم صدها مرتبه شدیدتر شد . چون که میدانم چنین حکومتی
برای فشار به مردم وطن پرست که بیگانگان میخواهند از این ملت سوء استفاده
کنند برقرار میشود .

و دربارهٔ حکومت نظامی مصدق گفت :

" جبهه ملی اصولاً " با حکومت نظامی مخالف است . " (۲۹)

و به این ترتیب حکومت نظامی در تهران و حومه از ساعت شش صبح

۱۸ فروردین ۳۳۰ ملغی شد .

حملات مخالفین نهضت ملی علیه نهضت نه تنها متوقف نشد بلکه

شدت گرفت . روزنامه " مجازات " وابسته به حزب توده بار دیگر نوشت :

" بطوریکه میگویند ورود این دو تن وزیر نظامی که هر دو دارای

سوابق سوئی هستند ، به توصیه و برای ارضاء اقلیت مجلس شورا بوده است .

از ارتباطاتی که این دو نفر ، بواسطه و مع الواسطه با نمایندگان اقلیت

داشته اند ، میتوان گفت که این حرفها بی پایه نیست "

و در سرمقاله همدین شماره دربارهٔ علاء نوشت :

" ما امروز، سما " اعلام میکنیم که دولت علاء مطلقاً " مورد اعتماد ملت ایران نیست. علاء آلت بی اراده‌ایست که برای اجرای نظریات امپریالیستها بر ملت ایران تحمیل شده است. این شخص و وزرایش در آینده نیز مانند گذشته، مجری خواسته‌های امپریالیزم خواهند بود. در این موقع تاریخی که سرنوشت مهمترین منابع ثروت ملی، در پیچ و خم دسائس امپریالیستها افتاده است، ما تنفر شدید خود را به کابینه علاء اعلام میکنیم . . .

مجلس شورای ایران که بطرح ملی شدن نفت رای داده است، اگر واقعاً در تصمیم خود صمیمی است باید بی درنگ با رای عدم اعتماد دولت علاء را ساقط سازد. . . " (۳۰)

روزنامه طلوع در سرمقاله خود از " موافقت " اقلیت مبارز که روزگاری " برای استیفای حقوق اساسی مردم جهاد میکرد " با دولت علاء یاد کرده و برای " نتیجه آنهمه مبارزه " اشک تمساح میافشانند و چنین مینویسد:

" شما نمی‌خواهید اعتراف کنید که با هیئت حاکمه که " سمبل " آن دولت حاضر، است موافق میباشید. البته آزاد هستید و لیکن مردم و خلق ایران به اعمال و افعال شما نگاه میکنند و میبینند و افکار شما را میخوانند که دیگر آن اقلیت مبارز که برای استیفای حقوق اساسی مردم جهاد میکرد نیستند و این آشتیانی زاده است که امروز جای شما را در پشت تریبون مجلس شورای ملی گرفته است و ارباب مهدی یزدی و کههد بوکالت از جانب شما از دولت و هیئت حاکمه طرفداری و دفاع میکنند! این بود نتیجه آنهمه مبارزه؟! . . . " (۳۱)

پیشوای نهضت ملی که با آنچه در زیر پرده میگذشت آگاهی کامل داشت و میدانست سیاست انگلستان و عواملش خواهان روی کار آوردن سیدضیاءالدین میباشند تا مانع اجراء مصوبه مجلسین درباره " قانون ملی شدن صنعت نفت " گردند، تمامی کوشش را مصروف هدایت مبارزه مردم میهن و

استفاده از اختلافات هیئت حاکمه و اربابان خارجیش جهت باجرا درآوردن قانون مزبور نموده و با هشیاری و آگاهی در پی بانجام رسانیدن آرمان ملت میکوشید .

دکتر مصدق بر این مسئله نیز آگاهی داشت که مخالفت روزنامه‌ها و محافل انگلیسی و عوامل قوام السلطنه ، مادر شاه ، اشرف پهلوی و با حکومت علاء نه از سر دوستی ملت و آرمانهایش بلکه از عدم توانائی علاء در مبارزه با موج توفنده نهضت ضداستعماری ملت ایران ناشی می‌شود و همچنین مخالفت حزب توده با علاء تحت تأثیر جناح نفتی و چپ‌رویهای حزب قرار دارد و بالاخره در موضعگیریهای جمعیت فدائیان اسلام نیز تحریکات عوامل دربار بی‌تأثیر نیست . اینست که در مجلس شورایملی ۵ شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۳۰ گفت :

"قبلاً" لازم است از جناب آقای علاء نخست‌وزیر و دوست سی ساله خود برای اینکه بعد از التای حکومت نظامی به مجلس آمدند ، تشکر کنم . چون با سوابقی که درباره اخلاق ایشان دارم ، راضی نمیشدم به مجلس بیایند و در همان وهلهٔ اول ، مورد اعتراض نمایندگان جبهه ملی واقع شوند . نظر ما این است که کشورمان تا سر حد امکان از اصول دموکراسی استفاده کند و کاری نکند که به مقررات این رژیم سکنه وارد شده و مملکت تا ابد با حکومت زور و قلدری اداره شود .

در کدام یک از ممالک دموکرات برای وقوع قتل از حکومت نظامی استفاده میکنند؟ مگر نبود که چند روز قبل سوء قصدکنندگان بجان رئیس جمهور ، در آمریکا ، برطبق قوانین عادی محاکمه و محکوم شدند؟

اگر برای هر کاری باید حکومت نظامی اعلان کنند و اگر همیشه مملکت ما تحت چنین رژیمی اداره شود چه احتیاج دادگستری باین عرض و طویل داریم و چه وقت ملت ایران خواهد توانست بمدارج عالی و ترقی برسد؟ با این‌وضع کافی است که شخص قلدری در راس حکومت واقع شود و از هر کس

نفسی در آمد او را دستگیر و در زندان شهربانی و دژبانی محبوس کنند .
از اینکه نظریات جبهه ملی راجع به لغو حکومت نظامی مورد توجه
رئیس و اعضای این دولت واقع شد ، سپاسگزارم و امیدوارم که دولت با شیوه
مرضیه‌ایکه پیش گرفته است ، بتواند آمال آزادیخواهان و وطن پرستان را
عملی نموده و هیچ وقت رضا ندهد که برخلاف انصاف و عدالت مردم بیگناه
در دادگاه نظامی حسب الامری محکوم شوند . (۳۲)

رهبر نهضت ملی در قسمتی دیگر از نطقش گفت :

" بعضی چنین شهرت داده‌اند که جبهه ملی در تشکیل این دولت
دخالت داشته ، اینست در این جلسه که نمایندگان محترم و عده‌ای از
هموطنان حاضرند در حضور رئیس و اعضاء دولت این مطلب را قویاً "تکذیب
می‌کنم .

دخالت جبهه ملی در این دولت فقط جنبه منفی داشته است و بس .
و مقصود این بود ، که از وزرای سابق کسی وارد این دولت نشود تا وزرای
بعد بدانند که برای خدمت به مملکت ، لازم است احراز شخصیت
کنند . " (۳۳)

و سپس در مخالفت با دیکتاتوری و نقش بیگانگان در ایجاد آن چنین
گفت :

" . . . چون در این قبیل مواقع که افق سیاست روشن نیست اشخاصی
که وارد درامور حساسند ، گاه به مرض سکت و گاه به مرض فجاۃ مبتلا می‌شوند
اینست که وصیتنامه خود را در بهترین محلی که بایگانی مجلس است ، ودیعه
می‌گذارم و آنرا تقدیم مقام ریاست می‌کنم .

آقایان نمایندگان محترم ! مملکت ایران باید به طریقی دموکراسی و بر
طبق اصول مشروطیت اداره شود . دیکتاتوری مملکت را بروز سیاه نشانده و
آنرا هیچوقت ملت ایران طالب نبوده و نیست . دیکتاتوری همیشه به دست
بیگانگان و به نفع آنها ایجاد شده و ملت از آن بهره‌ای جز حبس و زجر و

ذلت و بدبختی نبرده و نخواهد برد .

طبیعی است هر کس به مصائبی که سر من آمده واقف است :

حبس و حتی مرگ من برای خود من اهمیتی نداشته و ندارد . ولی شاید تاکنون کسی مطلع نباشد که در اثر حبس من فشار دولت دیکتاتوری ، دختر بیچاره ام مشاعر خود را از دست داد و اکنون در یکی از بیمارستانهای سویس بسر میبرد (با حالت تأثر) . . . همین فرزند دلبندم ، زمانی که در زندان بسر می بردم ، سعی میکرد خود را زیر اتومبیل دیکتاتور بیندازد و جان خود را از مشقت و رنج و مذلت و بدبختی که برای او فراهم شده بود ، خلاص کند .

از خداوند خواهانم که دیگر ملت ایران گرفتار چنین روزهایی نشده اول شما و فرزندان وطن به این دردها مبتلی نشوند . (انشاء الله) . " (۳۴)
روزنامه طلوع که قبلاً " ماهیت آن بیان شده است در سرمقاله شماره ۴۷۸ خود از جمله نوشت :

" جناب آقای دکتر مصدق :

امروز در تمام محافل تهران گفتگو میکنند که "جبهه ملی" کابینه آقای حسین علاء را تقویت میکند و پشتیبان اوست برای اینکه انتخابات دوره هفدهم بدست دولت علاء موافق آرزو آرمان "جبهه ملی" انجام بشود . لازم باقامه دلیل نیست که این صحبتها و گفتگوها چه اندازه برای وجاهت ملیه آنجناب و جبهه ملی که پیشوای آن هستید زیانبخش است و مبارزات صادقانه و ممتد جنابعالی پیوسته برای حصول این آرزو بوده است که دست دخالت دولتها در انتخابات مجلس شورای ملی کوتاه و قطع شود و این گفتگوها و صحبتها که حکایت از تجویز مداخله دولت در انتخابات آینده میکند برای نام نیک و حسن شهرت و محبوبیت پیشوای ملی بسیار مضر و زیانبختر است و ما بواسطهٔ علاقه قلبی که بآنجناب داریم نمیتوانیم در اینباره سکوت اختیار کنیم . " (۳۵)

آقای حسین مکی دربارهٔ شایعاتی که در مورد " همکاری " جبهه ملی با حکومت علاء از جانب جبهه مخالف نهضت ملی و مبارزات ضد استعماری مردم پخش میشد در جلسه مجلس شورایی ملی گفت :

" . . . باید بگویم که شخص آقای علاء برای یک وزیر با ما مصلحت کردند و آن آقای صالح بود و آقای صالح هم زیربار نرفت و گفت من از طرف مردم کاشان انتخاب شدم و رای مردم را بوزارت ترجیح میدهم .

بنابراین در دولت آقای علاء هیچیک از اعضای جبهه ملی نیستند و جبهه ملی دخالت نکرد و اما درباره آقای امیر علائی آیا اگر امیر علائی و بودری اختلاف دارد دلیل ضعف کابینه است چون جزء جبهه ملی است و آقای علاء بدون مراجعه بجبهه ملی خواستند افرادی را بیاورند آیا این گناه جبهه ملی است .

. . . ما اگر باین کابینه اتاک (حمله) نکردیم برای آنستکه آلت شرکت نفت واقع نشویم ولی عقیده ما دربارهٔ حکومت علاء همان است که در جلسه خصوصی گفتیم و روزنامه‌ها نوشتند . " (۳۶)

در این روز روزنامه وابسته به حزب توده بقرار زیر در قسمتی از سرمقاله خود به مصدق و هوادارانش میتازد :

" از روزی که علاء به ترتیب غیرقانونی مأمور تشکیل کابینه شد ، دکتر مصدق و اعوان او ، زیر پرده ، از علاء حمایت میکردند . دید و باز - دیدهای ایام عید ، بر میزان حمایت جبهه ملی نسبت بدولت افزود . علاء در عین حال ، با تقی زاده عاقد قرارداد ۱۹۳۳ ، ولیدر عامیون ، دسته جاسوسان منتسب بسیاست انگلیس هم در تماس بود . کابینه‌ای که بدین - ترتیب علاء تشکیل داد ، مرکب بود از کاندیداهای دسته عامیون و جبهه ملی . دکتر مصدق ضمن نطقی که روز پنجشنبه ۲۲ فروردین ، در مجلس شورا ایراد کرد با حمایت صریح و بی پرده از دولت علاء یکباره پرده‌ها را بر کنار زد و هیئت زد و بندهای روزهای گذشته را آشکار نمود .

دکتر مصدق از یکطرف به تقی زاده لیدر عامیون ، بعنوان یکنفر خائن شدیداً حمله کرد و از طرف دیگر قوام ، کاندیدای آینده نخست وزیری را مورد حمله قرار داد و از این هر دو بنفع علاء نتیجه گرفت .

اکنون نظر خود را در قبال جریانات اخیر روشن میکنیم :

۱ - دولت علاء ، بنظر ما ، که محصول سازش در جناح طبقه حاکمه ایران ، یعنی دسته عامیون و دسته منتسب به دکتر مصدق است ، یک دولت تحمیلی ضد ملی ، و آلت امپریالیزم خارجی است که جز سرکوب مبارزه ملت ایران له کمپانی نفت جنوب هدفی ندارد . اقدامات یکماهه دولت ، از قبیل ، اعلام حکومت نظامی در تهران و خوزستان ، توقیف جرائد و اشخاص ، و بالاخره ایجاد واقعه خونین خوزستان ماهیت دولت علاء را بخوبی نشان میدهد .

۲ - موافقت با دولت علاء ، از طرف هر دسته سیاسی یا شخص و مقامی که بعمل آید ، در حکم شرکت در جنایات او ، و موافقت با مطامع و اغراض کمپانی نفت جنوب است . " (۳۷)

و همین حزب در فردای آنروز در مورد دکتر مصدق و اقلیت در سرمقاله روزنامه وابستهای چنین داد سخن داد :

" اکنون در همه نقاط کشور ، کلیه مردم شرافتمند و میهن دوست ایرانی به دولت خائن علاء ، حکومت نظامی ننگین وی و همکاران مستقیم دسائس و آدم کشی های شرکت نفت اظهار نفرت میکنند و مخصوصاً " نسبت به دارو - دسته مصدق که بمبارزه ملی مردم ایران خیانت کرده و با دولت مزدور علاء برای خفه کردن نهضت مقدس کارگران خوزستان و کشتار مبارزین راه آزادی و استقلال ایران هم داستان شده اند نهایت انزجار خود را ابراز میدارند . . . وکلای عوام فریب " جبهه ملی " که با داد و بیداد و جار و جنجال حتی مبارزه یا شرکت نفت را " انحصار " خود تلقی عینمودند اینک نقاب از چهره برمیدارند و علناً " با دولت آزادی کش علاء ، و حکومت نظامی بر ضد

کارگران مبارز نفت جنوب همداستانی میکنند. در جلسه، پریشب مجلس موقعیکه حکومت نظامی مطرح بود هیچیک از وکلای "جبهه ملی" با برقراری حکومت نظامی خوزستان مخالفت نکرد و تنها یکی از آنها "مسکوت ماندن" لایحه، دولت را تا موقع رای اعتماد پیشنهاد نمود و بلافاصله پیشنهاد خود را پس گرفت!

"جبهه ملی" که به دفاع از منافع ملت ایران تظاهر میکرد اکنون بهمراه دیگران جناحهای ننگین هیئت حاکمه علنا "به مصالح ملی ایران جنایت میورزد و آشکارا به امپریالیسم خدمت میکند."

کاملا "مشهود است که در برابر درخواستهای حقه کارگران خوزستان و کشتار جنایتکارانه آبادان همه دستگاههای امپریالیستی آمریکا و انگلستان، دولت علاء، اکثریت مجلس و سنا و "جبهه ملی" دارای یک مشی واحدی هستند که مستقیما "برضد مصالح ملت و میهن ماست. . . ." (۳۸)

روز ۲۶ فروردین روزنامه "طلوع" از "وضع دولت در مجلس و تکلیف استعفا با آقای علاء" و همچنین "جلو بودن آقای سیدضیاءالدین طباطبائی" سخن گفت. (۳۹)

در همین روز "کمیسیون مخصوص نفت" بریاست دکتر مصدق یک کمیسیون فرعی هفت نفری انتخاب نمود که طرح اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت را تنظیم و بمجلس شورایملی پیشنهاد کند.

علیهذا دولتهای انگلیس و آمریکا امیدوار بودند پیش از آنکه کار بمرحله، اجرای قانون ملی شدن برسد، راه حل "مناسبی" برای مسئله نفت پیدا کنند و بهمین لحاظ روزنامه آمریکائی تایم نوشت: "تصمیم مجلس ایران یک روزنه امید باقی میگذارد: ملی شدن بموقع اجرا گذاشته نمیشود مگر بعد از دو ماه (منظور دو ماه مهلتی است که مجلس شورایملی در ۲۴ اسفند ماه ۱۳۲۹ به کمیسیون نفت داده بود)."

شاه و نخست وزیر جدیدش حسین علاء هر دو با ملی شدن مخالفند و

دورهٔ دو ماه مطالعه ممکن است شانسى بانها بدهد تا احساسات ضد خارجى را سرد کنند. " (۴۰)

در این ایام که کارگران جنوب در اعتصاب بسر میبردند و شرکت نفت جنوب و عواملش میکوشیدند تا با توطئه چینی و حادثه آفرینی به ایجاد اغتشاش و هرج و مرج بپردازند، رهبر نهضت ملی طی تلگرافی در ۲۶ فروردین ۳۰ در پاسخ اعتصابیون بندر شاهپور چنین نوشت:

بندر شاهپور - هئیت مدیره اعتصاب کارگران: آقای منتظری - فخر -

آبادی

پاسخ تلگراف مورخه ۲۴ فروردین شما که ضمن آن گزارش جریانات اعتصاب بندر معشور را ارسال داشته بودید اشعار میدارد:

تلگراف شما عیناً " برای اقدام فوری بدولت تسلیم شد در اینموقع که جریانات اجرای اصل ملی بودن صنعت نفت در سراسر کشور جزو دستور کمیسیون و مجلس شورایملی است حفظ نظم و آرامش در نواحی نفت ایران لازم و ضروری میباشد.

البته اقدام خواهد شد که تقاضای حقه کارگران رسیدگی و انجام گردد. " (۴۱)

دکتر محمد مصدق

۵

حکومت علاء برای در هم کوبیدن اعتصاب کارگران نفت جنوب - که اربابان انگلیسی اش خود زمینه ساز آن بودند - و توقیف رهبران اعتصاب با قوای سرکوبگر به کارگران یورش برد و در این میان سه تن انگلیسی و عدهای ایرانی کشته شدند. دولت انگلیس از فرصت استفاده کرده کشتیهای خود را به بهانه حفظ جان و مال اتباع انگلیسی به آبهای ایران فرستاد و کشور ما را به مداخله نظامی تهدید نمود.

دکتر محمد مصدق با آگاهی از ماهیت توطئه جدید امپریالیسم کهنه‌کار انگلستان و آلت فعلی حسین علاء در جلسه سه‌شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۳۵ مجلس شورایی چنین گفت :

" من از جناب آقای نخست‌وزیر سؤال میکنم آیا وظیفهٔ دولت این نبود که اول به حرفهای اعتصاب‌کنندگان رسیدگی و معلوم کند که پس از ملی شدن صنعت نفت چه موجباتی پیش آمده که شرکت نفت از حقوق حقه کارگران بکاهد یا اینکه تن به اعلان حکومت نظامی بدهد؟ و بطوریکه شایع است، پس از انتشار خبر حکومت نظامی از رادیو لندن، حکومت نظامی را اعلان نماید؟" (۴۲)

و سپس خطاب به دولت گفت: ". . . من توجه شما را به این مطلب جلب می‌کنم که . . . هر چه زودتر به تقاضای آنها (کارگران اعتصابی) ترتیب اثر داده شود تا دامنهٔ این اعتصاب به نقاط دیگر سرایت نکند و کمپانی نتواند تصمیم مجلس شورایی را که در مصالح ملک و ملت اتخاذ شده است، عقیم و بلااثر نماید." (۴۳)

در پایان، مصدق به قرائت بیانیه جبهه ملی که شب قبل خطاب به کارگران منتشر شده بود پرداخت. که قسمتهائی از آنرا در ذیل نقل مینکنیم:

" . . . در این ایام گرانبها و حساس لحظاتی که سیاست استعماری و عامل کهن سال آن، یعنی شرکت نفت جنوب از توسل بوسائل و تحریکاتی که موجب عصبانیت و انحراف ملت ایران و باعث آشوب و آشفتگی اوضاع وطن عزیز ما می‌شود فروگذار نمیکند از مردم مبارز و هوشمند ایرانی تمنی می‌کند، متانت و خونسردی خود را که اولین شرط لازم به پایان بردن این جهاد عظیم ملی است از دست ندهد، تا به سیاستهای دسیسه‌کار که میخواهند اوضاع ایران را آشفته و مایه نگرانی بین‌المللی جلوه دهند، مجال هیچ‌گونه تبلیغ مضر به منظور اخلال داده نشود.

هموطنان کارگر

شرکت نفت این بار مستقیماً و بدون حاجت به پرده‌پوشی، شما کارگران هنرمند ایرانی را که در سخت‌ترین شرایط زندگی به حساب یغمای پنجاه سالهٔ او با استخراج طلای سیاه مشغول بوده‌اید با کسر مبلغی از حقوق ناچیزتان به اعتصاب واداشته‌ودر ادامه موجبات اعتصاب و عصبانی نمودن شما از هرگونه اقدام تحریک آمیز خودداری نکرده و طبعاً "دامنه" این نگرانی و ناراحتی را اگر باو مجالی داده شود به نقاط کشور نیز سرایت خواهد داد تا . . . و از طرف دیگر با در هم ریختن اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران و انتشار اخبار وحشت‌انگیز ما را بخود مشغول و از وقوع حوادث احتمالی مرعوب سازد. " (۴۴)

" جبهه ملی . . . از هموطنان و برادران کارگر خود تمنی دارد با نهایت هوشیاری و در کمال آرامش و خونسردی مراقب این تحریکات و دسائس مدام حریف کهنه‌کار باشند و متانت خود را بهیچ صورت از دست ندهند و همواره متوجه باشند که فقط در پناه حفظ نظم و تسلط بر اعصاب ملت ایران موفق خواهد شد از اوضاع دنیا که برای تحقق آمال و خواسته‌های او فوق‌العاده مناسب و مساعد است استفاده کامل کند " (۴۵) و " امروز هر تشنج و هر توطئه و تحریک و هر تشتت و نفاق به نفع کمپانی نفت تمام خواهد شد. " (۴۶)

آنچنان که ملاحظه شد دکتر مصدق، خطر اصلی و عمده را که در آن برهه از زمان، " شرکت نفت جنوب " بود و در تمامی کشور ایادی و عوامل خود را بر سر قدرت نشانده و میهن اسلامی ما را در چنگال خود گرفته و هر فریاد استقلال طلبانه‌ای را در نطفه خفه میساخت و عامل اصلی فقر و پریشانی و استثمار و استعمار و نظام استبدادی حاکم بر میهن ما بود، بدرستی تشخیص داده و تمامی قدرت خود و ملت را در مقام رهبری نهضت ملی علیه این دشمن اصلی بکار میبرد و بحق، طرح هرگونه شعار انحرافی و " تشنج " توطئه، تحریک، تشتت و نفاق را در نهایت به نفع کمپانی نفت "

میدانست .

آیت‌الله کاشانی نیز که در آن ایام از رهبران نهضت ملی بودند و نقش ارزشمند و قابل‌توجهی در نهضت داشتند . اعلامیه زیر را خطاب به اعتصاب‌کنندگان خوزستان صادر فرمودند . " (۴۷)

سلام به برادران عزیزم از کارگران گرامی آبادان و بندر معشور و آغاچاری و مسجد سلیمان و هفت‌گل و کرمانشاهان دامت توفیقاتهم .

البته بر برادران عزیزم پوشیده نیست که در دو قرن اخیر یعنی دو بیست سال ایران و ایرانیان در زیر یوغ و مظالم اجنبی روز خوش ندیده و مخصوصاً "در پنجاه سال اخیر که مسلط بنفت جنوب و امر حیاتی ما گردیده روز بروز ظلم و جور و فقر و فلاکت و بیچارگی و فساد اخلاق و سیه روزی فزونتر و عده نفوس کمتر شده برای قطع ید شرکت نفت در امور ایران سالهاست تحمل انواع مصائب و مشقتها نموده تا بحمدالله تعالی بهمت ملت و مجلسین شورا و سنا قانون ملی شدن صنعت نفت از تصویب مجلسین گذشت و برای اجرا و عملی شدن آن و قطع ایادی غاصبانه شرکت از این ماده حیاتی مشغول اخذ تدابیر لازمه مهلتی لازم است که قریباً " انشاءالله این مطلب عملی و روزگار سیاه این ملت بدبخت برطرف و روزگار نوین استقلال و عزت و آسایش و رفاهیت و بهداشت و فرهنگ و عدالت اجتماعی و همه آنچه مطلوب ملت است بوجود آید پرواضح است رسیدن باین هدف و مقصود موقوف بهمت و مجاهدت است . مجاهدت و همت برادران عزیزم خودداری از هرگونه اعتصاب و موجبات اغتشاش و پیروی نکردن از دسائس مفسدین است که میخواهند باینوسیله و حيله دوباره طوق رقیت را بگردن این ملت گذارده و ملت گرسنه بیچاره را از حق خود محروم نمایند .

و خیرخواه خود را بپذیرید از اعتصاب و موجبات اغتشاش بپرهیزید تا دست آنها بکلی کوتاه شود و بهانه بدست دشمنان ملت ایران ندهید و

خون جگرهائی را که خورده و تحمل مصائبی که در راه قطع تسلط اجنبی و حفظ حیثیت و رفع سیه‌روزی این ملت فلک‌زده ضایع و باطل نمائید .
 برادران عزیز چون شریان حیات شرکت قریبا " قطع خواهد شد از هر گونه تشنت و دسیسه و حيله کوتاه‌هی نمی‌نمایند . بر شماها لازم و واجب است با کمال متانت و بیداری از هرگونه اعتصاب و موجبات اغتشاش که باعث کامیابی آنها و ناامیدی خودمان است خودداری نموده و محرکین را که بعنوان دوستی با شما این تحریکات را می‌نمایند از خود دور و منتظر تصمیم نهائی مجلسین و خیرخواهان خود باشید . درخاتمه متذکر میشود دولت در انجام مرام و حقوق حقه شما اقدامات جدی نموده از نتیجه آن مستحضر میشوید . سلامت و آسایش همه را از خداوند مسئلت دارم .

سید ابوالقاسم کاشانی

دکتر مصدق در روز سه‌شنبه ۲۷ فروردین در جلسات مجلس طی دو سخنرانی مشروحا " موضع خود و جبهه ملی را درباره حکومت علاء تشریح و صراحتا " گفت : " در پشت پرده دست‌هایی در کارند تا قوام‌السلطنه و یا سید ضیاء‌الدین را بحکومت برسانند . " دکتر مصدق همچنین گفت : " در صورت مخالفت جبهه ملی با علاء دولت او سقوط می‌کند . و در این موقع که هر ساعتی بزای مملکت ارزشی فوق‌العاده دارد ، بحرانی ایجاد شده و بعد هم دولتی بهتر از ایشان تشکیل نمیشد " برای روشن شدن مسئله قسمتهائی از این دو نطق را در ذیل نقل میکنیم :

دکتر مصدق : " . . . بیاناتی که در جلسه قبل مجلس شد ، قسمتی از آن حقایقی بود که هیچکس نمیتواند آنها را انکار کند . و در قسمتی که راجع به دخالت جناب آقای علاء اظهار شده ، توضیح میدهم که در مقدمات کار قرارداد ۱۹۳۳ ایشان دخالت نموده‌اند . ولی من یقین دارم اگر ایشان نتوانستند از حقوق ملت ایران دفاع کنند ، علت این بوده که نمیدانستند

ملت از عدم اجرای قرارداد داری، همان قراردادی که همیشه با آن مخالف بوده چقدر متضرر شده است.

کسانیکه انتظار دارند هر کسی بدون مطالعه، نظریات دقیقی اظهار کند، برخلاف عقل و منطق است. و کار استخراج معادن نفت جنوب، کاریست که هیچکس صلاحیت این را ندارد که بدون مطالعه دقیقه و اطلاعات کافی، بتواند کوچکترین اظهار بکند.

البته میتوان به آقای علاء این ایراد را نمود: چرا حاضر شدند بدون مطالعات کافی، مأموریت دولت را قبول کنند. ولی همه میدانند که هر کس در دوره دیکتاتوری متصدی کاری بود، نمیتوانست از امر دولت تخلف کند. " (۴۸)

" چنانچه ایراد به ایشان وارد باشد که چرا دفاع از الغای قرارداد را بعهده گرفته‌اند، گناه آقای تقی‌زاده مافوق حد تصور است. چونکه ایشان از حقایق کاملاً مطلع بودند ولی به وظیفه خود عمل نکردند. " (۴۹)

" . . . آقای تقی‌زاده، وزیرمالیه که مسئولیت کار را مستقیماً وقانوناً بعهده داشت و از امور بین‌المللی هم کاملاً مطلع بود، به واسطه سازش با کمپانی نفت، مخالفت ننمود و اعتراض نکرد که جامعه ملل در اختلافی که یک طرف آن شرکت نفت باشد نمیتواند دخالت کند.

سلطان وقت هم، به هر جهتی از جهات، با نظریات انگلیس موافقت نمود و مرحوم داور و جناب آقای حسین علاء را که سابقه‌ای از نقشه کار نداشت، برای دفاع از الغای قرارداد، مأمور جامعه ملل کرد. " (۵۰)

" و بنابراین آقای تقی‌زاده خوب میدانستند که از الغای قرارداد، مقصود این نبود که دست کمپانی نفت کوتاه شود بلکه این بود که قرار داد تمدید شود. و من تصور نمیکنم که حتی امروز هم جناب آقای علاء بطوری که لازم است، از کنه مطلب مستحضر باشند. . . و تنها نقصی که میتوان برای ایشان شمرد، این است که به نظریات آقای تقی‌زاده اهمیت زیاد

میدهند. (آشتیانی زاده - و هنوز هم میدهند.)
 کما اینکه وقتی من در خصوص الغای حکومت نظامی با ایشان داخل مذاکره شدم. فرمودند که مثل تقی زاده کسی با آن موافقت نموده باشد، شما چطور عقیده دارید که حکومت نظامی برخلاف مصالح مملکت است؟
 و وقتی اظهارات من را نسبت به هویت آقای تقی زاده استماع نمودند، مبهوت شدند و حرئی نزدند، و امیدوارم که در ایشان مؤثر واقع شده باشند.

معروف است که مرحوم حاج میرزا جواد، مجتهد تبریز، که با اینجانب قرابت داشت، نسبت به اخلاق مرحوم ولیعهد (مظفرالدین شاه بعد) اینطور گفته: اگر ولیعهد شما را به پیشکاری خود انتخاب کند، از یزید بدتر است و اگر سلمان را به پیشکاری انتخاب نمود در حکم پیغمبر است.
 حال عرض میکنم که اگر جناب آقای علاء آقای تقی زاده را مشاور خود قرار دهند، قادر نخواهند بود کوچکترین خدمتی به این مملکت بدبخت بکنند ولی اگر با اشخاص خیرخواه و خدمتگزار مشورت کنند، نام نیک خود را در صفحات تاریخ ایران ثبت میکنند. " (۵۱)

" از اینکه من علت موجه دولت نبوده‌ام و توانسته‌ام نظریات جبهه ملی و همکاران عزیزم را برای استخلاص عده زیادی از مردم بیگناه، عملی کنم و آنها را از دست حکومت نظامی که دشمن آزادی است خلاص کنم، خوشوقتم.

حکومت نظامی که برای دو ماه اعلان شده و ممکن بود با زمینه سازی تمدید و همیشه برقرار شود تا آنهایی که میخواهند از بیت‌المال مسلمین سوء استفاده کنند، مخالفین خود را بوسیله حکومت نظامی دستگیر و زندانی نمایند، با توجهات این دولت، از بین رفت. و ابلاغ نظریات اقلیت به آقای نخست‌وزیر که از وزرای سابق در این دولت وارد نشوند، به نتیجه مطلوب رسید. " (۵۲)

"من به این جهت از دولت علاء سپاسگزاری کرده‌ام که هر دولتی غیر از ایشان حاضر نمیشد تصمیم خود را در خصوص حکومت نظامی الغا کند. و در صورت عدم موافقت، مخالفت جبهه ملی سبب میشد که دولت ساقط شود. و در این موقع که هر ساعتی برای مملکت ارزشی فوق‌العاده دارد، بحرانی ایجاد شده و بعد هم دولتی بهتر از ایشان تشکیل نشود.

من ناچارم که این حقایق را از پشت این تریبون به سمع ملت ایران برسانم که محتمل است اگر کابینه علاء ساقط شود، کابینه قوام‌السلطنه یا کسی مثل او زمامدار شود، کاری که ما هیچوقت نمیتوانیم با آن موافقت کنیم. چونکه قوام‌السلطنه و امثال او کسانی هستند که هیچوقت بوئی از آزادی به مشامشان نرسیده است. و قوام‌السلطنه همان کسی است که در انتخابات ایران، منتها درجه تقلب را بکار برد. . . ." (۵۳)

"نظریات جبهه ملی اینست که شرکت نفت از ایران برود تا دست بیگانه در سیاست این مملکت قطع شود و دولتها، صددرصد ملی تشکیل شوند. ولی متأسفانه بعضی‌ها که نمی‌خواهم از آنها اسمی ببرم. طالب این هستند که بعد از این، دولت قوام و یا دولتی مثل او تشکیل شود و از فروش جواز و دادن ترفیعات بدون موقع و استحقاق سوءاستفاده کنند." (۵۴)

"البته مخالفین این دولت ظاهراً نظری غیر از سقوط آن ندارند، ولی باید شما و مردم این مملکت بدانید که نتیجهٔ قهری سقوط این دولت، تشکیل دولت قوام یا دولتی شبیه آن میشود که حضرت آیت‌الله کاشانی را در راه مسافرت و از منطقه‌ای که حکومت نظامی اعلان نشده، توقیف و تبعید کنند.

من از آقایانی که با این دولت مخالفت میکنند، استدعا می‌کنم بفرمایند که بعد از سقوط این دولت چه کسی را میخواهند مصدر کار بکنند؟ (آشتیانی‌زاده - خود حضرت مستطاب عالی را) اگر بگویند چاهی نکنده‌ایم و منار را دزدیده‌ایم، در درایت و عقل آنها تردید می‌کنم.

اینکه بعضی‌ها میگویند اینجانب تشکیل دولت بدهم، آیا دخالت پنجاه ساله شرکت نفت در این مملکت اجازه خواهد داد که من و امثال دولتی تشکیل دهند و موفقیتی در کار پیدا کنند؟

اگر این کارشده‌ای بود، در این چند سال اخیر می‌شد. پس این بیانات فقط برای این است که من و مردم را اغفال کنند. و خوشبختانه ملت ایران و من هیچوقت اغفال نشده‌ایم. و از خداوند متعال مسالت دارم که باز ما را از شر این شیاطین حفظ کند.

نمایندگان: انشاءالله.

اینها بود نظریات جبهه ملی و علت مدارای اقلیت با این دولت و یک بار دیگر در حضور آقایان نمایندگان و رئیس و اعضای محترم دولت، هرگونه دخالت جبهه ملی را در تشکیل این دولت تکذیب می‌کنم.

جبهه ملی دارای این شجاعت هست که اگر قرار بشود در حکومتی شرکت کند، ملت و مردم را از چگونگی امر مطلع و مستحضر کند و نشان داده است که تا امروز هیچوقت گرد سیاست اغفال و فریب نگردیده و چنانکه کسانی برای حمله به ما مأموریت دارند، باید بدانند که ملت ایران به اظهارات آنان ارج و ارزشی نمی‌دهد. " (۵۵)

سپس دکتر مصدق علت مخالفت نمایندگان جبهه ملی با برقراری حکومت نظامی را چنین توضیح داد:

"دلیل اینکه نمایندگان جبهه ملی از دادن رای به لایحه دولت راجع به برقراری حکومت نظامی خودداری کرده‌اند غیر از این نبود که دولت بدون تحقیق و بدون رسیدگی که آیا این اعتصاب بجاست یا بیجاست، آنرا اعلان نمود. " (۵۶)

و در پایان نیز توضیحی دربارهٔ علاء بترتیب زیر داد:

"موضوع دیگری که لازم است عرض کنم اینست که در بعضی جراید مرکزی که با من حسن روابط دارند این سوء تفاهم حاصل شده که گفته‌ام آقای

علاء چون مأمور دولت . . . اند نمی توانستند از امر دولت مخصوصاً " دولت دیکتاتوری امتناع کنند ، در صورتی که نظر من این نبود ، اگر دولت امری برخلاف افکار عمومی و مصالح عمومی بکند ، مأمور دولت یا وزیران را احباً نماید ، من نگفتم اگر دولت یا شاهنشاه به وزیری گفت امتیاز نفت را امضاء کند ، او مجبور است که امر دولت را مجرا نماید . چون که الامتناع بالاختر لاینافی الاختیار " چهلزوم است که شخصی ترسو و علاقمند بکار ، کار حساسی را قبول کند و امری بر خلاف مصالح مملکت بنماید ؟ بلکه گفته ام آقای علاء مأمور بوده که در جامعه ملل از الغاء قرارداد داری دفاع کند ، اگر دفاع ایشان موثر واقع میشد و قرارداد داری از بین رفته بود آیا ایشان غیر از خدمت کار دیگری کرده بودند ، ما هیچوقت موافق این دولت نبوده ایم ، چون که وظیفه اقلیت این است که شأن خود را حفظ کند و از دست ندهد و وضعیت خود را برای خدمات و اصلاح مملکت هیچوقت متزلزل ننماید ، من از این دولت که بواسطهٔ دستور بعضی اشخاص که هر که باشند ، برای انتشار نطق یکی از نمایندگان اقلیت ، گوینده را منتظر خدمت کند و رئیس اداره تبلیغات را وادار به استعفاء نماید ، بسیار گله دارم و من نمیدانم عاقبت این مملکت به کجا خواهد رسید که یک دولتی اگر تابع بعضی اشخاص نشود از بین برود و اگر بشود و با منوبات ملت ایران موافقت نکند ، بواسطهٔ مخالفت افکار عمومی باز سقوط کند و بهیچوجه نتواند به خدمت ادامه دهد و بواسطهٔ بی دوامی کمترین عملی در حفظ وضعیات و حیثیات مملکت ننماید . (۵۷)

روزنامه " طلوع " در سرمقاله ۲۷ فروردین تحت عنوان " آقای علاء استعفا کنید . . . ! " شدیداً به علاء حمله و درخواست کناره گیری از نخست وزیری و امکان ایجاد یک حکومت قوی را می نماید .

این روزها نیز فحاشی به وکلای اقلیت و دکتر مصدق از جانب حزب توده در صدر برنامه تبلیغاتی آن حزب قرار داشت . از جمله روزنامه " مجمر " در سرمقاله چنین نوشت :

" دکتر مصدق وکیل " جبهه ملی " با آنهمه تظاهرات ضد کمپانی ، چشم بر هم نهاد ، و بدون توجه بحقانیت مبارزه برادران و خواهران کارگر ما در جنوب ، بدون توجه بمظالم و تعدیات کمپانی ، نه تنها ، علاء همدست تقی زاده عاقد قرارداد باطل ۱۹۳۳ را ستود ، بلکه حکومت نظامی در خوزستان را هم تائید کرد . "

و همچنین : " اگر دکتر مصدق و اعوان او واقعا " بمظالم کمپانی نفت معترفند باید بیدرنگ دولت علاء را بمناسبت فجایعی که در جنوب مرتکب شد استیضاح کنند .

باید بیدرنگ از دولت بخواهند که حکومت نظامی خوزستان را لغو کند ، کارگران اعتصابی را آزاد نماید ، و مرتکبین فجایع اخیر را محاکمه و مجازات کند .

آنها باید بدانند که ملت ایران هرگونه سازشکاری با دولتهای نظیر دولت علاء و هرگونه بازی دو جانبه را بشدت محکوم میکند و با آن بسختی مبارزه مینماید . . . " (۵۸)

البته پیشوای نهضت ملی ضمن دفاع از حقوق حقه کارگران اعتصابی جنوب و مخالفت با حکومت نظامی ، هشیارتر از آن بود که در دام شرکت نفت جنوب ، دربار ، حزب توده و . . . بیفتد و با استیضاح علاء " وسیله بحکومت رسیدن سیدضیاءالدین عامل انگلیسها و خدمتگزار صهیونیستها گردد .

در همین روز " فدائیان اسلام " اعلامیهای بمضمون زیر صادر کردند . " (۵۹)

هوالعزیز

صفوف برادران فدائیان اسلام و فرزندان غیور اسلام و ایران در ساعت ۳ بعدازظهر روز جمعه ۳۰ فروردین در صحن مسجد شاه حضور یابند . ای مسلمانان غیور ، این اجتماع برای اینست که بغاصبین حکومت

اسلامی ایران بگوئیم که چنانچه دیانت و غیرت مسلمانی و پاکی و حق‌گوئی و دفاع از ناموس اسلام و حقوق مسلمین در کشور اسلامی ایران جرم و گناه است و برادران فدائیان اسلام و پاکترین فرزندان عزیز اسلام را باین جرم بازداشت نموده‌اید، ما همه مسلمان و پاک و با غیرت و حق‌گو و مدافع از ناموس اسلام و حقوق مسلمین و فدائیان اسلام بوده از حقوق مسلمین و ناموس اسلام بیاری خدای توانای جهان تا سرحد خون و جان دفاع میکنیم و در این جرم با برادران فدائیان اسلام شریکیم.

بیاری خدای توانا - فدائیان اسلام

روزنامه‌های نفتی و توده‌ای ۲۹ فروردین نیز از حمله " به دکتر مصدق و جبهه ملی تهی نبود که بعنوان نمونه به مندرجات " طلوع " و " مجمر " اشاره‌ای میکنم :

" رای اعتماد آقای علاء ، اعلامیه جبهه ملی و اعلامیه آقای " دریک " نماینده عالی شرکت نفت مبنی بر اظهار همدردی و تأسّف از تلفات بی‌زمانندگان آنها و اقدامات بسیار جدی دولت برای رفع اعتصاب و رژه نیروی موتوریزه در آبادان ، اینها همه البته تصادف است با صدور بیانیه سفارت کبرای ایران در لندن . . . روزهای آینده و اتفاقات قابل تأمل و تفکری که رخ خواهد داد جواب این سؤال را بملت ایران خواهد داد و ملت ایران خواهد دانست که ملی شدن صنایع نفت یعنی چه و چگونه اجراء خواهد شد ! " (۶۰)

" جنبش قهرمانی کارگران خوزستان که بمبارزه با امپریالیسم را بصورت حاد و فوق‌العاده موثری در آورد محک آزمایش محکمی جهت همه مدعیان مبارزه با کمپانی نفت جنوب ایجاد کرد و قیافه‌ها را بوضع حقیقی خود نشان داد .

از این محک آزمایش‌روزنامه‌های مترقی و جمعیت‌های آزادیخواه منجمله

جمعیت ملی مبارز با کمپانی نفت جنوب پیروز بیرون آمدند این جراید و جمعیتها اهمیت اساسی جنبش اعتصابی طبقه کارگر و درجه فوق العاده تاثیر آن را درک کردند این مبارزه قهرمانی را ستودند و از آن با تمام قوا پشتیبانی نمودند.

ولی برعکس جناحهای حاکمه که ادعای مبارزه با کمپانی نفت میکردند منجمله " جبهه ملی " و لیدر آن دکتر مصدق در این آزمایش تازه مبارزه بطور جدی شکست خوردند و با اتخاذ روش خصمانه نسبت به جنبش کارگران خوزستان با شرکت نفت جنوب، حکومت خونخوار نظامی و دولت خائن علاء در یک صف قرار گرفتند.

اینک روزنامهها و افراد وابسته به " جبهه ملی " و دولت علاء که رسوائی خود را در دفاع از منافع شرکت نفت و دشمنی با خواستهای حقه کارگران مشاهده نموده با توسل به تبلیغات مختلف، اعلامیهها و مصاحبههای مطبوعاتی میخواهند حقایق اوضاع خوزستان را دگرگون جلوه دهند.
اعلامیه جبهه ملی از کارگران میخواهد که " با کمال آرامش و خونسردی مراقب باشند " و " منانت خود را از دست ندهند " و ادعا دارد که فقط بدین ترتیب میتوان " در اوضاع دنیا که برای تحقق آمال و خواستهای او فوق العاده مناسب و مساعد است استفاده کامل کرد . "

معنی نصایح بالا کاملاً معلوم است جبهه ملی از کارگران میخواهد که وارد صحنه مبارزه نشوند مبادا امپریالیستهای آمریکائی از ورود توده واقعی ایران به صحنه مبارزه میرسند و در برابر حریف انگلیسی عقب نشینی کنند و آنوقت " این اوضاع فوق العاده مناسب و مساعد " یعنی رقابت در سیاست امپریالیستی آمریکا و انگلیس از میان برود .

ولی ملت ایران این نصایح کوتاه نظرانه را نمی پذیرد زیرا میدانند که بدون شرکت توده های مردم و در درجه اول طبقه کارگر، اصولاً " مبارزه ضد

امپریالیستی ، وجود نخواهد داشت .

قبول نصایح جبهه ملی ، مبارزات ملت ایران را در کادر تضادهای خصوصی امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی محدود خواهد ساخت و تا ابد ملت ما را در اسارت امپریالیستها نگاه خواهد داشت .

"جبهه ملی" به کارگران توصیه میکند که در موقعیت فعلی هرگونه کسر حقوق را از طرف شرکت نفت قبول کنند و اصلاً "دم برنیاورند" (یعنی اعتصاب فعلی را هم بدون نتیجه مثبت بشکنند) تا بعد از اجرای " ملی کردن نفت " (طبق روشی که آقای مکگی پیشنهاد کرده است) تمام حقوق و مزایائی را که شرکت نفت کسر نموده است بدانها بپردازد ! " (۶۱)

آری ! برای گروهی لازم بود طی ۲۸ ماه حکومت دکتر مصدق توطئه‌های آمریکا یکی پس از دیگری پیاده شود و بالاخره با کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد دولت ملی و قانونی برکنار و شاه فراری مجدداً " بتخت سلطنت نشانده شود ، تا دریابند که پیشوای نهضت ملی خواهان اجرای " ملی کردن نفت (طبق روش آقای مکگی) " نبوده است . ولی دیگر بسیار دیر شده بود !

روزنامه " مجمر " در ۳۰ فروردین ۱۳۳۰ نوشت :

" دست " جبهه ملی " به خون کارگران شهید خوزستان و اصفهان آغشته است . " (۶۲)

قبلاً " دربارهٔ اعتصاب کارگران نفت جنوب و عوامل موجهه و اهداف آنان از این مسئله سخن گفته‌ایم ، در اینجا توضیحات بیشتری برای روشن شدن مسئله میدهیم .

هیئت اعزامی دولت علاء به جنوب که با کوشش نمایندگان اقلیت جهت مطالعه و بررسی بآن سامان رفته بودند بتهران بازگشته و گزارشی را تقدیم داشتند که قسمتی از آن را نقل میکنیم :

" . . . از روز بیست و پنجم اسفندماه که موقع پرداخت حقوق بود در

مناطق کارگری جنب وجوش و نگرانی بوجود آمد. زیرا بکارگران اطلاع رسیده بود که کار فرمای آنها یعنی شرکت نفت از پرداخت سی درصد فوق - العاده آنها جلوگیری خواهد کرد. تصادفاً "هماهنگ ملی شدن نفت و تصویب پیشنهاد مربوط به آن این تصمیم شرکت نفت بموقع اجرا گذاشته شد. بطوریکه بکارگری که در بندر معشور ۴۰ ریال داده میشد ناگهان ۲۸ ریال پرداخت گردید و دیگری که در آن هوای سوزان و شرایط دشوار بیست ریال میگرفت ۱۴ ریال دریافت کرد. این بود علت رنجش بزرگ و قانونی کارگران . . ." (۶۳)

در این قسمت از گزارش رئیس هیئت اعزامی به جنوب، جمله "تصادفاً" هماهنگ ملی شدن نفت و تصویب پیشنهاد مربوط بآن، این تصمیم شرکت نفت بموقع اجرا گذاشته شد" کلید فهم توطئه امپریالیسم کهنه کارانگلستان در مورد کسر سی درصد فوق العاده کارگران نفت جنوب میباشد.

نویسنده کتاب "کارنامه مصدق و حزب توده" در بررسی مسئله اعتصاب کارگران نفت جنوب و موضع حزب توده و . . . توضیحات ارزشمندی دارند که در ذیل قسمتی از آن نقل میشود:

" . . . کاهش ناگهانی ۳۰٪ دستمزد چندین هزار کارگر کاری شگفت بود و باید پذیرفت که انجام آن هرگز به شوند ندانم کاری و یا گردش عادی کارهای شرکت نبوده است . . . سیاست انگلیس در این دوره روش پیچیده‌ای پیش گرفته بود از یکسو با دستبرد به دستمزدها کارگران را وادار به اعتصاب کرده بود. از سوی دیگر بدست علاء و تقی زاده و دستگاه دولتی - نفتی ایران اعتصاب را سرکوب میکرد و . . . برتر از همه انگلیسی‌ها میخواستند در سیاست جهانی و کشوری خود چنان وانمود کنند که ایرانیان توانائی گرداندن نفت جنوب را ندارند و نخستین طلبیه ملی شدن نفت همین آشوب خوزستان است و آشوب نامی بود که آنها به اعتصاب کارگران گذاشته بودند. " (۶۴)

" گفتیم دستهای شرکت نفت در تهران چنان می پراکندند که گویا حکومت نظامی با روادید مصدق برپا شده و مصدق خواهان سختگیری به کارگران اعتصابی است انگلیسها میخواستند با این دروغ پراکنی طبقه کارگر ایران را از ملی کردن نفت جدا کنند تا کارگران خواستهای صنفی خود (افزایش دستمزدها) جبهه ملی را دشمن پندارند " (۶۵)

نویسنده سپس به توضیح انحراف حزب توده پرداخته و چنین می نویسد:
 " دفاع حزب توده از اعتصاب نفت کاری ستوده بود می بایست دستگاه رهبری حزب توده این نیرو را با پیکار عمومی ملت ایران در راه ملی شدن نفت هم آزاد میکرد . لیک دستگاه رهبری حزب توده میکوشید تا نیروی اعتصاب را از جنبش ملی کردن نفت جدا کند و در برابر آن جای دهد . " (۶۶)
 " حزبهای سیاسی می بایست گذشته از پشتیبانی از اعتصاب به کارگران نشان میدادند که اعتصاب باید در چهارچوب جنبش ملی کردن نفت پیش رود . در هنگامیکه انگلیسها خود اعتصاب را دامن میزنند و میخواهند با آشوبهای ساختگی ملی شدن نفت را با بسته شدن چاهها یکی سازند ، حزبهای سیاسی باید به کارگران هشدار میدادند که درباره حیل‌های دشمن هشیار باشند از خرابکاریها جلوگیری و بدانند که چاره اصلی ، ملی شدن نفت است که با ملی شدن نفت سختی‌های دستمزد نیز درست شدنی است . دستگاه رهبری حزب توده این آگاهی را به کارگران نمیداد و در میان در خواستهای اعتصاب کنندگان شعار ملی کردن نفت را پیش نمیآورد . بلکه از سوی دیگر می کوشید تا جنبش صنفی کارگران را برای دستمزد و تنها برای دستمزد در سراسر کشور گسترش دهد و سپس این نیرو را به ضد جبهه یعنی به ضد ملی کردن بکار ببرد . ولی در این زمان حزب توده همانند برخی دسته‌های دیگر چنین وانمود میکرد که دشمن اصلی کارگران نفت و ملت ، مصدق است و جبهه ملی ، حکومت نظامی با روادید اینان برپا شده و کارگران برای حق خویش باید با جبهه ملی بجنگند . " (۶۷)

و با آوردن قسمتی از سرمقالهٔ روزنامهٔ "هدایت" به جای "بسوی آینده" مورخه چهارم اردیبهشت ۱۳۳۰ تحت عنوان "جبهه ملی به درجه پست‌ترین دشمنان ملت تنزل کرده است" می‌نویسد: "... اینجاست که روشهای چپ و راست دشمنان ملت ایران و یگانگی سیاست توده‌ای و نفتی در کردار روشن میشود." (۶۸)

بدنبال ناآرامی تهران، آبادان و اصفهان آیت‌الله کاشانی پیامی به دانشجویان و دانش‌آموزان ایران و نیز پیامی به کارگران اصفهان بقراردیل صادر فرمودند. " (۶۹) :

پیام آیت‌الله کاشانی به دانشجویان و دانش‌آموزان ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

فرزندان عزیز و ارجمندم ، اکنون که کشور ما در آستانه یک تحول عظیم بنفع طبقات زحمتکش و محروم میباشد و تمام طبقات کشور ما تصمیم خلل ناپذیری برای رهایی وطن خود از جنگالهای بیرحم سیاست استعماری شرکت نفت گرفته‌اند شما دانش‌آموزان گرامی و دانشجویان ارجمند وظیفه بزرگ و سنگینی در مقابل تاریخ و ملت خود بر عهده دارید .

تاریخ کشور ما مبارزات دامنهدار و افتخارآمیز شما را برای ملی کردن صنعت نفت هراسر کشور هرگز از یاد نخواهد برد و چشم امید تمام طبقات زحمتکش و محروم این کشور که برای رهایی قطعی از بندها و زنجیرهای استعماری و عمال و استعمار مردانه بپاخاسته‌اند بسوی شما دوخته شده‌است . فرزندان محبوب من ، شما وارث فرهنگ و تمدن کشور باستانی و پر-افتخاری میباشید که سالها دشعلدار دانش و تمدن جهان بوده است . شما که مردانه در راه ملی کردن نفت وطن خود توفیق حاصل کرده‌اید کاملاً لیاقت دارید که بدنیا نشان بدهید که وظائف ملی خود را میتوانید با کمال شرافت و شجاعت بانجام برسانید .

بیمورد میدانم که یادآوری کنم اکنون هم آهنگی بزرگی در میان طبقات مختلف مردم وطن ما برای مبارزه با فساد طبقات حاکمه و عمال سیاستهای خطرناک و محیل بیگانه ایجاد شده است سیاستهای بیگانه سعی خواهند کرد که با ایجاد نفاق بوسیله تنی چند از عناصر پلید و مزدور بیگانه در میان صفوف ملت ایران رخنه نمایند .

من در نهایت امیدواری از شما فرزندان ارجمند میخوامم و انتظار دارم که با کمال هوشیاری و جوانمردی و اتحاد و اتفاق مراقبت کنید که دستهای عمال بیگانه از دامن وطن ما بکلی کوتاه گردد تا که انشاءالله توفیق خداوندی شامل گردیده وظائف دینی و ملی خود را شرافتمندانه بپایان برسانیم .

سید ابوالقاسم کاشانی

پیام آیت الله کاشانی بکارگران اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران عزیزم کارگران اصفهانی را بعد از سلام لزوما زحمت میدهد : واضح است سختی امور زندگانی آن برادران را وادار باعتصاب نموده ولی با یک توجه کوچک بر همه هویداست که سبب این سختی ها و بدبختی ها همانا اجنبی و اجنبی پرستان بوده که بخواست خداوندی با همت و مجاهدت ملت نزدیک است از بیخ و بن کنده ملت و مملکت قرین ترقی و آسایش و مسرت گردند و وصول باین نتیجه موقوف ببردباری و خودداری از موجبات اغتشاش و اعتصاب و تشویشات است که بانگشت اجنبی ایجاد و در این موقع حساس بنفع اجنبی تمام خواهد شد .

برادرانم مقتضی است هر سختی و بیچارگی را تحمل و وسیله و راه پیشرفت مقاصد شوم اجنبی را مسدود نمائید دولت هم جدا " در مقام آسایش و انجام مرام برادرانم میباشد منتظر نتیجه همت مردانه و وطنخواهانه

برادرانم هست .

احقر سید ابوالقاسم کاشانی

ضمناً " در روز جمعه ۳۰ فروردین میتینگ " فدائیان اسلام " که قبلاً " اطلاعیه آن آورده شد منعقد میگردد . خبر مربوط بن اجتماع را بنقل از روزنامه اطلاعات در ذیل میآوریم :

" دیروز سه ساعت بعد از ظهر میتینگی در مسجد سلطانی از طرف فدائیان اسلام ترتیب داده شده بود و چون از طرف مأمورین انتظامی اجازه میتینگ در داخله مسجد داده نشد میتنگ دهندگان در جلو خان مسجد اجتماع نموده و چند نفر پشت میکروفون سخنرانی پرداختند . ناطقین تذکر دادند که باید با اتهامات چند نفری که باستناد ماده ۵ قانون حکومت نظامی زندانی گردیده و مرخص نشده اند رسیدگی نموده و هرچه زودتر آزاد گردند . پس از اتمام سخنرانی تظاهر کنندگان بالاتفاق بمنزل آقای آیت الله کاشانی رفته و در آنجا نیز چند نفری سخنرانی پرداخته و بیانات جامعی درباره رعایت و اجرای دستورات مذهبی و پیروی از تعالیم و راهنمائیهای حضرت علی علیه السلام ایراد نموده اند . " (۷۰)

در روز اول اردیبهشت ۱۳۳۰ تظاهراتی از جانب دانشجویان و دانش آموزان تهران هوادار حزب توده بواسطه مقتول شدن چهار کارآموز آموزشگاه فنی آبادان با شعار " ملی شدن نفت جنوب " (۷۱) انجام میگیرد و همچنین فردای آن تظاهرات دیگری از سوی هواداران حزب توده در خیابانهای تهران صورت میگیرد که منجر به زد و خوردهایی در چند منطقه شهر میگردد . روزنامه اطلاعات ضمن توضیح اخبار این تظاهرات از جمله مینویسد : " سه نفر معمم با عدهای در حالیکه عمامه های خود را باز کرده و بدور گردن انداخته و بسر و سینه می کوفتند بوسط خیابان آمده و فریاد می زدند : " نفت باید در تمام مملکت ملی شود . " (۷۲)

در روز سوم اردیبهشت روزنامه "داد" به نقل از روزنامه "کسری" تحت عنوان "بروزز اختلاف بین جبهه ملی و جمعیت فدائیان اسلام" نوشت: "بین جمعیت فدائیان اسلام و جبهه ملی شکرآبی حاصل شده است. علت اصلی دلتنگی فدائیان اسلام از جبهه ملی اینست که اولاً" در قضیه تعقیب و دستگیری رهبران جمعیت مزبور از طرف نمایندگان جبهه ملی در مجلس هیچگونه اظهار و اقدامی نشده است. ثانیاً" قرار بود مفاد کتاب فدائیان اسلام در برنامه کار جبهه ملی گنجانیده شود که این عمل هم صورت نگرفته است اکنون جمعیت فدائیان اسلام به آیت الله بهبانی متماثل شده اند." (۷۳)

و نشریه وابسته به حزب توده "هدایت" بجای "بسوی آینده" در ۴ اردیبهشت ۱۳۳۵ در نشر مقاله خود زیر عنوان: "جبهه ملی به درجه پست‌ترین دشمنان ملت تنزل کرده است" چنین نوشت:

"دار و دسته" "جبهه ملی" با وجود اینهمه افتضاحات باز شرم نمیکند و نام ملت را به میان می‌آورد. خیر آقایان! ملت نه تنها با شما نیست بلکه از صمیم قلب از شما و دارودسته، شما و اقدامات ننگین و ضدملی شما متنفر است. ملت همه بدبختی‌های خود را معلول اعمال تبهکارانه شما میدانند، ملت میدانند که امپریالیسم بوسیله ایادی خود یعنی شما و اقران شما مقاصد خود را اجرا میکند. اختناق ملت بدستور امپریالیسم بوسیله شما انجام میشود. مگر همین تقی‌زاده و علاء همکاران امروز شما نبودند که نفت ما را به امپریالیستهای انگلیسی بخشیدند؟ مگر همین شما نیستید که امروز از این دو فرد معلوم الحال حمایت میکنید. یکی را بر کرسی ریاست سنا نشانده‌اید و دیگری را بعنوان نخست‌وزیر بر مردم تحمیل نموده‌اید. باین وجوه و به هزاران دلیل دیگر آیا باز انتظار دارید که ملت از شما پشتیبانی کند؟ خیر آقایان ملت با شما نیست و از شما متنفر است. . . شما در این کشور پهناور تنها هستید ملت علیه شماست. . . ما از ملتیم و تا وقتیکه چون

آنته قهرمان اساطیر یونان از ملتیم ، شکست‌ناپذیر خواهیم بود . " نویسندهٔ کتاب " کارنامه مصدق و حزب توده " پس از نقل مطلب فوق مینویسد :

" همه از پیکاریکه در سالیان دراز میان مصدق و تقی‌زاده رفته است آگاهند . مجلس سنا هنگامی به پیدائی آمد که مصدق دراحمدآباد تبعید بود . اینک حزب توده مدعی شده بود که گویا مصدق تقی‌زاده را به رئیس مجلس سنا نشانده است .

در آن زمان روشهای سیاسی شرکت نفت و حزب توده هم چون دوروی چیزی یگانه شده بودند . شرکت نفت به کارگران حمله میکرد حزب توده از کارگران دفاع میکرد و در گردش این دفاع به کوبیدن جبهه ملی می‌پرداخت . اگر حزب توده در به دست آوردن پشتیبانی مردم ایران بر جبهه ملی پیروز میشد آنگاه مجلس که زیرتأثیر جبهه ملی قانون ملی کردن نفت را گذرانیده بود میتواند دم آسوده‌ای برآورد و نفت را نادیده گیرد آنگاه انگلیسیان بر جای خود می‌ماندند و حزب توده در پیکار خود برای سی درصد افزایش دستمزد کارگران " پیروز " میشد . کارگران دستمزد پیشین را میگرفتند و حزب توده خود را پرچمدار حق کارگران می‌نمائیید . اینجاست که روشهای چپ و راست دشمنان ملت ایران و یگانگی سیاست توده‌ای و نفتی در کردار روشن میشود . نیک این حيله‌گیریها به شوند هوشیاری ملت ایران و درستی سیاست راستگویانه مصدق در این پله از پیکار درهم شکسته شد . " (۷۴)

سرانجام در تاریخ ۵ اردیبهشت ۳۰ ، اعتصاب نفتگران جنوب که به یمن هشیاری و رهبری خردمندان نهضت برخلاف پیش‌بینی‌های گردانندگان انگلیسی " شرکت نفت جنوب " در جهت اهداف آنان سیر نکرده بود ، پیروزمندان خاتمه یافت و شرکت ناگزیر به پس‌گرفتن دستور قبلی خود مبنی بر کاهش ۳۰٪ دستمزد کارگران گردید .

بدینسان رهبری نهضت با ارزیابی صحیحی از اوضاع و شرایط و

توطئه‌های دشمنان بدون غلطیدن در دام شعارهای مقطعی، انحرافی، صنفی، و . . . که خواست دشمن بود و رها ساختن شعار "استراتژیکی" نهضت یعنی "ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور" موفق شد در چهارچوب این شعار، حکومت نظامی را در تهران و حومه لغو و حقوق حقهٔ کارگران را نیز بآنان مسترد دارد.

● بخش دوم

● چگونگی استعفاء حسین علاء

و

نخست وزیر شدن مصدق

چگونگی اسعای حسین علاء

و

نخست وزیر شدن دکتر مصدق

روز پنجشنبه ، پنجم اردیبهشت ۱۳۳۰ دکتر مصدق در نطق قبل از دستور مجلس شورای ملی درباره ضرورت تهیه طرح کمیسیون نفت درباره اجرای قانون ملی کردن صنعت نفت چنین گفت :

" روز نهم آبان را به خاطر دارم که روز شنبه بود ، مرخوم مستوفی - الممالک به من تلفن فرمودند که شما امروز به مجلس میروید یا نه؟ به ایشان عرض کردم که خیر امروز روز مجلس نیست ، روز شنبه است فرمودند پس شما اطلاع ندارید امروز یک ماده واحده ای به مجلس می برند و باید که در این باب با هم مشورت بکنیم و تکلیف خودمان را معین بکنیم . بنده رفتم منزل ایشان ، فرمودند که آیا صلاح هست که به مجلس برویم یا نه؟ به ایشان عرض کردم که تویچی ده سال مواجب می گیرد که یک روز شلیک بکند و اگر آن روز شلیک نکرد ، انجام وظیفه نکرده (صحیح است) به وکیل مجلس دو سال حقوق میدهند و از این امتیازات نمایندگی استفاده میکند ، برای اینست که یک روز درباره مملکت قدم بردارد و یک روز حرف حق بزند ، یک روز کار صحیح بکند ، و اگر نکرد ، تمام این دو سال ، رفت و آمدش در مجلس بی مورد است . مقصود از این عرایض این بود که من به اتفاق آرای اعضای کمیسیون نفت به ریاست کمیسیون انتخاب شدم (صحیح است) البته آقایان

این طور انتظار دارند ؟ اگر من چیزی به نظرم برسد و آقایان نشنیده باشند، یا اطلاع نداشته باشند، عرض بکنم، تا آنچه را صلاح مملکت میدانند خودداری نکنند. مطابق اطلاعاتی که به من رسیده که باید عرض بکنم، ممکن است در آتیهِ خیلی نزدیکی حوادثی روی بدهد که این کاریکه شما کرده‌اید بکلی عقیم بماند. حالا این اطلاعات من است، حال اگر این اطلاعات صحیح باشد، شما اگر زودتر کار خودتان را تمام بکنید، به مقصود نمی‌رسند، و اگر صحیح نباشد، باز انجام وظیفه کرده‌اید. . . . بنده عرض میکنم که کمیسیون نفت با این رویه‌ای که دارد موفق نخواهد شد که این کار را قبل از حوادثی، اگر روی بدهد، این کار را تمام بکند. استدعای من اینست که امروز " ۴ بعدازظهر آقایان اعضاء کمیسیون محترم نفت تشریف بیاورند کمیسیون را تشکیل بدهند (صحیح است) اگر امروز این کار تمام نشد، فردای جمعه را هم به هیچ‌وجه تعطیل نکنند و تشریف بیاورند در مجلس و اینکار را تمام کنند (صحیح است) و جناب آقای رئیس هم روز شنبه یا صبح یا عصر مجلس را تشکیل بدهند و این طرحی را که کمیسیون باید پیشنهاد کند به عنوان یک طرح به قید سه فوریت بیاورند در این مجلس تصویب بشود (صحیح است) آقایان شما یک رای دادید، یک خدمتی کردید، یک نامی در کردید، یک مردمی هم برای این کاری که کردید نهایت فداکاری را کردند، بیائید نگذارید فداکاری مردم و خدمتی که شما کردید به هدر برود. من آنچه که اطلاع دارم و بی‌مأخذ نیست، ممکن است برای از بین بردن کار شما، برای از بین بردن این فداکاری که مردم این مملکت کرده‌اند، حوادثی روی بدهد که تمام این مسائل عقیم بماند شما اگر این قدم را برداشته‌اید میتوانید به یک عایداتی که متجاوز از عایدات تمام مملکت است نائل شوید. " (۷۵)

به پیشنهاد دکتر مصدق جلسه کمیسیون نفت در ساعت ۴ بعدازظهر پنجشنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۳۰ تشکیل و طرح ۹ ماده‌ای مربوط به اجرای

قانون ملی کردن صنعت نفت مبنی بر خلع ید شرکت نفت جنوب بقراردیل تهیه میگردد:

طرح ۹ ماده‌ای

ماده (۱) - بمنظور ترتیب اجرای قانون مورخ ۲۴ و ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ راجع بملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور هیئت مختلطی مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی بانتخاب هریک از مجلسین و وزیر دارائی وقت یا قائم مقام او تشکیل میشود.

ماده (۲) - دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید کند چنانچه شرکت برای تحویل فوری و بعدر وجود ادعائی بدولت متعذر شود دولت میتواند تا میزان ۲۵ درصد از عایدات جاری نفت را پس از وضع مخارج بهره‌برداری برای تامین مدعا به احتمالی شرکت در بانک ملی ایران یا بانک مرضی الطرفین دیگر ودیعه گذارد.

ماده (۳) - دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط به مطالبات و دعاوی حقه دولت همچنین بدعاوی حقه شرکت رسیدگی نموده نظریات خود را بمجلسین گزارش بدهند که پس از تصویب مجلسین بموقع اجرا گذاشته شود.

مادام (۴) - چون از تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ که ملی شدن صنعت نفت بتصویب مجلس سنا نیز رسیده است کلیه درآمد نفت و محصولات نفتی حق مسلم ملت ایران است دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط بحساب شرکت رسیدگی کند و نیز هیئت مختلط باید از تاریخ اجرای این قانون تا تعیین هیئت عامله در امور بهره‌برداری دقیقاً " نظارت نماید .

ماده (۵) - هیئت مختلط باید هر چه زودتر اساسنامه شرکت ملی نفت را که در آن هیئت عامله و هیئت نظارتی از متخصصین پیش‌بینی شده باشد تهیه و برای تصویب بمجلس پیشنهاد کند .

ماده (۶) - برای تبدیل تدریجی متخصصین خارجی بمتخصصین ایرانی هیئت مختلط مکلف است آئین نامه فرستادن عدهای محصل بطریق مسابقه در هر سال برای فرا گرفتن رشته‌های مختلف معلومات و تجربیات مربوطه بصنایع نفت بکشورهای خارج را تدوین و پس از تصویب هیئت وزیران بوسیله وزارت فرهنگ بموقع اجرا گذارد.

مخارج تحصیل این محصلین از عواید نفت پرداخته خواهد شد.

ماده (۷) - کلیه خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال مسیحی ۱۹۴۸ تا تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ (۲۰ مارس ۱۹۵۱) از آن شرکت سالیانه خریداری کرده‌اند میتوانند از این ببعده بنرخ عادلانه بین‌المللی همان مقدار سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن عقادیر در صورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهند داشت.

ماده (۸) - کلیه پیشنهادات هیئت مختلط که برای تصویب مجلس شورای ملی تهیه و تقدیم مجلس خواهد شد. بکمیسیون مخصوص نفت ارجاع میگردد.

ماده (۹) - هیئت مختلط باید در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون بکار خود خاتمه دهد و گزارش عملیات خود را طبق ماده ۸ بمجلس تقدیم کند و در صورتیکه احتیاج بتمدید مدت باشد با ذکر دلائل موجه در خواست تمدید نماید تا زمانیکه تمدید مدت بهرجهتی از جهات از تصویب مجلسین گذشته است هیئت مختلط میتواند بکار ادامه دهد. (۷۶)

دکتر مصدق پی آمدهائی را که بدنبال تهیه طرح ۹ ماده‌ای اجرای منی شدن صنعت نفت در کمیسیون مربوطه بوقوع پیوست، در نظقیهای مورخ سه‌شنبه ۱۷ اردیبهشت و یکشنبه ۲۲ اردیبهشت ۳۰، در مجلس شورای ملی برای نمایندگان و ملت ایران توضیح داد که قسمت‌هایی از آن را در ذیل نقل میکنیم:

" همان روزی که گزارش در کمیسیون به تصویب رسید شب آقای علاء نخست وزیر منزل من آمدند و درباب کار نفت صحبت کردند من به ایشان عرض کردم که گزارش کمیسیون راجع به اجرای ملی شدن صنعت نفت امروز در کمیسیون گذشت و ما هیچ کاری غیر از این که گزارش اجرا بشود نمیتوانیم بکنیم ایشان یک نسخه از آن گزارش را از من گرفتند برای اینکه مطالعه کنند و به هیچ وجه قصد استعفا نداشتند بلکه با بنده در باب رفتار آتیه خودشان مشورت کردند و بعد که رفتند آن نقشه چون می بایست اجرا بشود آقای علاء استعفا داد. البته بعد از استعفا قرار بود که یک دولت دیگری تشکیل بشود که وضعیات را بکلی فلج کند و کار کمیسیون به هیچ وجه عملی نشود. " (۷۷)

و در جایی دیگر گفت:

" . . . روز پنجشنبه کمیسیون نفت رای به هفت ماده قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت (دکتر کاسمی - ۹ ماده) بله ببخشید ۹ ماده بنده هیچ حالی که به سوابق مراجعه کنم نداشتم . این کار سبب شد که من باز بیش از پیش به خوابی که دیده بودم معتقد شوم ساعت ۸ بعد از ظهر همان روز که در مجلس بودم جناب آقای علاء وزیر دربار شاهنشاهی از من وقت ملاقات خواست من ساعت ۹ در منزل برای پذیرائی ایشان حاضر شدم ، مذاکره درباره نفت بعمل آمد . جواب من این بود که کمیسیون رای خود را داده ، ماده تنظیم شده است که باید گزارش آن به مجلس داده شود جناب ایشان یک نسخه از آن مواد که کمیسیون تصویب کرده بود گرفتند که آنها را مطالعه کنند . آقای علاء به هیچ وجه در خیال استعفا نبودند (صحیح است) و با من مذاکره میکرد که خدا کند من که زمامدارم روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) حادثه ای در تهران رخ ندهد . ولی روز جمعه خبری در تهران منتشر شد که دولت ایشان استعفا نموده است . " (۷۸)

نویسنده " گذشته ، چراغ راه آینده است " پیرامون استعفای حسین

علاء مینویسد:

" عصر همانروز (پنجشنبه ۵ اردیبهشت) شپرد سفیر کبیر انگلیس بملاقات علاء شتافت و علاء نیز دست بدامان دکتر مصدق شد. لکن دکتر مصدق در تصمیم کمیسیون نفت پافشاری نمود و حاضر بعدول از آن نشد. علاء جریان را باطلاع شاه رسانید و این ملاقاتها طی بیست و چهار ساعت بعد از تصمیم کمیسیون ادامه داشت. و چون نتیجهای حاصل نگردید دولت علاء در اثر فشار سیاسی انگلستان روز ۳۰/۲/۶ مستعفی گردید. شاه اصرار داشت که علاء از استعفا منصرف شود (بنا باظهارات صریح سردار فاخر حکمت رئیس مجلس و جمال امامی نماینده مجلس اطلاعات شماره ۷۵۰۴ مورخه ۳۰/۲/۷). اما علاء بیهانه اینکه کمیسیون نفت بدون مشورت با دولت تصمیم بخلع ید گرفته است و در حقیقت بعلت شکست در انجام خدمت به ولینعمت خود در واگذاری مجدد منابع نفتی کشور به انگلستان استعفای خود را پس نگرخت. " (۷۹)

و در همین زمینه روزنامه " طلوع " نیز در سرمقاله خود نوشت:

" علت حقیقی استعفای آقای علاء را میتوان مشکل " نفت " دانست و گرچه در اعلامیهئی که نشر دادهاند تصریحی در این باب نشده است و لکن میشود استنباط کرد چون ابتکار ملی شدن نفت کلیة بدست کمیسیون مخصوص نفت بود و دولت یا قوه مجریه مملکتی تکلیف قانونی نداشت و از طریق دیپلماسی بدولت فشار آورده میشد یا بعبارت دیگر یادداشت و تذکاریه از طرف سفیر انگلیس تقدیم میگردد و نمیتوانست غیر از آنچه که در جواب یادداشت سابق داده شده بود، جوابی داده شود، بنابراین کناره گرفت. . . " (۸۰)

در همین باره روزنامه باختر امروز مینویسد:

" . . . فردای شبی که در مجلس طرح ۹ مادهای مربوط بخلع ید باصرار دکتر مصدق از کمیسیون نفت گذشت، از آن جهت که حکومت علاء با تصویب

آن موافق نبودمستعفی شد. . . . " (۸۱)

و نویسنده "تحلیلی از مبارزات ملت ایران به رهبری دکتر مصدق" مینویسد:

"در اردیبهشت ماه ۱۳۳۵ قانون اجرای ملی شدن نفت در ۹ ماده به تصویب مجلس رسید. در این هنگام آقای حسین علاء نخست وزیر که عضو فراماسونری بود چون خود را قادر به مقابله با ملت ایران و مبارزه با انگلیس نمی دید از مقام خود استعفا داد. . . . " (۸۲)

و در "مصدق و نهضت ملی ایران" میخوانیم:

"... ۶ اردیبهشت ... علاء استعفا کرد و میدان را برای کسانی که می بایست جهت حرکت ملی را منحرف سازند خالی ساخت. " (۸۳)

بدنبال استعفاي حسین علاء قرار بر این بود که سید ضیاءالدین - طباطبائی عامل کودتای حوت ۱۲۹۹ و مهره کهنه کار انگلیس از جانب شاه به نخست وزیر منصوب و به مبارزه با نهضت ملی و جلوگیری از اجرای طرح ۹ ماده ای مبنی بر خلع ید شرکت نفت جنوب، بپردازد.

دکتر مصدق در این باره در نطق خود در مجلس میگوید:

"استعفاي ایشان - علاء - سبب شد که من یقین کنم اگر قبل از تشکیل دولت گزارش کمیسیون از مجلس نگذرد دیگر هیچوقت این گزارش از تصویب مجلس نخواهد گذشت، روز شنبه - ۷ اردیبهشت - چون به من گفتند که مجلس سنا تشکیل نمیشود تقاضا کردم که مجلس شورای ملی جلسه علنی خود را صبح همان روز تشکیل دهد و در جلسه مزبور گزارش کمیسیون به تصویب برسد. اینکار شد و گزارش کمیسیون بتصویب رسید. روز یکشنبه (*) ... من به مجلس آمدم از دو نفر از نمایندگان محترم شنیدم که آن شخص معهود در دربار منتظر رای تمایل است. . . " (۸۴)

درباره "شخص معهود" که مصدق بآن اشاره نمود روزنامه "طلوع"

(*) : روز شنبه ۷ اردیبهشت صحیح است.

زیر عنوان " مذاکرات با آقای سیدضیاءالدین طباطبائی " مینویسد :

" بقرار مسموع پس از شرفیابی آقای سردار فاخر رئیس مجلس شورای ملی که بلافاصله بعد از استعفای آقای علاء احضار شده بود ، صحبت از شخصیت‌های سیاسی برای زمامداری شده و بطوریکه شنیدیم از آقای احمد قوام و آقای سیدضیاءالدین طباطبائی و زمامداری یکی از آنها صحبت شده است

بقراریکه شنیدیم دیروز صبح - یکشنبه ۷ اردیبهشت - آقای سیدضیاءالدین طباطبائی شرفیاب شدند . پریشب و دیروز صبح همه جا صحبت از زمامداری آقای طباطبائی بود و در محافل پارلمانی نیز گفتگو بود . . . " (۸۵)

شهید دکتر سیدحسین فاطمی نیز در خاطراتش که پس از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد و در دوران اختفاء برشته تحریر در آورده است در این باره مینویسد :

" مطلعین در آن روز شنبه هفتم اردیبهشت ۱۳۳۵ میدانستند که از صبح اول وقت آقای سیدضیاءالدین بدربار رفته بود که پس از استعفای علاء ، تمایل مجلس را بنام او بگیرند و فرمان نخست‌وزیریش صادر شود . وقتی که " سردار فاخر " خبر تمایل مجلس را بنام " مصدق " برده بود هنوز " سیدضیاءالدین " از دربار خارج نشده بود . . . " (۸۶)

چگونگی خنثی شدن دسیسهٔ نخست‌وزیری سیدضیاءالدین طباطبائی

دربارهٔ رویدادهای شنبه ۷ اردیبهشت در روزنامه " آتش " چنین میخوانیم :

" پیش از ظهر دیروز قرار بود جلسه فوق‌العاده مجلس شورای ملی تشکیل گردد و تصمیم قطعی دربارهٔ پیشنهاد کمیسیون نفت مجلس اتخاذ گردد لکن استعفای ناگهانی دولت علاء باعث برهم زدن این نقشه شد و بجای جلسه فوق‌العاده جلسه خصوصی مجلس تشکیل شد .

رئیس مجلس متذکر شد که از طرف اعلیحضرت همایونی احضار شده

است تا نظرمجلس را نسبت بزمامدار آئنده به عرض شاه برساند و آقای دکتر مصدق هم درباره استعفای دولت گفتند: ""

جمال امامی گفت خود آقای دکتر مصدق بیایند و زمامداری را قبول کنند و بالاخره باین پیشنهاد رای گرفته شد و در نتیجه از ۹۰ نفر عده حاضر ۷۹ رای به آقای دکتر مصدق یک رای بنام قوام السلطنه یک رای بنام سیدضیاءالدین و یک رای بنام عبدالقدیر آزاد بود. " (۸۷)

و در "تاریخ مبارزات ضدامپالیستی مردم ایران برهبری دکتر مصدق" نویسنده در این باره مینویسد:

" ساعت ۹ صبح روز شنبه ۱۳۳۰/۲/۷ نخست جلسه خصوصی مجلس تشکیل شد و رضا حکمت رئیس مجلس اظهار داشت که دیشب اعلیحضرت همایونی مرا احضار فرمودند، آقای علاء استعفا کرده‌اند و من مایلم ایشان استعفای خود را پس بگیرند ولی در ملاقات با ایشان نتوانستم قانعشان کنم چون آقای علاء گفتند که به جهت سیاسی بسیاری ادامه خدمتگزاری را در خود نمی بینم .

در این جلسه جمال امامی (که هم طرفدار ملت بود و هم نه - و هم موافق ملی شدن بود و هم نه - و هم قرارداد ۱۹۳۳ را ظالمانه می دانست و هم نه) گفت " . . . من هم دیروز با آقای علاء ملاقات و مصرا " از ایشان استدعا کردم که استعفای خود را مسترد دارند ولی بدبختانه ایشان زیر بار نرفت " و بالاخره هم جمال امامی در همین جلسه گفت که " نظر من این است که آقایان الان فی المجلس و متفقا " به آقای دکتر مصدق رأی تمایل بدهند که ایشان زمامدار شده و اگر می خواهند آن لایحه را خود ایشان به مجلس عرضه بدارند و متفقا " رأی بدهیم (نمایندگان - صحیح است ، احسنت ، قبول داریم) .

ما باید برای آگاهی نسل جوان به دو نکته اشاره کنیم نخست اینکه در همین لحظه که آقای جمال امامی چنین پیشنهادی را به دکتر مصدق می کند

آقای سیدضیاءالدین طباطبائی در دربار بوده است و اگر دکتر مصدق زمامداری را نمی‌پذیرفت این امکان وجود داشت که نتیجه مبارزات مردم ایران با زمامداری سیدضیاء از بین برود و دیگر این که جمال امامی می‌پنداشت که دکتر مصدق به شیوه گذشته‌اش حاضر به پذیرفتن زمامداری نمی‌شود و آنگاه خواهد گفت که آقای دکتر مصدق طرحی را که شما خودتان حاضر به اجرائش نیستید چگونه می‌خواهید که دیگران قادر به اجرائش باشند؟ و بدینوسیله طرح ۹ ماده‌ای را از دستور مجلس خارج کند اما هنگامی که نمایندگان گفتند صحیح است، احسنت، قبول داریم، بلافاصله دکتر مصدق گفت قبول می‌کنم به شرطی که لایحه نفت امروزه تصویب برسد و نمایندگان نیز گفتند: انشاءالله، مبارک است، برویم رأی بگیریم. " (۸۸)

در همین مورد در "مصدق و نهضت ملی ایران" چنین آمده است:

" دنباله ماجرا - پس از استعفای حسین علاء - می‌بایست اینطور جریان یابد که به دکتر مصدق پیشنهاد زمامداری داده شود و اینطور پیش بینی شده بود که او همچون دورهٔ چهاردهم نخست وزیری را نخواهد پذیرفت و لذا دیگر بهانه‌های باقی نخواهد ماند، و سیدضیاءالدین طباطبائی میتواند بدون دردسر وارد معرکه شود.

ولی نقشه‌های دستیاران بیگانه با برخورد آگاهانه دکتر مصدق نقش بر آب شد. او که نسبت به خدعه‌های دستیاران انگلیس آگاهی داشت پیشنهاد را بلافاصله و تنها بشرط تصویب قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت (قانون خلع‌ید) پذیرفت. این شرط نیز با توجه به روحیات زمان قابل مخالفت نبود. . . . " (۸۹)

دکتر مصدق خود دلیل قبول نخست‌وزیری را طی نطق یکشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ در مجلس شورای ملی چنین توضیح داد:

" در جلسهٔ خصوصی که صحبت از زمامداری من شد بعضی از نمایندگان پیشنهاد کردند که خوبست که دکتر مصدق خودش این کار را

قبول کند (آشتیانی زاده - آقای جمال امامی بودند) و من مثل همیشه که شانه از این کار خالی کرده‌ام و علت این بوده است که وسائلی در دست نیست که باصلاحاتی موفق شوم چون تقریباً " در صدر و ذیل این دستگاه اشخاصی کار می‌کنند که می‌خواهند از آشفته‌گی اوضاع استفاده کنند امتناع کردم . و به محض آنکه آن روز رای تمایل به من داده شد بلادرنگ برای خدمت حاضر شدم . . در همان جلسه درخواست نمودم تا گزارش کمیسیون از تصویب نگذرد برای قبول هیچ خدمتی حاضر نمیشوم . . . " (۹۰)

دکتر مصدق در تقریرات ارزشمند خود که توسط آقای جلیل بزرگمهر وکیل مدافع ایشان در دادگاههای نظامی یادداشت شده است در این باره میگوید :

" . . . روز شنبه هفتم اردیبهشت که جلسه فوق‌العاده در مجلس تشکیل شد گفتند که انعقاد جلسه از این لحاظ است که نخست وزیر استعفا کرده است . و تشکیل جلسه برای اخذ رأی تمایل نسبت به نخست‌وزیر جدید است . البته نمایندگان می‌دانستند که نامزد نخست‌وزیری کی است و باید به کی رأی بدهند .

قبل از اینکه صحبت از او به میان بیاید ، چون آقای جمال امامی می‌دانستند که من بهیچوجه به تشکیل دولت علاقه‌ای ندارم و یکی دو ماه قبل هم با من مذاکره کرده بودند و من امتناع کرده بودم (برای اینکه ناگهانی اسم از آن شخص مورد نظر برده نشود) ، می‌خواستند با تکلیف آن سمت به من مدتی مذاکره پیش بیاید و وقتی من گفتم قبول نمی‌کنم آن وقت اسم شخص معهود را عنوان کنند . لذا پیشنهاد کرد که من دولت تشکیل بدهم و من چون ملتفت بودم که اگر امتناع کنم دولت جدید خط بطلان بر روی تمام کارهایی که شده است خواهد کشید بلا تأمل قبول کردم .

. . . طبق اطلاعی که رئیس مجلس به هنگام شرفیابی به دست آورده بود آقای سید ضیاء‌الدین در حضور شاه بود . اما به محض اینکه رای تمایل

به عرض شاه میرسد آقای سیدضیاءالدین (که شخص معهود بود) از دربار خارج می شود . . . " (۹۰ مکرر)

چون دکتر مصدق قبول مقام نخست وزیری را منوط به تصویب لایحهٔ ۹ ماده‌ای کمیسیون نفت میسازد ، لایحه مذکور در هفتم اردیبهشت در مجلس شورای ملی و در دهم اردیبهشت در مجلس سنا بتصویب میرسد . دکتر مصدق با در دست داشتن قانون مربوط به خلع ید شرکت نفت جنوب به نخست وزیری میرسد و برنامهٔ خود را در دو ماده زیر :

۱- اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در کشور

۲- اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداریها

که به گفتهٔ خودش " برای اینکه در آن زیاد صحبت نشود روی دواصل تنظیم نمودم " (۹۱) ، اعلام و در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ کابینه و برنامه دولت را در مجلس معرفی و رای اعتماد مجلس را بدست می آورد .

بدینسان رهبر نهضت ملی با درایت و هوشیاری مخصوص بخود و پشتیبانی خلق قهرمان ایران نقشه‌های بیگانگان و عوامل داخلی آنان بسر-کردگی دربار را نقش برآب میسازد و در مقام نخست وزیری صفحهٔ نوینی از مبارزه برای استقلال و آزادی مردم میهن ما و خلقهای تحت سلطه جهان و مبارزه با جهانخواران ، در تاریخ مبارزات خلقهای زیر یوغ استعمار و دیکتاتوری میگذاید .

۹ اردیبهشت ۳۰ مواد نه‌گانه لایحه کمیسیون نفت مبنی بر خلع ید شرکت نفت انگلیس و ایران در مجلس طرح و بتصویب رسید .

دولت علاء توسط شهربانی طی اطلاعیه‌ای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر (اول ماه مه = ۱۱ اردیبهشت) را ممنوع اعلام کرده بود . دکتر مصدق در روز ۹ اردیبهشت پیامی خطاب به ملت ایران فرستاد و در این پیام از حمله چنین گفت :

" در اینجا از دو دسته از هموطنان عزیزم در خواستی دارم . . .

تقاضای اول من از بعضی از آقایان ارباب قلم و روزنامه‌نگاران است که از آزادی سوء استفاده نکنند و عفت قلم را همیشه رعایت نمایند. زیرا هیچوقت نمیخواهم ترتیبی پیش آید که آنها نتوانند منویات خود را اظهار کنند. ولی اظهار منویات و استفاده از آزادی باید تاحدی باشد که با آزادی دیگران و حقوق مشروع آنها و به امنیت مملکت خللی وارد نکند.

تقاضای دوم من از هموطنان عزیزم کارگران است که من آنها را مثل فرزند حقیقی خود دوست دارم و میدانم آنها زحمت میکشند و نان میخورند و از کار دیگران سوء استفاده نمی نمایند.

امیدوارم فردا که بمناسبت روز اول ماه مه که عید کارگران دنیاست و آنها هم بالطبع در آن حش بزرگ شرکت میکنند طوری رفتار نمایند که نظم و ترتیب و آرامش آنها برای دیگران سرمسوق شود. کارگران ارجمند و عزیز ما میدانند که جبهه ملی از ابتدا تشکیل خود برای بسط دموکراسی و تامین آزادی و مخصوصاً " برای فراهم کردن موجبات رفاه و آسایش طبقات محروم مملکت مبارزه کرده و راه نجات ملت ستم‌دیده ایران و وصول باین مقصد ملی را در استقلال اقتصادی و تسلط بر صنایع ثروت ملی تشخیص داده است اینک که بزرگترین صنایع ثروت ملی به ملت بازگشته همگی یقین داریم که اگر درست از آن استفاده شود ملت ما خواهد توانست در آینده با نهایت رفاه و آسایش بسر برد ولی واضح است که اگر تفرقه در میان ما پیدا شود. تمام زحمات ملت ایران نقش بر آب خواهد شد. . . . اطمینان دارم کارگران هوشیار ما با حفظ نظم و آرامش و جلوگیری از بروز اغتشاش این بهانه را هم از دست دشمنان خواهند گرفت و بدولتی که جز خدمت بآنها که هیچگونه مقصودی ندارد مجال خواهند داد تا بوظیفه خطیر ملی خود که تقویت استقلال سیاسی و تامین استقلال اقتصادی کشور است عمل نموده و عدالت اجتماعی و رفاه و آسایش عموم طبقات مملکت را فراهم کند. " (۹۲)

بدینگونه کارگران مبارز توانستند مراسم اول ماه مه را با آرامش بگذرانند.

مصدق در آغاز نخست‌وزیری‌اش دستوری خطاب به شهربانی کل کشور فرستاد که با خواندن آن میتوان بروحیه آزادمنش و فلسفه سیاسی انسانی مصدق پی برد . در این دستور چنین میخوانیم :

شهربانی کل کشور

در جراید ایران آنچه راجع بشخص اینجانب نگاشته میشود هر چه نوشته باشند و هر که نوشته باشد . بهیچوجه نباید مورد اعتراض و تعرض قرار گیرد لیکن در سایر موارد بر وفق مقررات قانون باید عمل شود .
بماورین مربوطه دستورالازم در اینباب صادر فرمایند که مزاحمتی برای اشخاص فراهم نشود . (۹۳)

نخست وزیر

در روز ۱۲ / اردیبهشت ۳۰ ، دکتر مصدق ، هیئت دولت را بشرح زیر بمجلس شورایملی معرفی نمود :

وزیر بهداری	آقای حکیم الدوله
" پست و تلگراف	" یوسف مشار
" خارجه	" باقر کاظمی
" راه	" جواد بوشهری
" دارائی	" محمدعلی وارسته
" دادگستری	" علی هیئت
" کشاورزی	" ضیاءالملک فرمند
" جنگ	تیمسار سپهبد نقدی
" کشور	سرلشگر زاهدی
" کار	آقای امیرتیمور کلالی
" فرهنگ	" دکتر سنجابی

وزیر اقتصاد بعداً " تعیین خواهد شد .

در همین جلسه برنامه دولت جدید که شامل دو ماده:
اجرای قانون ملی شدن نفت در کشور
و اصلاح قانون انتخابات مجلس و شهرداریها
تقدیم مجلس گردید و دولت دکتر مصدق رای اعتماد مجلس را بدست
آورد. (۹۴)

در همین روز یعنی ۵ روز پس از نخست‌وزیری، مصدق با همراهان برای
بازدید بزرگان شهربانی تهران رفت و پس از دیدن حال زار زندانیان به
سرلشکر حجازی رئیس شهربانی گفت: "اگر میخواهید زمام شهربانی در
دست شما باشد باید دزدگیر باشید و مزاحم کسانی که نسبت با آنها مظنون
بوده نباشید."

آنگاه گفت: "اینجا مرا بیاد ایام زندانی بودن خودم افکنده. این
قتلگاه بسیاری از صاحبان فکرهای روشن و آزاد بوده است." پیرو این
بازدید روز ۱۵ اردیبهشت قانونی از سوی دولت مصدق بمجلس آمد که
بسیاری از زندانیان را آزاد میکرد. " (۹۵)

اکنون پس از مقدمه، فوق به ذکر پاره‌ای از برخوردها با دولت جدید
و توطئه ترور دکتر مصدق می‌پردازیم.

چند روز پس از نخست‌وزیری دکتر مصدق در حالیکه امبرياليم
جنایتکار انگلستان سخت آشفته و در هراس بود و دربار نیز از
درد حضور دکتر مصدق در مقام نخست‌وزیری بخود می‌پیچید متأسفانه
اعلامیه‌هایی بنام "فدائیان اسلام" علیه حکومت ملی پخش و اتهامات
ناروایی به پیشوای نهضت ملی و "آیت‌الله کاشانی" زده میشد.

در جراید آن دوران اشاراتی باین اعلامیه‌ها شده است، ما در زیر
پاسخی را که از سوی گروهی به این بیانیها داده شده است می‌آوریم:

شاگردان مکتب قرآن از انتساب بدسته وابسته به بیگانگان عار دارند

از چندی پیش دسته‌ای در پس پرده مخفی شده و گاه گاهی دست بانتهار بیانیه‌هایی بنام "فدائیان اسلام" زده‌اند و اعمال رشیدانه شاگردان حقیقی مکتب اسلام را که برای نجات اسلام و ایران بفاکاری داده‌اند بخود نسبت داده و درصددند برای خودیدون حق موقعیت و موفقیتی کسب نمایند . این دسته روبسته و ماسک‌دار علاوه بر اینکه جانبازی شهید ناکام میر-سیدحسین امامی و فداکاری خلیل طهماسبی که هر دو نفر در طی بازجوئی‌ها و محاکمات تصریح نموده‌اند که از هیچ دسته نبوده و فقط دین و وجدان آنها محرک نابود کردن دشمنان اسلام و ایران بوده است ، افراد دیگری که نام امضاءکنندگان ذیل هم جزو آنها مشاهده شده است ، بخود منتسب کرده‌اند .

در صورتیکه ما امضاءکنندگان از انتساب نقابدارانی که بدستور شاهرخ که جاسوس فرومایه استعمارگران انگلیسی بمردان بزرگ دینی و ملی (که مخالفت با آنها آن هم در این موقع که قانون طرز اجرای ملی کردن صنایع نفت در دست اجراست ، بمنزله محاربه با امام زمان (ص) است) مانند حضرت آیت‌الله کاشانی مجاهد و فداکار عالیقدر عالم اسلام توهین مینمایند ننگ داشته و تنفر و انزجار شدید خود را از اعمال بیرویه و بیشرمانه آنها اعلام میداریم و همانطوری که بارها اعلام داشته‌ایم عضو مجمع مسلمانان بوده و افتخارمان فداکاری و جان بازی در راه اجرای منویات مقدس رادمرد بزرگ اسلام حضرت آیت‌الله کاشانی می‌باشد .

بنابه آنچه در بالا گفته شده بدینوسیله مندرجات شماره ۱۸ روزنامه سحر مورخ ۱۳/۱/۳۵ را در مورد انتسابمان بدسته "فدائیان اسلام" جدا " تکذیب می‌نمائیم .

محسن محرر - حسن اسماعیلی - عبدالاحد اصغری - سید فخرالدین

قنات آبادی - رضا صادقی - سید طاهر موسویان - صمد رسول پور - احمد رسول پور - حسن لشگری - احمد طورچی - محمود طورچی - قدیر نوائی - محمود محرر - رضا طباطبائی - عزیزالله خوش طینت - ابوالقاسم یمینی - سید جعفر مطهری - حسین مقارنی - نایب محمد - رضا اشتیاق - حسین اشتیاق - استاد پنجه علی عقبائی - حبیب الله خوش طینت - ولی الله خوش طینت - باقر دقت - اسکندر پل رودی - شیخ مهدی حق پناه دولابی علی بینا - طباطبائی - علی اکبر فیروزی - احمد عشقی - اکبر معماری - اصغر معماری - دکتر نصیری - محمد اردهالی - سید محسن امیرحسینی - حسین شاهنواز - علی قربانی - محمد مقدسیان - ناصر صراف زاده - حسن رستمی - رضا طریقت - احمد لواف - مهدی طریقت - قوام الدین باهری - محمد مهدی نعمتی (صداقت) - احمد کاشانی - رضا کاشانی - غلامحسین یاچکپور - رضا صادقی - محمد چینی - هاشم امانی - جواد کاشانی - محمد نیک بین . (۹۶)

شخص دیگری نیز که در همین روزنامه بدلیل موضعگیریهای خاص آقای نواب صفوی عدم ارتباط خود را با این گروه اعلام داشت آقای محمد حسین محمدی اردهالی بود که آگهی زیر را به روزنامه اطلاعات فرستاد . (۹۷)

جهت اطلاع عامه

چون در روزنامه سحر نام اینجانب را جزء فدائیان اسلام ذکر کرده بود لازم میدانم تذکر دهم که تابع فدائیان حقیقی اسلام که رهبر بزرگ آنها امیرالمومنین علی علیه السلام و ائمه معصومین از نسل آن بزرگوار هستند انشاء الله هستم ولی با این جمعیت امروزه بنام فدائیان اسلام هیچگونه بستگی و ارتباطی ندارم و اطاعت امر حضرت آیه الله کاشانی آقای حاجی سید ابوالقاسم کاشانی را بر خود لازم میدانم آری فدائی اسلامی

هستم که حضرت آیه‌الله کاشانی روحی له الفدا رهبرش میباشد .
 خادم علم و دین
 محمد حسین محمدی ارده‌الی

بدنبال انتشار اعلامیه‌ای از سوی آقای نواب صفوی ، روزنامه "آتش" نوشت :

"بیم آن میرود که اختلاف جدی بین جماعت فدائیان اسلام و دولت آقای دکتر مصدق برپا شود .

دیروز نشریه‌ای در تهران توزیع گردید که روسای این جماعت ، دکتر مصدق را متهم بارتکاب اعمالی برضد اسلام نموده و او را تهدید کرده اند که چنانچه دوازده نفر از اعضای جماعت فدائیان اسلام را که محکوم بزندان شده‌اند آزاد نکند یا حکومت او و اعضای جبهه ملی (تسویه حساب) خواهند نمود . این زندانیان را حکومت آقای حسین علاء با اتهام توطئه قتل پیشوایان سیاسی ایران پس از قتل رزم‌آرا بازداشت کرده بود . (۹۸)

روزنامهٔ "باختر امروز" در سرمقاله خود با اشاره ضمنی به این تهدیدات ، هشدار داد که نبایستی آلت دست "نقشهٔ شیطانی" استعمار شد . در زیر قسمتی از آن را نقل میکنیم :

"تاکتیک" امروز حریف ملت ایران گذشته از انتریک‌ها و تحریکات و سمپاشی‌هایی که مدام در میان مردم صورت میگیرد یکی اینست که بتمام وسائل ممکنه فرصت حساس و گرانبهای امروز روی حروب‌بحث از دست برود و این نیرو و قدرتی که از تمام طبقات ملت تشکیل میشود تبدیل بنفاق و بدگمانی و حدال سیاسی شده و از زمان گذران بنفع خویش حداکثر استفاده را برگیرد . نغمه‌هایی در بعضی از بلندگوهای کمپانی کم و بیش ساز شده و انتشاراتی تحریک‌آمیز بگوش میرسد که نمونه و نشانه‌ای از فعالیت پشت پرده "وارث‌دادرسی" است و یکبار دیگر باصل کلی مستعمراتی : "تفرقه‌بینداز و

حکومت کن " توسل بسته در میان بعضی از دستجات یکنوع عصبانیت و ناراحتی فکری و اضطراب روحی حتی سوءظن و اندیشه، خرابکاری بی سبب کم و بیش مؤثر افتاده بدون آنکه بدانند در پایان این تخریب چه نقشه، شیطانی تمام آرزوها و تمنیات آنها را در هم خواهد ریخت باین جنگ اعصاب مدد میرسانند .

دکتر مصدق در نطق اخیر خود هنگام معرفی وزیر اقتصاد ملی در مجلس گفت که برای ازبیش بردن این مهمترین و اساسی ترین مسائل سیاسی و اقتصادی دو قرن اخیر ایران بآرامش و اتحاد و وحدت تمام طبقات مملکت سخت نیازمند است و اگر بعضی از انتظارات اصلاح طلبان بغوریت انجام نشده فقط روی این منظور بوده که اصل کلی و حیاتی را قربانی مسائل درجه دوم و سوم اهمیت نکرده باشد . " (۹۹)

در همین ایام بیانیه‌ای بامضای "فدائیان اسلام" در مخالفت با آقای نواب صفوی منتشر شد که متن آن را در ذیل میخوانید:

نامه وارده
بیانیه شماره ۱

هوالعزیز

فدائیان اسلام " نواب صفوی " را طرد نمودند

صفوف شکست ناپذیر فرزندان اسلام بمبارزات دامنه دار خود با بیدینی ادامه خواهند داد .

ای مسلمانان غیور! بیدار و هشیار باشید از مغزهای تربیت شده، ما فرزندان رشید اسلام و ایران بیاری خدای توانا استفاده کنید، آری آری استفاده کنید زیرا مغزهای پولادین و قلوب آتشین ما تربیت شده آن مکتبی است که در مدت کوتاهی رشحات نورانیش صفحات دنیا را بلرزه در آورده و امواج پرشورش جهانی را بحرکت انداخت. آری بحرکت انداخت . آن

رذل‌ترین مردمی را که جز درس شهوت‌پرستی و آدم‌کشی چیزی نمی‌دانستند و جز بدلت و پستی س در نمیدادند، صفوف مقدس فدائیان صدر اسلام خاطره‌هایی در دنیای بشریت ایجاد کرده که اساس تاریخ را درهم ریخت و جلو شهوات تاریخی و دامنه‌دار مردم جهان را سد کردند.

آری، آری جاسازی و فداکاری فرزندان رشید اسلام و پیروان کتاب مقدس آسمانی بود که اشعه نورانیس دنیای تاریک را روشن نمود.

آری این فدائیان عزیزی که در صفوف مقدس و محکمی بوده و هستند و از منطق وحی و قرآن استفاضه کرده و میکنند همیشه برآنند که تیشه بریتسه بدبینی زده و خصومت آشتی‌ناپذیر خود را بدشمنان اسلام و ایران اعلام دارند.

ما هر آن برای عملی شدن دستورات مقدس آسمانی و اجرای قوانین مقدس قرآنی در سنگرهای بولادین ایمان نشسته و بانتظار فرصتیم.

ای مسلمانان غیور و بیدار و هوشیار باشید ما فرزندان اسلام و ایران تاروژی که برنامه مقدسمان که در کتاب جداگانه بیاری خدای توانا و احساسات خدایسندانه و افکار نورانی ما برادران عزیز جمع‌آوری و طبع و در تمام دنیا منتشر گردیده، مو بمو عملی نشود از پانایستاده و بمبارزه متین خود ادامه خواهیم داد.

ما همیشه از خدای توانا مسئلت داریم از لغزشهائیکه ممکن است بمبارزات خدایسندانه ما لطمه وارد آورد مصون و محفوظ نگاهمان دارد ما متجاوزین را که ممکن است در اثر تغییر عقیده و روش زبانی بااساس مقدسمان وارد سازند بشدیدترین مجازات در پیشگاه خدا و خلق کیفر نموده و از جمعیت فدائیان اسلام بهره‌عنوانی که باشد طرد خواهیم کرد.

این حقیقتی که امروز بسمع تمام برادران مسلمان جهان می‌رسد پایداری و حقیقت‌گوئی ما را روشن کرده و می‌کند.

"نواب صفوی" که مدتی او را برهبری انتخاب نموده بودیم، در اثر

لعزتهای بی دربی و اسائه ادبیهائی که بساحت مقدس بزرگترین و برجسته‌ترین فرزندان قرآن یعنی آیت‌الله‌بروجردی و آیت‌الله‌کاشانی و آیت‌الله‌خوانساری و آیت‌الله حجت یعنی پرچمداران حقیقی اسلام و سایر مبارزین راه حق وارد می‌کرد و برای اجراء شهوات بیجا و ادعاهای پوج و بی‌اساس خودتلاش میکرد لذا از جمعیت فدائیان اسلام برکنار شد و هم‌اکنون تبری خودمان را از او و اظهارات شوم و انتشاراتش که بنام فدائیان اسلام منتشر می‌کرد با اعلام داشته و ساحت مقدس فدائیان اسلام را از این‌گونه اعمال زشت تطهیر می‌نمائیم .

تبصره - (۱) مسلمانان بدانند که ما فرزندان ایران و فدائیان اسلام تنفر و انزجار شدید خودمان را از نواب صفوی اعلام داشته و برکناری او را از صفوف مقدس فدائیان اسلام اعلام میداریم .

تبصره - (۲) ما فرزندان اسلام بیاری خدای توانا در سایه رهبری یکی از فرزندان عزیز اسلام که برای پارهٔ مصالح معرفی او را به بعد موکول کرده در راه جان‌بازی و از خودگذشتگی ناظر عطیات و حثیانه و انتشارات خصمانه دشمنان اسلام و ایران هستیم و رهبرخائن گذشته را مجازات شدید خواهیم کرد .

تبصره - (۳) ما به پیشوایان و قائدین فداکار که مبارزات و از خودگذشتگی آنان بر احدی پوشیده نیست احترام گذارده و از هیچ‌گونه فداکاری و جانبازی در راه هدف مقدسشان خودداری نکرده و تا انجام موفقیت نهائی خدمتگزاران خود را از نشر هرگونه اعلامیه و بیانیه خودداری کرده و کلیه نشریاتی را که نواب صفوی بعنوان فدائیان اسلام منتشر مینماید بی‌اساس و مجعول دانسته و از طرف دستگاهی که در این موقع باریک برای در هم ریختن برادران عزیزمان بکار افتاده است میدانیم .

تبصره - (۴) ما از ورق پاره‌ای که چند روز قبل بقلم نواب صفوی و بتحریک خائنین بنام فدائیان اسلام منتشر شده و نسبت بآیت‌الله‌کاشانی

اهانت نموده بود شدیداً " منتفریم .

۵- ما از دولت آقای دکتر مصدق اجرای دستورات آسمانی و قانون اساسی را هر چه زودتر خواهان و تبرئه و نجات برادران عزیزمان را از زندان انتظار داریم .

۶- ما خون برادر عزیزمان مرحوم میرسید حسن امامی را بزرگترین موفقیت خود دانسته و برای احقاق حق حضرت خلیل طهماسبی تا آخرین قطره خون ایستادگی خواهیم کرد . " (۱۰۰)

بیاری خدای توانا - فدائیان اسلام

دکتر مصدق توطئه قتل خود را افشاء میکند .

دکتر مصدق ۲۲ اردیبهشت یعنی ۱۵ روز پس از فرار گرفتن در مقام نخست‌وزیری توطئه قتل خود را طی نطقی در جلسه مجلس شورای ملی افشاء و بدلیل نداشتن تأمین جانی در مجلس متحصن میشود . مصدق در این نطق چنین گفت :

" . . . یکی از این روزها که من از نخست‌وزیری میخواستم خارج شوم و به مجلس سنا بروم دو نفر زن در حالی که دست یک بچه هم در دست یکی بود متصل بچهارچوب در ایستاد و یکی از آنها خودش را طوری باتوموبیل چسبانید که نزدیک بود زیر چرخ اتوموبیل برود و از توقف اتوموبیل دیگری استفاده کرده و جلو اتوموبیل آمد و اتوموبیل مرا از حرکت متوقف کرد . چون دو نفر دیگر که در چند قدمی ایستاده بودند و مثل اینکه منتظر فرصت بودند بمن سوءظن برده و بدون اینکه رحمی بآنها باین بیچارگان مصنوعی بکنم از کنار دوزن حرکت کردم .

این اوضاع سبب شد که من بگفته، عده‌ای در خصوص اینکه جانم در خطرات اهمیت بدهم و یقین کنم که دسنی در باطن برای اضمحلال من کار میکند .

یکی از روزها که بحضور اعلیحضرت شاهنشاهی شرفیاب شده بودم مراتب را عرض کردم و گفتم که تا سه روز قبل من همیشه مسلح بودم ولی برای اینکه حضور من در دربار ایجاد سوءظن نکند از برداشتن اسلحه خودداری کردم و حالا چون بعضی خبرها شنیدم ناچار شدم دوباره مسلح شوم .

اعلیحضرت همایونی فرمودند اسلحه خود را نشان بدهید . من هم نشان دادم بعد فرمودند که من میتوانم کسانی را برای حفاظت شما بگمارم . من عرض کردم آن اشخاص مطمئناً " بیشتر از اشخاصی که جان رزم آرا را محافظت می کردند مورد اعتماد نخواهند بود و بعلاوه شعری بیادم آمد که آنرا خواندم و آن اینست که :

گر نگهدار من آنست که من میدانم شیشه را در بغل سنگ نگه می دارد
من اینقدر قدرت و توانائی دارم که اگر بدست کسی کشته شوم قاتل
خود را هم از بین ببرم . خداوند هر چه مقدر فرموده است می شود . بنابراین
این احتیاجی بمحافظ ندارم .

روز شنبه ۲۱ اردیبهشت که افتخار شرفیابی را داشتم اعلیحضرت فرمودند آنچه را که درباره خود می گفتمی منم شنیدم و آن اینست که شنیدم گفته اند شما را میخواهند ترور کنند و من دستور داده ام شهربانی جان شما را حفاظت کند .

فعالیت فدائیان اسلام

چون معاونین نخست وزیری که برای معرفی بانجا آمده بودند از حضور شاهانه خارج شدند منم یا آنها بیرون آمدم و بعد مجدداً " از پیشگاه همایونی اجازه بار درخواست نمودم و عرض کردم ممکن است بفرمائید چه اشخاصی درصدد از بین بردن من هستند فرمودند دکتر بقائی به دیهیمی که در سازمان اوست اینطور گفته بود که فدائیان اسلام درصدد قتل دکتر مصدق هستند . دیهیمی هم بسناد ارتش این امر را اطلاع داد و از ستاد

ارتش هم بمن گزارش دادند و من دیشب بشهربانی دستور دادم شمارا حفاظت کنند تا جان سلامت بدر برید. من بسیار تعجب کردم زیرا اگر فدائیان اسلام هژیر را می‌کشند برای اینکه او شاهنشاه را بلندن برد و وعده داد. قرار داد ساعد - کس تصویب شود و مجلس مؤسسان هم روی همین اصل تشکیل گردید و اگر فدائیان اسلام رزم آرا را! که میخواست وحدت مملکت و ملی ما را از بین ببرد کشتند چگونه ممکن است حاضر شوند دکتر مصدقی را که همه چیز خود را! در راه خیر و صلاح مملکت فدا کرده است اورا هم ترور کنند.

روی این اصل باعلیحضرت گفتم من یکجان دارم و آن را می‌خواهم در راه صلاح و صواب این مردم و شما نثار کنم. من از اول عمر خود معتقد نبودم که در بستر بیماری جان خود را نسلیم کنم بلکه آرزویم این بوده که در راه وطن جان نثار کنم.

بنابراین من باین مأمورینی که یا نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند که انجام وظیفه کنند احتیاج ندارم و اعلیحضرت مرا بخدا بسپارند و نگران نباشند. فرمودند حالا که نمی‌خواهید من اصراری نمی‌کنم و خودتان بفرمائید که در توقیف فدائیان اسلام اقدامی نکنند.

بلافاصله پس از آنکه بنخست‌وزیری آمدم رئیس شهربانی را خواستم و دکتر فاطمی معاون نخست‌وزیری هم حضور داشت رئیس شهربانی گفت گزارش رسیده که نواب صفوی اکنون در خانه‌ای که من اسمش را درست نفهمیدم میباشد و هم جنین رئیس شهربانی گفت من با عده‌ای برای دستگیری او رفتیم ولی معلوم شد که در آن خانه جلسه‌ای است برای روضه خوانی بود. من از نخست‌وزیری بخانه آمدم و می‌خواستم بعدازظهر برای بازدید سفارت فرانسه بروم ولی در مقابل منزل من بقدری جمعیت بود که بدون دخالت چند پاسان نتوانستم خارج شوم و این اجتماعات گوناگون سبب شد که یقین کنم مخاطراتی برای جان من در پیش است.

هیچوقت دیده نشده که نخست‌وزیری را یک‌عده باین ترتیب در خانه خود هم حتی محاصره کنند وقتی فکر کردم دیدم علت این اجتماع اینست که نخست‌وزیر را مجبور کنند تصمیماتی بگیرد که او را وادار بکارهای خلاف قانون کنند و یا اینکه اشخاص در جمعیت مقصود خود را انجام دهند اینستکه امروز بمجلس شورای ملی آمدم تا بعرض همکاران صدیق خودم که قدمهای بزرگی در راه استقلال و تمامیت ارضی ایران برداشته‌اند برسانم که بودن در خانه و رفعت و آمد در شوارع ممکن است برای من ایجاد خطر کند بنابراین اجازه دهید در همین مجلس تا روزی که تکلیف نفت تمام نشده بمانم (صحیح است) ."

دکتر مصدق سپس به عامل اصلی توطئه اشاره کرد و گفت :

" . . . و مشکل است که ملت ایران هم روی خوشی ببیند زیرا شرکت نفت در تمام مظاهر حیات ما دخالت دارد و تا دست این شرکت کوتاه نشود بدبختی و استیصال از ما رفع نخواهد شد . " (۱۰۱)

شهید دکتر سید حسین فاطمی جریان فوق را در خاطرات ارزشمندش

که در دوران اختفاء نوشته شده است بگونهٔ زیر شرح میدهد :

" ده دوازده روز هنوز از روی کار آمدن دکتر مصدق نگذشته بود که یکروز صبح زود که او به کاخ ابیص عمارت نخست‌وزیری آمد مرا که معاون سیاسی و پارلمانی بودم به اطاق کار خود طلبید ، ما دو نفر تنها بودیم ، دکتر مصدق گفت من رئیس شهربانی را احضار کرده‌ام هر وقت آمد شما هم وارد اطاق شده در مذاکرات شرکت کنید . باید متذکر بود که دکتر مصدق سه یا چهار روز بیشتر در تمام دوران ۲۸ ماههٔ نخست‌وزیریش بکاخ ابیص نرفت شاید این روزی را که به تعریف آن پرداخته‌ام آخرین مرتبه‌ای بود که دکتر بعمارت ابیص آمد . اگر حافظه‌ام اشتباه نکند مجلس شانزدهم روز شنبه هفتم اردیبهشت بدکترمصدق ابراز تمایل کرد و او پس از گذشتن قانون نه ماده‌ای یعنی دهم یا یازدهم اردیبهشت قبول مسئولیت نمود ، ولی اولین پیام

رادیوئی خود را! در دهم اردیبهشت به ملت ایران فرستاد و بعد از یک هفته ، گمان می‌کنم روز هفدهم اردیبهشت ، مرا به معاونت خود به شاه معرفی نمود ، منظور اینست که بین ملاقات و مذاکره رئیس دولت و رئیس شهربانی با تشکیل دولت فاصله دو هفته‌ای بیشتر وجود نداشت ، من وقتی از اطاق نخست‌وزیر بیرون آمدم به پیشخدمت سپردم که هر وقت رئیس شهربانی آمد و به اطاق دکتر مصدق رفت مرا هم خبر کند . نیمساعت هنوز نگذشته بود که خبر آورد رئیس شهربانی به اطاق نخست‌وزیر رفت . من هم دوسیه‌ای را برداشته و با خود به اطاق دکتر مصدق بردم ، وارد اطاق که شدم دیدم نخست‌وزیر از پشت میز برخاسته و روی صندلیهای راحت نشسته و رئیس نظمی هم که " سرلشگر حجازی " بود در کنار اوست . سرلشگر حجازی در کابینه، علاوه بر ریاست شهربانی انتخاب شده بود و بعد از تیر خوردن رزم‌آرا! و تعویض " سرتیب دفتری " که رفقای حبه ملی " با " دفتری " روی موضوع کاشانی سخت مخالف بودند تصدی نظمی به او محول گردید . " سرلشگر حجازی " از افسران مورد اعتماد شاه بود ، سابقاً " هم مدتی فرماندار نظامی و بعد فرمانده لشکر خوزستان بود و در سفر اروپا نیز جزء همراهان شاه بود . . . در اطاق ما سه نفر بودیم ، دکتر مصدق ، سرلشگر حجازی و من ، ابتدا مصدق شروع به صحبت کرده گفت در شرقیایی که خدمت اعلیحضرت برای فلان موضوع رفته بودم (بنظرم معرفی یکی از ورزا، یا مأمورین بود) بعد از انجام معرفی ، شاه فرمودند که شنیدم " فدائیان اسلام " دنبال قتل شما هستند ، شما باید خیلی مواظبت کنید و به رئیس شهربانی هم دستور دادم بر مواظبت خود بیفراید . دکتر مصدق اضافه کرد که از اعلیحضرت پرسیدم چه کسانی این جریان را عرض کرده‌اند . من با فدائیان کاری نکرده‌ام و حساسی با هم نداریم . دولت هم که تازه آمده است . شاه فرمودند از نظمی و رکن دو شنیده‌ام و حالا هم این اسلحه، کوچک جیبی را! به شما میدهم که در موقع خطر بتوانید از خود دفاع نمائید . جزئیات دیگری را هم دکتر

مصدق برنئیس شهربانی گفت که حالا نظرم نیست ولی خلاصه‌اش همین بود، بعد از سرلشکر حجازی پرسید اطلاعاتان در این موضوع چیست. حجازی داستان مفصلی از "فدائیان اسلام" گفت و شرح داد که عوامل کار آگاهی که در میان آنها داریم چنین گزارش داده‌اند ولی ما مراقب هستیم و مأمورین همه جا مواظبت دارند. در این موقع دکتر مصدق خنده، بلندی کرده گفت این مأمورین محققا از رزم آرا بیشتر از من مواظبت میکردند. باعلیحضرت هم این مطلب را عرض کردم. بعد گویا نخست‌وزیر پرسید که موضوع را چرا فوراً به من گزارش ندادید. حرفهائی رئیس شهربانی زد که جزئیاتش بخاطرمانمانده است ولی گفت امروز قصد شرفیابی داشتم که گزارش را عرضتان برسانم. دستوراتی به سرلشکر حجازی دربارهٔ انتظامات شهرداد و او از اطاق بیرون رفت. چند دقیقه بعد من هم خارج شدم و چیزی نگذشت که پیشخدمت ما گفتند آقای نخست‌وزیر به مجلس رفتند، دکتر مصدق از آنروز تا مدتها بعد بعنوان اینکه نامین جانی ندارد در مجلس ماند و در یکی از اطاقهای پهلوی کمیسیون بودجه منزل کرد و کارهای اداری و امور مملکتی را هم در همانجا رسیدگی مینمود و جلسات هیئت دولت هم در اطاق کمیسیون تشکیل میشد. روز اولی که به مجلس رفتم ضمن نطقی این جریان را به استحضار عامه رسانید و موضوع مذاکرات خودش را با رئیس شهربانی با تصریح به اینکه با حضور من صورت گرفته است از پشت تریبون برای اطلاع مردم گفت. افتای این مذاکرات که شاه عقیده داشت تا حدی جنبهٔ محرمانه داشته است موجبات گله‌مندی او را فراهم آورده بود و از قرار معلوم آقای علاء‌وزیر دربار هم که آنوقت واسطهٔ مذاکرات بود و می‌آمد و میرفت بطور کنایه و یا صریح گله شاه را به نخست‌وزیر گفت. (۱۰۲)

در همین ایام آقای نواب صفوی طی یک مصاحبه با مخبر مجله "ترقی" به‌موارد و دلایل اختلاف خود با آیت‌الله‌کاشانی و اقلیت و جمعیت فدائیان

اسلام و . . . اشاره کرده از جمله در پاسخ سؤال " عده جمعیت فدائیان اسلام چقدر است؟ " گفت:

" . . . ما دفتر نداریم که عده، اعضا، خود را ثبت کنیم . من باین کارهای بی مغز و اساس موافق نیستم . ما با افکار و عقاید و ایمان قوی و عقیده برادران ما برای ما از همه چیز پرارزشتر است . "

و در پاسخ مخبر مجله مترقی که سؤال زیر را طرح نمود:

" س - اینروزها گفتگو از اختلاف بین جمعیت فدائیان اسلام و آیت الله کاشانی در میان مردم زیاد است . آیا ممکن است در این موضوع مطالبی بفرمائید . "

چنین پاسخ داد:

" ج - بلی ما با رویه کاشانی و دکتر مصدق و اعضا، جبهه ملی مخالفیم زیرا اینها بکمک فدائیان اسلام و با دست برادران عزیز ما بمجلس رفتند . عبدالقدیر آزاد قبل از آمدن کاشانی از سوریه دو مرتبه نزد من آمد باوگفتم باید وکلا، جبهه ملی سعی کنند که احکام اسلامی اجرا شود و اظهار عقیده کردم که باید از وکلا، اقلیت و اکثریت دعوت شود و صریحا " و رسما " از آنها بخواهند که احکام اسلام را طبق صریح قانون اساسی بموقع اجرا گذارند - در ملاقات با کاشانی تصریح کردم که ما بنا بتوصیه تو اینهارا وکیل کردیم و اگر هم اقلیت بکمک ما وکیل نشده باشند و خودشان انتخاب شده باشند وظیفه آنها است که سعی کند احکام اسلام اجرا شود ولی کاشانی بهانه‌هایی آورد و حرفهای من در او اثر نکرد - پس از اینکه من مخفی شدم برادران من آقایان امیر عبدالله کرباسجیان و میرعبدالحسین واحدی و حاج سید هاشم حسینی نزد ایشان رفتند و همینطور گفتند ولی ایشان نپذیرفتند و گفتند اقلیت پایند این حرفها نیستند . ما بعنوان المولفة قلوبهم با آنها مساعدت کرده و می‌کنیم و آنها را وکیل کرده‌ایم . ما به کاشانی گفتیم رویه تو رویه دینی و رفت و آمد تو رفت و آمد دینی نیست باید تغییر

رویه بدهی و باید فرزندان احکام اسلامی را اجراء کنند ولی این حرفها در او اثر نکرد و ما ناچار با او فاصله گرفتیم تا برادران اسلامی ما که ترتیب خالص اسلامیت و از جان گذشتگی یافته‌اند خراب نشوند.

یک وقت کاشانی برای ملاقات من آمد در منزل رفیعی باو گفتم من روزی شما را نایب امام زمان میدانستم ولی مدتی است شما از هدفهای فدائیان اسلام طرفداری نمی‌کنید - مخصوصاً " آن شب تاکید کردم که باید بهر نحو است احکام اسلام اجراء شود و اگر شما مایل نباشید اقلیت غلط میکند که از اسلام مدافعه نکند ولی کاشانی با این حرفها تغییر رویه نداد. کاشانی یک عمر در سیاست شکست خورد و اقلیت نیز دچار شکست سخت شد و تنها در اثر فداکاری فدائیان اسلام دوباره اینها پیشرفت کردند. مخصوصاً " بعد از واقعه پانزدهم بهمن تمام دستجات و صفوف رو باضمحلال رفتند. جز صف فدائیان اسلام که قویتر از سابق شد. آنروزی که بعد از واقعه پانزدهم بهمن کاشانی را گرفتند بعضی از برادران من و دوستان کاشانی کمی ملاحظاتی میکردند ولی من بآنها دلداری دادم و اراده‌های آنها را تقویت نمودم مخصوصاً "بحاج سیدهاشم حسینی که اکنون در زندان است گفتم برو قم و در آنجا انقلاب برپا کن. و او هم رفت و کارهایی انجام داد و امروز برادران عزیز من در زندان میگذرانند و کاشانی و دکتر مصدق و جبهه ملی کوچکترین قدمی برای آزادی آنها برنمیدارند. "

مخبر در اینجا سؤال میکند که:

- محکومیت آنها بوسیله دادگاه است چه ربطی بآیت الله کاشانی و

اقلیت دارد؟

چنین پاسخ داد:

" - خیر! به عقیده من تمام زیر سر اقلیت و کاشانی است و تمام جریانات استنطاق و توقیف آنها بدستور خصوصی اینها است و حتی مهدوی بازپرس صریحاً " اینموضوع را تاکید کرده است مدتی بهانه گرفتند و

برادران ما گفتند کفیل بدهید تا خلاص شوید وقتی کفیل حاضر کردند بهانه‌های دیگر آوردند و روزی که قرار کفالت را بنا بود اجراء کنند از اجراء آن خودداری کردند و روز بعد بدستور خصوصی دوبار (دربار؟) دوباره آنها را توقیف کردند .

من معتقدم که اکنون تمام برادران عزیز من بدستور دکتر مصدق و کاشانی و جبهه ملی محبوسند و روزنامه‌های ما نیز بدستور آنها توقیف‌اند . بعد از اینکه رزم‌آرا بقتل رسید همین کاشانی آهسته بمن گفت : باید هفت نفر دیگر که اسامیشان را برد کشته شوند ولی اسم من و تو در میان نباشد . این بود نتیجه فداکاری فدائیان اسلام .

حکومت علاء دست نشانده جبهه ملی و کاشانی بود و امیر علانی که عضو جبهه ملی بود یکی از وزراء کابینه علاء بود . . . " و در پایان گفت :
" اینها نمونه کارهای کاشانی و اقلیت بود که بدست ما و بکمک فدائیان اسلام روی کار آمدند و من تمام این مطلب را بکاشانی پانزده روز قبل نوشتم :

در این موقع نواب صفوی لحن صدایش را بلند کرد و گفت : من کاشانی و دکتر مصدق و جبهه ملی را بحاکمه دعوت می‌کنم که اخلاقاً " محاکمه شوند و من آشکارا با آنها روبرو خواهم شد تا مردم بفهمند آنها چه خلافکاریهایی کرده‌اند و اگر ترسی ندارند برای این محاکمه حاضر شوند . " (۱۰۳)

متأسفانه آقای عبدخدائی " عضو شورای مرکزی فدائیان اسلام " و ضارب شهید دکتر سیدحسین فاطمی در گفتگویی با کیهان با اشاره به نطق مصدق در ۳۰/۲/۲۳ در مجلس ، میگوید :

" به محض آمدن دکتر مصدق ، مصاحبه‌ای می‌کند و به دروغ می‌گوید :
" جان من از دست فدائیان اسلام در خطر است " ، آقای عبدخدائی نظیر همین ادعا را در مجله " پیام انقلاب " نشریه سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی نموده مینویسد: " بگونه‌ای که دکتر مصدق در حالیکه نخست وزیر است رختخوابش را به مجلس می‌برد و می‌گوید که من از دست فدائیان اسلام به مجلس آمده‌ام تا در اینجا بخوابم . " (۱۰۴)

برای روشن شدن این مسئله که دکتر مصدق پیشوای نهضت ملی ایران " دروغ مینویسد " و یا آقای "عبدخدائی" اشتباه می‌فرمایند، قسمتی از اعلامیه آقای نواب صفوی در سوم شهریور ۳۲ یعنی ۶ روز پس از کودتای ننگین آمریکائی، ۲۸ مرداد خطاب به "شاه" و "نخست‌وزیر" نوشت. نقل میکنیم:

" و هر کسی عملاً با احکام خدا مخالفت کند اطاعت او حرام و مخالفتش واجب است، من بهمین دلیل با دولت مصدق بشدت مخالف بوده‌ام و در تمام حکومتش از ترس من و برادرانم در گوشه‌خانه‌اش متحصن بود. " (۱۰۵)

برای بیشتر روشن شدن مسئله نقل قولهایی نیز از روزنامه‌های آن دوران مینمائیم:

روزنامه "حجار" تحت عنوان "کشمکش میان نواب صفوی و آقای کاشانی" مینویسد:

" مهمترین خبر این هفته مناقشات و کشمکش میان نواب صفوی رهبر جمعیت به اصطلاح فدائیان اسلام از یکطرف و آقای کاشانی و جبهه ملی از طرف دیگر بوده است. این مشاجره که حتی در روزهای اخیر از طرف نواب صفوی بفحاشی و ادای الفاظ رکیک و زشتی نسبت بجبهه ملی و آقای کاشانی (*) رسیده بود موجب تفرقه و دو دستگی در داخل "فدائیان اسلام" گردیده و یکدسته از آنها که وابسته با آقای کاشانی میباشند علیه نواب صفوی بحملات شدید و تهدید پرداخته و نواب صفوی نیز از هیچگونه فحاشی و

(*) : اشاره به اعلامیه آقای نواب صفوی زیر عنوان " آیت‌الله - کاشانی، مصدق و جبهه ملی روی . . . لندن را سفید کردند. "

تهدید نسبت بآنها و رهبران جبهه ملی و آقای کاشانی خودداری
نمیکنند" (۱۰۶)

و مجله خواندنیها بنقل از "اتحاد ملی" نوشت:

"آقای دکتر مصدق از چند روز پیش در مجلس متحصن شده‌اند، اگر
ایشان این کار را نمی‌کردند قطعا "جان سالم بدر نمی‌بردند، زیرا نقشه‌ای
فاش شده است که ممکن بود حتی در منزل، ایشانرا ترور کنند ولی در مجلس
اینکار را نمیشود کرد، و اگر بخواهند مصدق را در مجلس ترور کنند، خیلی
موضوع گل و گشاد شده و اثر بین‌المللی آن قطعا "بضرر محرکین واقعی
خواهد بود."

و بنقل از "قلم مرد امروز" نوشت:

"فدائیان اسلام قصد ترور نخست‌وزیر را داشته‌اند و روزانه عده
زیادی در کاخ ابیض به آقای دکتر مصدق مراجعه می‌کرده و علاوه بر اینکه تأمین
حانی ایشان از بین میرفت نامبرده نمیتوانست بکارهای خود برسد و . . ." (۱۰۷)
در فردای سخنرانی دکتر مصدق در مجلس روزنامه باختر امروز زیر
عنوان "نطق دیروز دکتر مصدق از روی آخرین جنایتکاریهای کمپانی پرده
برداشت." نوشت:

"نطق دیروز دکتر مصدق برای این بود که مردم ایران - تنها سرمایه
و تکیه‌گاه جبهه ملی - را بحقایقی که در پشت پرده میگردد واقف نماید و با
ملت رشید و مبارزی که تا سرحد فداکاری پیش رفته است جریان اوضاع را در
میان نهد.

اگر کمپانی موفق میشد بنام "فدائیان" یا غیر آنها سوءفصدی هم‌کند
اقتلا" موجبات تأخیر کار را فراهم می‌آورد و ایرانی از آفتنهائی که در تأخیر
همیشه پنهان است کاملا "واقف و با خبر است. . . دکتر مصدق در بهارستان
میماند و با این هیئت نظارت در تماس خواهد بود و بکارهای جاری نیز در
همانجا رسیدگی میکند.

اساسی‌ترین کار امروز ایران خاتمه دادن باین استعمار پنجاه ساله کمپانی داری است و او مثل مار زخمی روگردان نبود که آخرین "زهر" خود را بایران بریزد. پیشدستی دیروز نخست‌وزیر شرکت آبادان را از همیشه بیشتر رسوا کرد و بمردم دنیا نشان داد که ما هرگز با یک شرکت تجارتي سرو کار نداشته‌ایم بلکه یک لانه توطئه و آشیانه تحریک و کانون و فساد و ترورنیم قرن حیات سیاسی و اقتصادی ایران را کنترل کرده‌است. . . ." (۱۰۸)

و در همین روز اطلاعیهای از جانب رهبر "مجمع مسلمانان مجاهد" که از طرفداران آیت‌الله کاشانی بودند بقرار زیر منتشر شد (۱۰۹):

جناب آقای دکتر مصدق توجه فرمایند

افراد رشید و فداکار مجمع مسلمانان مجاهد که در مبارزه ملت مسلمان ایران علیه امپریالیست انگلستان برای ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور قهرمانانه مبارزه نمودند تصمیم گرفته‌اند که برای محافظت جنابعالی شب و روز در اختیار شما باشند تا یقین بدانید اگر خدای نکرده گلوله‌ای از طرف خائنین باسلام و ایران بطرف جنابعالی خالی شود این قهرمانان اسلام و ایران با سینه پاک و مردانه خود از شما برای نجات اسلام و ایران دفاع خواهند نمودلذا بنام اسلام و نجات ایران تقاضا میشود پیشنهاد مجاهدین را بپذیرید.

از طرف مجمع مسلمانان مجاهد

سید شمس‌الدین قنات آبادی

چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت ۳۰ آیت‌الله کاشانی برای دیدار دکتر مصدق که در مجلس متحصن شده بود بانجا رفت. به خبر مربوطه توجه فرمائید (۱۱۰):

عیادت آیت‌الله کاشانی از آقای نخست‌وزیر
دیروز ساعت ۱۵ آیت‌الله کاشانی در کاخ بهارستان از دکتر مصدق
عیادت کرده و مدت نیمساعت با ایشان بمذاکره مشغول بودند.

اینروزها "شاهرخ" و سیدضیاءالدین طباطبائی (توسط حاج ابراهیم
صرافان که تأمین کننده، امور مالی جمعیت "فدائیان اسلام" بود) و . . .
مشغول بکار بودند تا از احساسات مرحوم نواب صفوی، برای نابودی پیشوای
نهضت ملی سود جویند. در این باره به قسمت‌هایی از مندرجات روزنامه
"اصناف" که تا قبل از موضعگیری آقای نواب صفوی در مقابل دکتر مصدق
و آیت‌الله کاشانی در اختیار "فدائیان اسلام" بود و بیانیه‌های آنان را
بچاپ میرسانید، توجه نمائید:

"هیچکس نیست که بگوید من ایرانی هستم اما برای فداکاری امامی و
خلیل طهماسبی ارزشی قائل نمیشوم کلوله این مردان از جان گذشته بود که
کشتی شکسته ایران را از دامن آبهای جزیره بریتانیای کبیر دوباره بساحل
نجات کشاند و ایران را از مرگی حتمی نجات داد.

دست طهماسبی بود که مردم جزیره‌نشین را واداشت که شکست قطعی
و ابدی خود را بیخ گوش چرچیل‌های خوک‌صفت زمزمه کرد، غول مستعمره‌سازی
را با دلی خسته برای همیشه بدرقه کنند انگلیس مکار و آلوده فهمیده بود
که اگر این صداها پشت بهم قطع نشود شاهرگ حیاتی‌اش بریده شده
دژهای پرنده‌اش بدره‌های ژرف مرگ خواهند افتاد چاره نداشت جز اینکه
این نبرد "حق و اهریمن" موقوف کند و فدائیان اسلام را بدام انداخته و
آنان را در نظر مردم کج سلیقه و مزدور نشان دهد برای مردم لندن بهم‌زدن
این مبارزه شرافتمندانه اولین خشت بقا و پایداری محسوب میشد و بمنظور
اجرای چنین عقیده‌ای هیچ عاملی مؤثرتر از پسر کبیر ارباب کیخسرو سراغ

* بدلیل حفظ امانت، مجبور به آوردن این کلمه تحقیرآمیز شدیم.

نداشتند ، این مار عینکی و عروس هزار داماد و این تفاله ننگ و رسوائی که هنوز فریاد کثیفش را در و دیوار کاخ سعدآباد و قصرهای چند اشکوبه سلطنتی حفظ کرده تا بموقع جواب گوید مأمور شد بنام قبول کیش مسلمانی و ره یافتن بآئین محمدی چند روزی تن بقبول آدمیت داده پای بخانه‌نواب صفوی رهبر آنروز فدائیان اسلام بگذارد ، این نقشه خوب اجرا شد و چند روز بعد مثل موشی که با دانه تسبیحی بازی کند در کنار سجاده ، و خرقة رهبر سابق فدائیان قد علم کرد .

شاهرخی که بنا بود بیک ساعت ورود در محضر حامیان اسلام بدین مسلمانی گراید با وساطت چند نفر جاسوس دیوانه‌تر از خود برای همیشه دوست فدائیان و محرم راز آنها گردید سلام خالصانه میکرد و خود را حامی دین معرفی مینمود و باغفال مردم و الغاء شبهه افراد میپرداخت کراوات را از گردن خود باز کرده و با دانه‌های درشت تسبیحی که وقتی بهم میخورد خوب صدا میکرد رشته انس و الفت بست (چه مانعی دارد؟ مگر شاهرخ در اجرای دستور بیگانه و خیانت بملت از راسپوتین و ماتاهاری بی دست و پا تر است؟) اگر کسی این پسر هر جائی را نمیشناخت و ناپاکی‌اش را نمیگفتند همه خیال میکردند اگر شاهرخ که با نام مستعار (حسن) در محضر فدائیان عرض وجود میکرد فدائی‌تر از خلیل طهماسبی نباشد کمتر از سیدحسین امامی هم نخواهد بود .

مگر دولت بریتانیای کبیر و صاحب آبهای دور افتاده ایسلند از شاهرخ چه میخواست؟ آیا غیر از این آرزو داشت که طپانچه‌های ورندل و کارابین‌های کوتاه و سفری فدائیان اسلام نقشه‌های آخر طرفداران حسن بنا (حسن البنا) را در مصر بازی کند .؟

آنها میخواستند که شاهرخ مسلمان شده! دستهایی را که از آستین پاره برای گرفتن حق ملت بیرون میآید بسوی خود ملت بکشاند .
برای کسی که از پشت دستگاه رادیوی بیگانه و بفاصله هزاران کیلومتر

بملت خود توهین کرده و کشتی مراد را روی خون ابناء وطن رانده تا توانسته است جلب قلوب جنایتکاران لندن کند و برای موجودی که سالها به صلیب شکسته و پرچم خون گرفته آلمان آنهم در آغوش نازیها خندیده است خیلی سهل و آسان است پای فدائیان را که فقط مجری آمال و نظر ملت بوده‌اند یکباره به بیراهه کشانده و با تلقین باینکه مصدق و کاشانی و اقلیت و جبهه ملی و طرفداران آنها خواهان حکومت نظامی و در بند کردن رفقایشان هستند راه رسیدن با آزادی را با حمایت این دسته سد کرده و گلوله‌ای که باید مغز امثال شاهرخ را متلاشی کند بسوی شیشه صاف و دل شفاف مردم روا نماید، هر چند شاهرخ نقش خوبی نتوانست بازی کند اینجا دستگاه فرستنده نازیها و رادیوی آلمان نیست که بگوید و نشنود .

"اعلامیه‌ای که با شتاب و از روی جهالت بنام فدائیان اسلام و با دست شاهرخ منتشر گردید خوب نشان داد که این رهزن آدمیت چگونه توانسته است بفاصله کوتاهی از کنار شیشه‌های شراب بوسط قلب طرفداران دین و مذهب راه یابد مردمی که خیال میکردند این جمعیت حامی وطن و طرفدار مذهبند کسانی که دیده بودند فقط ایان بخدا و خدمت بخلق افراد این فرقه را از پای چوبه‌دار بخاک سرد گور میکشاند یکوقت چشم باز کردند که نواب صفوی با انتشار کاغذی به بهترین فرزندان این آب و خاک حمله کرده و خادم ملت را خائن شناخته است . همان گروهی که در پشت سر مصدق و کاشانی فریاد میکشیدند و مخالفین آنان را بزمین میزدند امروز بعضی از آنها میخواهند با دست شاهرخ دکتر مصدق‌ها را فدای گلوله کنند تا تاج سیادت انگلستان بتواند برای چند قرن دیگری بسر مردم این مملکت بدرخشد اینها هنوز متوجه نشده‌اند که آلت بلا! راده! این نامرد بی‌آئین و گبر شده‌اند . . ." (۱۱۱)

و در همین شماره زیر عنوان: " کدام دین درست است؟ اسلامی که ما میخواهیم یا " اسلامی " که خارجیها برای ما میخواهند؟ " با اشاره موعده

و وعیدهای سیدضیاءالدین به "فدائیان اسلام" نوشت:

"... آقای دکتر مصدق که اکنون وظیفه تاریخی بسیار مهمی را بعهدہ دارد اگر وقت خود را صرف اموری که بعد از برداشته شدن بزرگترین سنگ راه ترقی جامعہ ما هر لحظه ممکن است انجام گیرد نماید این عمل به نفع شرکت نفت تمام خواهد شد زیرا در گیرودار اختلافات داخلی موضوع اصلی از بین می‌رود. از قراری که شنیده‌ام آقا (*) قول داده است که بمجرد آمدن سرکار موضوع حجاب را "عسلی" نماید ولی امروز هر کس میدانند که مقصود این "آقا" از این ظاهرسازیها چیست.

کسی که با تظاهرات به دین اسلام پایه رژیم بیست ساله را بدستور انگلیسها ریخت تا با آن وضع خجلت‌آور از سر مادران و خواهران ما چادر بردارند اکنون وعده عمل کردن حجاب را میدهد ولی چه کسی است که پی بمقصود حقیقی این آقای "مسلمان" نبرد؟"

روزنامه "سیاست جهان" بجای اصناف در مورچه ۲۸ اردیبهشت ۳۰ مصاحبه‌ای با "جناب ثقة الاسلام آقا شیخ احمد مولائی" درباره "پاره‌ای از مسائل مصاحبه نمود که قسمتهائی از این مصاحبه در زیر نقل میشود:

"س - خواهشمندم بفرمائید که اگر کسی در این روزها با ایسان (آیت الله کاشانی) مخالفت کند چه صورتی دارد:

ج - من برای شما مضمون خبری را که از امام زمان سلام الله علیه وارد شده نقل می‌کنم تا موضوع برای شما روشن شود امام علیه السلام می‌فرماید کسانی که با ما مخالفت کرده‌اند و استخاصیکه با ما مخالفت میکنند مثل اینستکه با خدا مخالفت کردند و مخالفت کردن با خدا مساوی است با شریک قرار دادن کسی را برای خدا، این بود مضمون خبر شریف و من معتقدم در این روزها که ملت کهنسال ایران مبارزات خود را با کمپانی نفت جنوب ادامه

(*) : منظور از "آقا" سیدضیاءالدین میباشد

میدهد و این مبارزات دنیا را متوجه این کشور نموده و بمخاطره انداخته است و دولت انگلستان هم که هر روز منتظر است از کوچکترین انقلاب و اختلافی استفاده نماید اگر کسی با حضرت آیت‌الله کاشانی مخالفت کند مثل اینستکه محاربه یا امام زمان خود کرده است.

س: نظریه علماء و افکار مسلمین درباره آقای دکتر مصدق و اقلیت حبه ملی چیست؟

ج: همیشه در دنیا رسم بوده هر ملتی نسبت باشخاصیکه برای آزادی و رفاه ملت خود کوشش می‌کنند و در راه آسایش او از هیچگونه فداکاری دریغ ندارند چنین خدمتگزاری در نظر قوم و ملت خود محترم و معزز است پس چگونه می‌توان باور کرد که ملت مسلمان ایران با خدمتگزاری مثل دکتر مصدق و حبه ملی همکاری نکنند من معتقدم که تمام ملت ایران از دوست و دشمن همه و همه دکتر مصدق را مردی وطن‌خواه و مصلح جمعیت میدانند و یقین دارم اگر موانعی برای ایشان در کارهای مملکت رخ ندهد می‌تواند کشور ایران را که سالها است در زیر چنگال دشمنان بشر و خدا یعنی امپراطوری انگلستان می‌باشد و تمام منافع این کشور را به یغما میبرد و روزگار مردم را تیره و تار کرده نجاتی برای ملت خود فراهم سازد و بعون و قوه خداوند این کشور را همدوش ممالک مترقی جهان برساند من کسی را ندیده‌ام از عالم و جاهل از فقیر و غنی بلکه مردم سایر کشورها که عقائد آنها در روزنامه‌های ما منعکس می‌شود در وطنخواهی دکتر مصدق شک و تردید داشته باشد و اما راجع به حبه ملی من هم آنها را نمیشناسم و لیکن کسی را هم ندیدم که درباره آنها سخنی بگوید جز مخالفین آنها که بوی نفت از آنها استشمام می‌شود ولی نسبت به بعضی از آنها من عقیده دینی هم دارم و در وطنخواهی آنها برای من شکی نیست و چنانچه عرض کردم عموم مسلمانها نسبت بروش و مبارزات آنها خوشبین بلکه در همه حال با آنها هم صدا و همقدم بوده‌اند و علماء اعلام هم همیشه از مردمان وطن‌دوست و اصلاح‌طلب تقدیر و تقدیس

می نمایند .

س- اگر کسی در این روزها نسبت به یکی از افراد اقلیت و جبهه ملی قصد سوئی کند در این باره شما چه نظری دارید؟

ج: من تصور نمی‌کنم کسی امروز که ملت ایران مقدراتش معلوم نیست یکجا منتهی میشود اگر نسبت بیکی از افراد اقلیت و جبهه ملی خدای نخواستہ قصد سوئی واقع شود مملکت بمخاطره بزرگی گرفتار می‌شود و موجب از بین رفتن مسلمانها خواهد شد و اشخاصیکه مرتکب چنین عملی شوند از بزرگترین جنایتکاران دنیا محسوب میشوند . "

آقای مولائی پس از توضیحاتی پیرامون پیدایش فدائیان اسلام و آقای نواب صفوی و ارتباطشان با آیت‌الله کاشانی در پاسخ روزنامه فوق‌الذکرکه سؤال می‌کند چنین پاسخ می‌دهند ،

س: پس اگر فدائیان اسلام و یاران آیت‌الله کاشانی هستند چرا با ایشان مخالفت کردند .

ج: فدائیان اسلام و یاران آیت‌الله کاشانی با ایشان مخالفت نمی‌کنند لذا همینکه نواب صفوی روی بعضی اشتباهات آغاز مخالفت را گذاشت فدائیان اسلام و یاران آیت‌الله از طرف او پراکنده شدند و مواجهه با مخالفت شدید یاران آیت‌الله گردیدند .

س: نواب صفوی چرا با آیت‌الله کاشانی مخالفت کرد؟

ج: او روی بعضی موهومات که بایشان تلقین شده و عاری از حقیقت بوده نسبت برقراری حکومت نظامی و زندانی شدن چند نفری از فدائیان آ اسلام را بایشان میدهد . "

۵ مصاحبه فوق باتوضیح آقای مولائی پیرامون کوشش آیت‌الله کاشانی برای
۵ آزادی فدائیان اسلام از زندان و کارشکنی عوامل وابسته به انگلیس در
۶ شهربانی ، آگاهی و دادگستری از آزادی آنان برای دامن زدن به اختلافات
پایان میابد .

آقای نواب صفوی یکشنبه شب ساعت ۲۱ توسط پاسبانی که او را شناخته بود دستگیر میگردد. (۱۱۲)

روزنامه اطلاعات نوشت: . . . پس از بازرسی بدنی (از نواب صفوی) یک سلسله مدارک که حاکی از سوء قصد متارالیه و همدستانش نسبت بآیت الله کاشانی و آقای دکتر مصدق رئیس دولت بوده کشف و در بازجویی نیز علنا " کلیات قضایا را معترف و نسبت بدولت حاضر بدین و مدعی است که اینها منحرف شده اند. " (۱۱۲)

در روزنامه اطلاعات مورخه ۱۵ خرداد ۳۰ نامه ای از " فدائیان اسلام " بچاپ رسید که در این نامه راجع باشتباهات مطالب چاپ شده در مورد آقای نواب صفوی توضیحاتی داده شده بود.

روزنامه " داد " متعلق به آقای ابوالحسن عمیدی نوری که در طول دوران حکومت دکتر مصدق لحظه ای از مخالفت با دولت وی دست برنداشت و روزنامه خود را به تریبون دفاع از دربار و مخالفین حکومت مصدق تبدیل نموده بود و پس از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد ۳۲ بمقام معاونت سرلشگر زاهدی رسید در تاریخ ۱۵ خرداد ۳۰، اعلامیهای از جانب " فدائیان اسلام " منتشر نمود که در قسمتی از آن چنین آمده است:

" . . . بخدا قسم که ما فرزندان اسلام از امروز دست به انجام وظیفه خود زده و برای آزادی رهبر و دیگر برادران خود و از بین بردن غاصبین حکومت اسلامی تا ریختن آخرین قطره خون خود مضایقه نخواهیم کرد. "

دومین قسمت از تشنج و حادثه آفرینی و توطئه علیه نهضت ضد استعماری ملت ایران را که هدفش از میان برداشتن دکتر مصدق بود در اینجا بپایان میرسانیم.

● بخش سوم

● حادثه خونین ۲۳ تیر ۱۳۳۰

حادثه خومین ۲۳ تیر ۱۳۳۰

پس از اینکه دربار و اربابانش در اجراء توطئه ترور دکتر مصدق - همانگونه که در بخش قبل عنوان شد - موفق نگردیدند، دست به توطئه دیگری برای سقوط دولت ملی و ضداستعماری دکتر محمد مصدق زدند. توطئه اخیر عبارت بود از کشنار ۲۳ تیر ۳۰ که حزب توده قیلا "زمینه" آن را فراهم آورده بود.

حربان از این قرار بود که "جمعیت ملی مبارزه با شرکتهای استعماری نفت در ایران" وابسته حزب توده، مردم را برای بزرگداشت شهدای ۲۳ تیر ۱۳۲۵ خوزستان شرکت در تظاهرات دعوت نمود. و چون تظاهرات "دوچرخهسواران صلح دوست" * که از جانب "جمعیت هواداران صلح" وابسته حزب توده در روز ۱۴ تیر ۳۰ مورد حمله جاقوکشان مدعی "دفاع از حکومت ملی" قرار گرفته بود، در دعوتنامه برای تظاهرات ۲۳ تیر قید شده بود که اگر بار دیگر چنین حمله ناچوانمردانهای تکرار شود: "مشت محکم کارگران و جوانان و نفرت کلیه مردم شرافتمند تهران دهان یاوهگویان را در هم خواهد شکست و این روپهان را بر سر جای خود خواهد نشانید." (۱۱۴) از سوی دیگر شهربانی و ارتش که تحت فرمان مستقیم دربار بودند

(*) : شعارهای این تظاهرات عبارت بود از "اعدام ماک آریبر"،
 "اخراج مستشاران نظامی آمریکا"، "برسمیت ساختن جیس کمونیست"،
 "حمله به آمریکا بدلیل تسلیح آلمان و روس و . . ."

و همچنین چاقوکشان و عوامل گروه‌ها و دستجات وابسته به دربار و انگلیس خود را آماده ایفاء نقششان در این روز جهت ایجاد اوضاع متشنج ، و در پی آن سقوط دولت ، مینمودند .

در روز ۲۳ تیر اورل هریمن نماینده مخصوص رئیس‌جمهور آمریکا برای میانجیگری بین دولت ایران و شرکت نفت جنوب که مورد حمایت دولت انگلیس بود ، وارد ایران میگردد . روزنامه اطلاعات ورود هریمن به ایران را چنین گزارش میدهد :

" درست ساعت ۱۱ صبح امروز هواپیمای چهار موتوره (نیروی هوایی آمریکا) حامل مستر اورل هریمن مشاور مخصوص آقای ترومن رئیس‌جمهور آمریکا در فروردگاہ، مهرآباد بزمین نشست .

با آقای اورل هریمن خانم ایشان و آقای ویلیام رانتری رئیس اداره یونان و ترکیه و ایران در وزارت امور خارجه آمریکا و ولتر لوری کارشناس نفت که سابقاً " در اداره همکاری اقتصادی اروپا کار می‌کرده است همراه بودند . " (۱۱۵)

صبح همین روز رادیوی لندن خبر داده بود که " امروز بعد از ظهر در تهران حوادث خونینی روی خواهد داد . " (۱۱۶)

تظاهرکنندگان پس از اجتماع در میدان فردوسی در حدود ساعت ۶ شروع به حرکت دسته‌جمعی نموده و پس از گذشتن از سفارت انگلیس ، چهار راه اسلامبول ، بانک ملی ، خیابان سپه ، لاله‌زار ، اکباتان ، سعدی ، مخیر - الدوله ، شاه‌آباد به بهارستان میروند . در این محل زد و خوردهائی انجام و در نتیجه عده‌ای مقتول و عده‌ای نیز محروح میشوند . چون گزارش کامل " هیئت رسیدگی بحادثه ۲۳ تیر " را بعداً " نقل خواهیم کرد ، در اینجا بیش از این راجع به تظاهرات و زد و خوردها صحبت نکرده به نقل سایر وقایع میپردازیم .

روزنامهٔ اطلاعات ۲۴ تیر در مورد چگونگی اطلاع دولت از جریان ۲۳

تیر می نویسد :

"دیروز در ساعت شش و نیم بعد از ظهر هیئت دولت تشکیل جلسه داد و درباره امور کشور مذاکراتی میان آمد. از جمله قرار شد آقای هیئت وزیر دادگستری در جلسه خصوصی سنا که امروز صبح تشکیل خواهد یافت حضور یابد و توضیحات لازم را درباره مسائل مورد نظر آقایان سناتورها بدهد. مقارن ساعت $۷\frac{۱}{۴}$ بعد از ظهر با آقای سرلشگر زاهدی اطلاع داده شد که در میدان بهارستان در مقابل حزب زحمتکشان زد و خوردی روی داده و گفته شد عده‌ای بداخل حزب راه یافته و جماعتی مقتول و مجروح شده‌اند. آقای وزیر کشور دستور دادند که فوراً "قوای امدادی میدان بهارستان فرستاده شود ضمناً" از ورود بمحل حزب زحمتکشان ممانعت بعمل آید. آقای وزیر کشور جریان را با اطلاع ملت رسانید و مرتباً "بوسیله تلفن و بیسیم‌های شهربانی گزارش امر بهیئت دولت میرسید.

آقای دکتر مصدق نخست وزیر دستور داد که هیچ نوع اقدامی که موجب تحریک مردم باشد بعمل نیاید و خود آقای وزیر کشور را مأمور رسیدگی و تهیه گزارش فوری حادثه کردند چون بازگشت آقای وزیر کشور بطول انجامید و ایشان در شهربانی مشغول رسیدگی و مراقبت جریان بودند با آقای دکتر فاطمی معاون نخست وزیر مأموریت داده شد که گزارش وضع آن ساعت را با اطلاع هیئت وزیران برساند.

.

مرتباً "از نقاط مختلف با آقای نخست وزیر و آقایان وزیران که تا مقارن نیم بعد از نصف شب در منزل آقای دکتر مصدق ماندند اخباری که در افواه شایع بود میرسید درهمه این اخبار اظهار وحشت و نگرانی از امنیت شهر می شد.

درباره حوادث دیروز (۲۳ تیر) تهران سخنگوی دولت (دکتر سید حسین فاطمی) در جواب پرسش مخبرین داخلی و خارجی اظهار داشت که

"بدون تردید عوامل شرکت سابق نفت در جریان زدوخورد دیروز توانستند عناصر افراطی را آلت مقاصد پلید خود قرار دهند و بهترین دلیل برای اثبات مطلب این است که بقرار معلوم رادیو لندن دیروز صبح از حدوث حوادث خونین عصرتهران خبرهایی منتشر کرده علاوه تبلیغات کمپانی نفت که مدتهاست در دنیا از هرج و مرج و آشوب ایران غوغائی بپا نموده و خوشختانه در جبههٔ وحدت آهنین ملت ایران نتوانسته است کوچکترین رخنه و خللی وارد آورد دیروز که مستر هاریمن نماینده رئیس‌جمهوری آمریکا بتهران وارد شد میخواست نمونه‌ای از تبلیغات چند ماهه خود را بمرحله اجرا و آزمایش در آورده باشد."

رهبری حزب توده بدنبال "حادثه ۲۳ تیر" نوشت:

"دولت ضد ملی دکتر مصدق در راه ملت‌کشی، فاشیسم، دوررگویی و اطاعت از سیاست استعماری آمریکا کام نهاده است. - روز بروز عمق توطئه بزرگی که دولت دکتر مصدق با الهام از منابع امپریالیستی بر ضد منافع ملت ایران چیده است آشکارتر میشود. . . . دکتر مصدق برای اینکه محیط را آماده برای مذاکره، تسلیم‌آمیز و چاکرانه با نمایندهٔ استعمار آمریکا سازد، لازم دانسته است ملت را بگلوله به‌بندد و ریختن خون شایسته‌ترین فرزندان استقلال دوست ملت را ضامن سیاست نوکری خود نزد نمایندهٔ امپریالیسم آمریکا قرار دهد. . . . راه دولت دکتر مصدق راه ملت‌کشی راه توسل به عظایات فاشیستی راه دروغ پراکنی، گوبلس منشی، راه بند و بست با امپریالیسم آمریکا و انگلیس و راه فدا کردن منافع ملت ایران در مورد نفت است. . . ." (۱۱۷)

و در جایی دیگر چنین نوشت:

"دکتر مصدق با کشتار ۲۳ تیر" میخواست نوکری و اطاعت خود را نسبت به امپریالیسم آمریکا اثبات نماید و نشان دهد که او داوطلبانه حاضر است ملت را کشتار کند تا مورد پشتیبانی ترومن قرار گیرد. " (۱۱۸)



نمونه‌ای از تبلیغات و تحریرات ضد مصدق روزنامه‌ها و پوسترها به جز به توده

دو روز پس از "حادثه ۲۳ تیر" نمایندگان مرتجع و درباری مجلس شورایی که سالها در مقابل کشتار و حبس آزادیخواهان توسط دربار و اربابانش مهر سکوت از لب نگشوده و لب با اعتراض باز نکرده بودند و پس از کودتای آمریکائی، ننگین ۲۸ مرداد ۳۲، بهنگامیکه فوج فرزندان غیور و مبارز ملت را به مسلخ می بردند یا در خیابانها و دانشگاهها و کارخانهها . . . برگبار گلوله می بستند، کوچکترین سخنی با اعتراض نگفتند، فریاد فغان از دیکتاتوری و هرج و مرج و آدمکشی با آسمان برداشتند و اشک تماشای برای کشته شدگان و مجروحین ۲۳ تیر ریختند، در زیر قسمتی از بیانات حضرات را در جلسه ۲۵ تیر ۱۳۳۰ مجلس شورایی نقل میکنیم:

"آقای صفائی اظهار کرد: بربروز اتفاقی در تهران افتاد که تا بحال سابقه ندارد آقایان تاکنون سابقه نداشت که بروی مردم گلوله خالی کنند (نریمان: صحیح نیست)

رئیس (سردار فاخر حکمت): آقای جمال امامی پیشنهاد کرده اند امروز نطق قبل از دستور نشود و بجای آن دولت توضیحات لازم را دربارهٔ واقعه بربروز بدهد.

آقای جمال امامی گفت:

بنده ایرادی بماهیت امر ندارم که چرا دولت دستور داده است تیراندازی شود و عدهای مقتول شوند (صفائی - ما ایراد داریم آقا) بنده از زبان شما عرض نکردم من نه تنها ایراد ندارم بلکه آنرا تأیید هم می کنم و حتی اگر از این شدیدتر هم عمل کنند در موارد خاصی من حرفی ندارم ولی بطور عمل ایراد دارم من هشت سال است میگویم که میکرب احانب در این مملکت ریشه داونده و تا ما آنرا قطع نکنیم نباید آرام بنشینیم .

من بدولت ایراد دارم که چرا جلوی اینها را نگرفتند . جرمی گذاشتند میتینگ بدهند و کانون درست کنند و جوانهای ما را فریب بدهند ؟ چرا دولت قبل از بربروز اعلام نکرد که اگر بیرون بیائید من شلیک میکنم دولت

که میدانست اینها با اسلحه بیرون می‌آیند، چرا دولت اعلام نکرد من جلوگیری می‌کنم.

اگر دولت آنرا اعلان میکرد جوانهای اغفال شده مردم گلوله نمی‌خوردند و مردم دخترهای خود را بیرون نمی‌فرستادند تا آنها را بگلوله بیندند (نریمان - اینطور نیست آقا)

آقای نریمان آنروزیکه یکصدم اینرا نکرده بودند شما پشت این تریبون بدولت وقت شدیداً " حمله کردید حالا نند من غریبم در آورده‌اید چون دولت، دولت شماست و حالا از آن دفاع میکنید.

دولت باید بیاید و بگوید چرا اعلان نکرد که اینها نیایند بیرون.

من ایرادم بدولت این است که این شبیه صحنه‌سازی "

آقای عماد تربتی: سر دولتمداری همین است که دولت وقایع را پیش‌بینی کند. این واقعه‌ایکه در تاریخ مرکزیت ایران کاملاً " بی‌نظیر است مسئله‌ایست که کاملاً " قابل پیش‌بینی بود. روزنامه‌ها نوشتند که چوب و چماق‌ها همدارند تهیه میشود و برای روز ۲۳ تیر آماده میگردد ولی دولت باین تذکرات توجه نکرد و اگر توجه شده بود احزابی که طرفدار دولت هستند بصره یک پیغام آقای نخست‌وزیر متفرق میشوند و هرگز این واقعه خونین رح نمیداد و بچه‌های بینوا لگدمال نمیشدند و زنان تماشاچی تیر نمی‌خوردند.

این حادثه ثابت می‌کند که در مملکت هرج و مرج است و دولت قدرت ندارد جلوگیری از اغتشاش کند.

و آقای عبدالقدیر آزاد گفت:

راجع بحوادث روز یکشنبه بنده میخواهم مختصری بعرض آقایان برسانم و خاطر نشان کنم که وضع کشور فوق‌العاده مغشوش و هرج و مرج است و اگر آقایان نمایندگان علاج فوری ننمایند ممکن است اوضاع وخیم‌تر شود. " (۱۱۹)

فردای ۲۳ تیر روزنامه باختر امروز با نوشتن سرمقاله‌ای تحت عنوان "آیا حادثه خونین دیروز آخرین نمونه تحریکات شرکت انگلیسی نفت بود؟" پرده از چهره کریه دست‌اندرکاران این حادثه برداشت. (۱۲۰)

رهبر نهضت ملی ایران با آگاهی از نقش سرلشگر بقائی رئیس شهربانی منتخب شاه در این حادثه، روز ۲۷ تیر ۱۳۳۰ او را از ریاست شهربانی کل کشور برکنار و ابلاغ زیر را خطاب به وی صادر نمود: (۱۲۱)

آقای سرلشگر بقائی، نظر باینکه در چند روزه ریاست شهربانی خود نتوانستید خدمات محوله را در حفظ انتظامات چنانچه جامعه انتظار آنرا داشت انجام دهید از این تاریخ از ریاست شهربانی برکنار میشوید تا انتخاب رئیس جدید جناب آقای وزیر کشور تصدی این مقام را نیز خود بعهده خواهد داشت.

نخست‌وزیر - دکتر مصدق

در جلسه مجلس شورایی ۲۷ تیر ۳۰ آقای حائری زاده گفت:

" صبح دوشنبه ۲۴ آقای دکتر مصدق من را دعوت فرمودند پس از شرفیابی فرمودند که " بدستگاه انتظامی دستور داده شده بود که در اجتماعات نباید مزاحم باشد و حمله و شلیک کند. " (۱۲۲)

بدنبال برکناری سرلشگر بقائی رئیس شهربانی منتخب شاه توسط دکتر مصدق بعلت حوادث ۲۳ تیر و احاله جریان به دادگاه نظامی، روزنامه سخنگوی حزب توده نوشت:

" دکتر مصدق سعی میکند تا مسئولیت جنایات ۲۳ تیر تهران را با عوامفریبی‌های کهنه از گردن خود بردارد ولی امروز فجایع دولت دکتر مصدق مانند هیولای شومی همه نقاط ایران را فرا گرفته است. " (۱۲۳)

دربار در مقابل درخواست دکتر مصدق مبنی بر محاکمه سرلشگر بقائی در دادگاه نظامی، مقاومت میکرد. در همین رابطه وزیر جنگ که خود نیز

منتخب شاه بود - تا قیام ملی ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ وزیر جنگ از جانب شاه انتخاب میشد - در مورد دستور نخست وزیر چنین گفت:

"وزیر جنگ در مورد دستور نخست وزیر مبنی بر محاکمه سرلشگر بقائی رئیس سابق شهربانی در جلسه اخیر هیئت دولت توضیحات جامعی دادند. وزیر جنگ متذکر شدند که قبل از وقوع حادثه روز یکشنبه ۲۳ تیر ماه چند بار در همین باب در هیئت دولت مذاکره شد و وزیر کشور وارد در جریان امور بوده اند بعلاوه در روز مزبور خود وزیر کشور در دفتر کار رئیس شهربانی حضور داشتند و مشغول امر و نهی بودند بنابراین رئیس سابق شهربانی قصوری نورزیده مضافاً "باینکه طبق قانون دادرسی ارتش محاکمه امراء ارتش فقط با اجازه و دستور اعلیحضرت شاه عملی میشود و هیچ مقام دیگری نمیتواند دستور محاکمه افسران ارتش را بدهد." (۱۲۴)

در کشاکش مقابله دربار و دکتر مصدق بر سر محاکمه سرلشگر بقائی در دادگاه نظامی، روزنامه اطلاعات نوشت:

"در تعقیب دستور آقای نخست وزیر بوزارت جنگ برای محاکمه آقای سرلشگر بقائی رئیس سابق شهربانی، اینک بقرار اطلاعی که خبرنگار ماکسب نموده یک دادگاه نظامی تشکیل شده تا ترتیب محاکمه علنی ایشان داده شود.

ریاست این دادگاه را آقای سپهبد اوق اولی عهده دار بوده و آقای سرتیپ ظلی دادستان و آقایان سرتیپ شاهرخشاهی و سرهنگ منصور رحمانی، بازپرس و کمک بازپرس دادگاه میباشند.

آقایان سرلشگر وثوق و سرلشگر شاهین نوری و سرتیپ عضدی و سرتیپ پلاسید عضو و آقایان سرتیپ مصدقی و سرتیپ اعتصامیان اعضای علی البدل دادگاه خواهند بود." (۱۲۵)

و در تاریخ ۹ مرداد ۳۰ نوشت:

"... پرونده مربوطه بحادثه ۲۳ تیر از اداره آگاهی بدادرسی ارتش

فرستاده شده و مأمورین مربوطه مشغول مطالعه آن می‌باشد و دادگاه نظامی تشکیل یافته و در سه جلسه نیز پرونده مورد مطالعه قرار گرفته است ولی هنوز جریان امر در مرحله ابتدائی است و چون از طرف آقای نخست‌وزیر برای روشن شدن امر تأکید فراوان شده احتمال می‌رود بزودی از طرف دادگاه مزبور قرار لازم صادر گردد تا بموجب آن معلوم گردد آیا سرلشگر بقائی مقصراست یا نه و آیا دادگاه نظامی دادرسی ارتش صلاحیت محاکمه ایشان را دارد یا نه. بهر حال فعلاً " باید منتظر نتیجه تصمیم دادگاه دادرسی ارتش بود. " (۱۲۶)

بدنبال دادو فریادهای نمایندگان وابسته بدربار در مجلس شورایی ملی در حمله بدولت بعلت حادثه ۲۳ تیر سناتورهای مرتجع مجلس سنا نیز در جلسه علنی ۹ مرداد ۳۵ به حمله بدولت پرداخته و بنوبه خود برای کشته شدگان و مصدومین آن حادثه به "اشک افشانی" پرداخته و پاره‌ای نیز بدفاع از رئیس شهربانی پرداختند.

در این جلسه سخنگوی دولت آقای دکتر سیدحسین فاطمی نیز حضور داشتند و پاسخهایی به سخنان سناتورها دادند.

در زیر قسمتی از مذاکرات این جلسه را از روزنامه اطلاعات نقل میکنیم:

"آقای کمال هدایت اظهار کرد: . . . روز ۲۳ تیر در میدان بهارستان صد نفر کشته و پانصد نفر زخمی شدند و اشخاصی اکنون در این شهر هستند که نمیدانند کشتگان آنها کجا دفن شده‌اند و یک چنین امر خطیری در هر کجای دنیا اتفاق افتاده بود سراسر آن مملکت یک پارچه آتش میشد و انقلاب سراسر مملکت را میگرفت ولی در اینجا دولت ما همینطور ساکت نشسته و نگاه می‌کند.

در موقعیکه مجلس اول را بتوپ بستند من در همین جا بودم و بقدر ۲۳ تیر آنروز آدم کشته نشد آقای صادق در آنروز آنجا بودند و دیدند آن روزی که لیاخوف مجلس را بتوپ بست باندازه ۲۳ تیر آدم کشته نشد.

سکوت دولت ممکن است بطوری بضرر و زیان مملکت تمام شود که تمام کسانی که بسکوت گذرانیده‌اند روزی بمحاکمه دعوت شوند .
چطور میشود که در شهر تهران عده‌ای را قتل عام کنند ولی کسی حرف نزند .

من بنام اهالی تهران حرف خود را میزنم و می‌گویم که دولت غفلت کرده است با این که معتقدم مصدق‌السلطنه در عمر خود باین مملکت خدمت کرده ولی بطور صراحت می‌گویم که اطرافیان او باو خیانت کرده‌اند .
بروید و باین امر رسیدگی کنید و بدانید این حرفی را که من امروز میزنم در آینده انعکاس خواهد داشت برادران و خواهران من کشته شده‌اند در این شهری که چهارصد سال است اجداد من بخاک رفته‌اند چطور میشود من این وقایع را ببینم ولی این حرفها را نزنم و همینطور ساکت باشم ."
آقای دکتر فاطمی گفت : آقای روحی راجع بانتهاب رئیس شهربانی مطالبی فرمودند که آنرا بااطلاع رئیس دولت میرسانم ولی لازم است عرض کنم که خوشبختانه تا روزی که شهربانی رئیس نداشت اتفاقی نظیراتفاق بیست و سوم تیر نیافتاد ولی در همان چند روزی که شهربانی رئیس پیدا کرد آن واقعه با آن شرح و بسط که آقای کمال هدایت فرمودند ولی بآن صورت نبوده اتفاق افتاد : بهرحال این مسائل احتیاج بمطالعه عمیق دارد و دولت می‌خواهد با دقت یکنفر را که شایستگی این امر مهم را داشته باشد انتخاب کند زیرا رئیس شهربانی نه تنها مسئول حفظ انتظامات شهر تهران است بلکه مسئول حفظ قسمتی از انتظامات مملکت است که باید وظایف خود را در این باره بنحو احسن انجام دهد .

اما مطالبی را آقای کمال هدایت فرمودند که منکی بارقام و اعداد بود ولی ارقام و اطلاعاتی که در دست دولت است شاید بیکدهم این ارقاسی که آقای کمال هدایت فرمودند نمیرسد من تقاضا می‌کنم اگر این ارقام منکی به سند و مدارکی است ایشان آنها را یا در اختیار دولت بگذارند تا ما بتوانیم

از آنها استفاده کنیم و یا اینکه آنها را پشت تریبون مجلس بفرمایند تا وسیله‌ای برای تسهیل رسیدگی شود اگر مدارک تازه‌ای بدست آید که این ارقام صحیح باشد البته آنرا رسمی تلقی خواهیم کرد والا نمیتوانیم این اعداد و ارقامی را که فعلا در دست داریم رسمی تلقی نکنیم .

ولی در هر صورت اکنون در بیمارستانها بروی آقای هدایت باز است و خوبست تشریف ببرند و ببینند که الان هفده نفر در این بیمارستانها خوابیده‌اند و بین هفده نفر و ۵۰۰ نفر هم تفاوت زیاد است .

من با قبول مسئولیت عرض میکنم که تعداد کشته‌شدگان بهیچوجه صد نفر نیست و از پانزده یا شانزده نفر هم تجاوز نمیکند. تصدیق میفرمائید وقتی مملکتی متشنج است و در این مملکت امروز یک کار عمده در پیش است نباید گذاشت که این تشنج تا هر کجا که می‌خواهد برود .

البته دولت و شخص رئیس‌دولت یعنی آقای دکتر مصدق حتی از زخمی شدن یک نفر هم از افراد این مملکت متاثر است ولی البته وقتی تحریکاتی می‌کنند نمیتوان جلوی آنها گرفت .

آلان سه هیئت مشغول تحقیق در اطراف این واقعه هستند ، یکی از طرف قضات ، یکی از طرف مأمورین و یکی هم از طرف دادگاههای صالحه و البته هر کس که مقصر است باید مجازات شود زیرا ما معتقد نیستیم که با خون مردم بازی کرد ولی عقیده هم نداریم که با مصالح مملکت بازی نمود و وقتی پای مملکت در میان است باید تصدیق کرد که خون افراد ارزش ندارد . ما عین تحقیقات سه هیئت مأمور رسیدگی را بعرض آقایان خواهیم رساند و البته این رسیدگی باید دقیقاً " عملی بشود .

.....

آقای فرخ گفت : بنده نمیخواستم حرفی بزنم ولی حالا ناچارم عرض کنم که رئیس‌شهربانی هیچگونه مسئولیتی در این کار نداشته و تمام مسئولیت متوجه شخص وزیر کشور است و من حاضرم اینرا ثابت کنم

آقای دکتر فاطمی گفت: منمهم نمیخواهم این نکته را عرض کنم ولی ناچار شدم که بگویم بخشنامه‌های آقای سرلشگر بقائی در تاریخ ۲۰ تیر ماه خطاب بمامورین صادر کرده‌اند و در آن تصریح کرده‌اند که از امروز که من مسئولیت امور را در دست گرفته‌ام در مورد اجتماعات چنین باید بکنند و در سایر موارد چنان باید بکنند. البته هر وقت لازم شد من این گزارش را تقدیم خواهم کرد. " (۱۲۲)

روزنامه اطلاعات ۱۰ مرداد ۳۰ زیر عنوان " بر سر صلاحیت دادگاه نظامی برای رسیدگی پرونده آقای سرلشگر بقائی بین بازپرس و دادستان دادگاه مزبور اختلاف است " از جمله نوشت:

" . . . بقرار اطلاع بازپرس دادگاه (نظامی) برای رسیدگی به پرونده آقای سرلشگر قرار عدم صلاحیت صادر نمود ، ولی دادستان نظر ایشان را تأیید نکرده است و برای آنکه تکلیف پرونده روشن شود امروز صبح دادگاه حل اختلاف در دادرسی ارتش تشکیل گردید تا در صورتیکه رای و نظر بازپرس را تأیید کند پرونده بدادگستری ارجاع گردد و در غیر این صورت محاکمه آقای سرلشگر بقائی در دادگاه مزبور آغاز شود . "

همین روزنامه در تاریخ ۱۳ مرداد ۳۰ نوشت: " تمام پرونده‌های مربوط بحادثه ۲۳ تیر بدادگاه نظامی منتقل گردید " و " بازپرس دادگاه همه روزه مشغول تحقیق و بازجوئی است و تاکنون آقای سرلشگر بقائی رئیس سابق شهربانی و افراد متهم دیگر برای بازجوئی در دادگاه حضور یافته‌اند . " در این ایام علاوه بر دادگاه نظامی در دادرسی ارتش که بدستور نخست‌وزیر باتهامات سرلشگر بقائی رسیدگی مینمود ، هیئتی نیز از نمایندگان وزرات دادگستری تشکیل و در شهربانی کل کشور بیرونده ۲۳ تیر رسیدگی مینمود . ریاست این هیئت سه نفری بعهده آقایان حسین شهشانی مدیر کل ثبت بود و آقایان باقر وکیلی معاون دادستان دیوان کیفر و شمس‌الدین عالمی دادیار دادستان استان ۱ و ۲ اعضای هیئت مزبور را تشکیل



سه نمونه از برخورد های روزنامه "سوی آینده" وابسته بحزب توده به پهلوی نهضت ملی ایران داکتر محمد مصدق

میدادند (۱۲۸)

در ۲۶ مرداد ۳۰ گزارشی از چند تن از سناتورهای مجلس سنا دربارهٔ حادثه ۲۳ تیر در جرائد منجمله در روزنامه اطلاعات بچاپ رسید که بعلت نقص و یکطرفه بودن گزارش و از طرف دیگر عدم شرکت نمایندگان مجلس شورايملى در تهیه آن - بدلیل اینکه مسئول بررسی پرونده را، مقامات قضایی کشور میدانستند - مورد اعتراضاتی واقع شد که از جمله از اعتراض آقای کشاورز صدر (۱۲۹) و توضیحات آقای حائری زاده در این باره باید یاد کرد (۱۳۰)

در این روزها، روزنامه‌های درباری - نفتی مرتجع، "چپ" شده بودند و هم‌آوا با حزب توده و نشریاتش به دکتر مصدق می‌تاختند و درسوگ کشته‌شدگان و مصدومین حادثه ۲۳ تیر مرثیه خوانی میکردند.

بعنوان نمونه قسمتهائی از مندرجات دو روزنامه "طلوع" و "آتش" را بمناسبت چهلمین روز واقعه ۲۳ تیر در زیر می‌آوریم:

روزنامه "طلوع" مینویسد:

"بعدازظهر روز جمعه بنا بدعوتی که از طرف جمعیت ملی مبارزه با شرکتهای استعماری نفت در تهران بعمل آمده بود، میتینگ عظیم و باشکوهی در میدان فوزیه بعمل آمد.

دراین میتینگ دهها هزار نفر از طبقات مختلف تهران که در میان آنها استادان دانشگاه، دانشجویان پسر و دختر، هنرمندان، شعرا و نویسندگان و مدیران جراید و سایر طبقات شرکت کرده بودند بمناسبت چهلمین روز شهدای قتل عام ۲۳ تیر برگزار شد و عکس بزرگ کلیه شهداء در صفوف میتینگ دهندگان بنظر میرسید و چند نفری را که عکسشان در دسترس نبود، روی تابلوهائی که اطراف آنها روبان سیاه گرفته بودند، اسم شهید نوشته شده بود زنان و دختران عموماً "لباس سیاه در بر کرده و مردان به کت نوار سیاه دوخته بودند.

نطقهای پرشوری که در این میتینگ عظیم ایراد شد نموداری از حس تنفر عظیم ملت ایران نسبت به فاجعه ۲۳ تیر و عاملین رسوای آن که در رأس آن حکومت مصدق السلطنه قرار گرفته است بود.

وقتی که یک کودک بدر کشته نطق مختصری ایراد کرد موج حس و غضب انتقام سراسر میدان را فرا گرفت و جالبتر از همه این بود که آقای خاسع هنرمند مشهور و وزیده، تا تر ایران که در هنگام قرائت قطعنامه روز ۲۳ تیر هدف گلوله یک افسر شهربانی قرار گرفته و بشدت مجروح شده بود - با وجود سحتی جراحی دیروز بکمک دوستان در میتینگ حضور یافت و قطعنامه را در میان فریادهای پر شور و انبوه جمعیت قرائت کرد و مجدداً "به بیمارستان انتقال داده شد.

تظاهرات روز جمعه با نظم و ترتیب خاص و با ابهت و شکوه وصف - ناکردنی پایان رسید. " (۱۳۱)

خواننده در صورت عدم اطلاع از ماهیت و عملکرد روزنامه "طلوع" در دوران حکومت ملی دکتر مصدق، با مشاهده مطالبی مانند آنچه در فوق گذشت، تصور خواهد کرد که این روزنامه مرتجع و درباری و مدافع منافع شرکت نفت سابق، از روزنامه‌های "چی" میباشد. آنچنان که این تصور برای نویسنده، کتاب "روابط ایران و آمریکا در دهه پنجاه، (۱۹۵۰-۱۹۶۰) از انتشارات دهخدا، نوشته آقای جمشید صداقت کیش حاصل شده و نویسنده در صفحه ۴۱ درباره این روزنامه چنین مینویسد:

"روزنامه طلوع یکی از روزنامه‌های دست چپی دوره زمامداری مصدق بود و در حقیقت نظر حزب کمونیست را اعلام کرد."

لازم بتذکر است که "طلوع" اعلامیه‌ها و بیانیه‌های جمعیت "فدائیان اسلام" را نیز منتشر و از مدافعین این جمعیت در برابر حکومت ملی بود. روزنامه "آتش" از دوقلوی خود "طلوع" عقب نیفتاد و پس از درج خبر تظاهرات مراسم چهارم حادثه ۲۳ تیر درباره نطقها و خطابه‌های دکتر

مصدق نوشت:

"اینها" حرف "است و مردم از حرف خسته شده‌اند و مردم بیچاره شده‌اند و مردم هیولای وحشت‌انگیز هرج و مرج را در قلب زندگی خود بچشم می‌بینند و مردم شاهد عملیات عناصر دزد و بدسلیقه‌ئی که دور تختخواب شما طواف میکنند هستند و کارد باستخوان آنها رسیده است و می‌خواهند و بشدت هم می‌خواهند و اصرار دارند بدانند دولت شما چه‌کاره است و چند مرده حلاج است، و اگر باز هم برویه مبتذل صدور اعلامیه و سخن‌پراکنی در رادیو و لجن‌مالی کردن منقدین و مخالفین سیاسی و استعمال حربه ننگین و کثیف‌تهمت و افترا متوسل شوید و با "هو" و جنجال بخواهید مردم را سرگرم کنید، مردم از شما نخواهند پذیرفت. . . ." (۱۳۲)

۱۲ شهریور ۳۰ هیئتی مرکب از آقایان: شهشانی مدیرکل ثبت، باقر وکیلی معاون دیوان کیفر و شمس‌الدین عالمی دادیار دادسرای استان ۱ و ۲ از جانب آقای هیئت وزیر دادگستری کار بررسی حادثه ۲۳ تیر را از تاریخ پنجم مرداد ۳۰ شروع نموده این هیئت همه روزه از ساعت ۷ و نیم صبح تا ۷ یا ۸ بعدازظهر در اطاق کتابخانه اداره شهربانی تشکیل جلسه داده و مشغول تحقیق و بازجوئی از اشخاص مورد نظر از کارگر و پاسبان گرفته تا رئیس شهربانی و وزیر کشور وقت بود. سرانجام پس از ۳۷ روز تحقیق و مطالعه در آخرین روز ساعت اداری امروز نتیجه مطالعات پرونده بازجوئی حادثه ۲۳ تیر که اوراق آن بالغ بر هزار برگ میباشد بپایان برده و گزارشی در بانزده شانزده ورق تهیه و در پاکتی لاک و مهر شده با آقای دکتر سمعی کفیل وزارت دادگستری که ضمناً "ریاست بازرسی کل کشور را نیز عهده‌دار هستند تسلیم گردید. (۱۳۳)

در پی تسلیم گزارش بررسی حادثه ۲۳ تیر به کفیل وزارت دادگستری، ایشان گزارش مزبور را در اختیار مطبوعات قرار داد که متن آن را در زیر ملاحظه مینمائید:

متن گزارش هیئت رسیدگی

ریاست معظم بازرسی کل کشور

بر حسب ابلاغ شماره ۳۵۹۰/۵/۵ هیئت بازرسی کشور مأمور گردید دربارهٔ امور ذیل رسیدگی و نظریه خود را اعلام دارد .

۱- افسران شهربانی و مأمورین ذی ربط تا چه حد اطلاعات قبلی از کیفیت و قصد نمایش دهندگان داشته و چه تدابیر احتیاطی برای جلوگیری از حدوث فجایع محتمله و اختلال امنیت اتخاذ نموده و از لحاظ این وظیفه قصور یا تقصیری شده است یا نه .

۲- هنگام حدوث واقعه مأمورین شهربانی وسائل ممکنه را بدون استعمال اسلحه برای حفظ نظم بکار برده‌اند و بالاخره ناچار از استعمال سلاح شده‌اند یا نه .

۳- مسببین حقیقی از کدام دسته و جمعیت بوده‌اند .

در تاریخ ۳۰/۵/۵ هیئت بازرسی در اداره شهربانی حاضر و پرونده های مربوطه مطالعه گردید و از تاریخ ۳۰/۵/۸ مندرجا پرونده‌ها و سوابق امر طبق فهرست زیر بنظر هیئت رسیده است .

۱- نامه شماره ۱۹۱۷۰-۱-۳۰/۵/۸ اداره آگاهی بضمیمه رونوشت گزارشی حاکی از کلیه اطلاعات قبلی اداره کار آگاهی (از صفحه ۳ تا ۱۱)
۲- پرونده اداره کار آگاهی که بدادرسی ارتش ارسال شده و پس از ملاحظه هیئت از کلیه مدارک آن رونوشت تهیه و در پرونده بایگانی است (از صفحه ۱۲ تا ۸۱)

۳- پرونده پلیس انتظامی (از صفحه ۸۳ تا ۹۸) حاکی از اعلام اطلاعات قبلی شهربانی و تصمیمات متخذه برای جلوگیری از وقایع احتمالی است .

۴- پرونده متمم پلیس انتظامی متضمن گزارش کلانتری‌ها از صفحه ۹۸

تا ۱۳۷۰.

۵- پرونده اداره آگاهی که در اختیار بازپرس دادسرای تهران بوده و اخیراً بدادرسی ارتش ارسال گردیده است خلاصه آن از صفحه ۱۳۸ تا ۱۵۴ ضمیمه پرونده است.

پس از بررسی و مذاقه پرونده‌های مزبور مبادرت باخذ توضیحات و کسب اطلاع از اشخاص زیر گردیده است.

۱- مامورین اداره کارآگاهی که در محل وقوع حادثه حاضر و ناظر بوده‌اند.

۲- افسران و افراد پلیس انتظامی که در محل وقوع حادثه حضور داشته‌اند.

۳- تیمسار عظیمی فرمانده دژبانی مرکز و افسران و افراد نظامی که در مجلس متمرکز بوده و یا بعداً " وارد عمل شده‌اند.

۴- چون عده‌ای از آقایان سناتورها و نمایندگان مجلس شورای ملی مدتی قبل از اشتغال هیئت بازرسی برای رسیدگی بواقعه ۲۳ تیر نیز تعیین شده بودند بمنظور استفاده از اطلاعات آقایان مذکور نیز بوسیله هیئت بازرسی اقدامات قانونی معمول گردید.

۵- عده‌ای از مدیران و مخبرین جرایم.

۶- کلیه افرادی که مستقیماً مراجعه و اطلاعات خود را در دسترس هیئت گذارده و یا بنحوی از انحاء کسب اطلاع از آنها لازم به نظر رسیده است.

در ضمن رسیدگی پرونده‌های زیر نیز مورد بررسی قرار گرفته است:

۱- پرونده میتینگ اول ماه مه سال ۱۹۵۱

۲- پرونده میتینگ هفتم خرداد ماه ۱۳۳۰

۳- پرونده مربوط به منازعه هواداران صلح و ساکنین اطراف میدان

امین‌السلطان.

۴ - پرونده‌های نزاع حسن عرب و افراد منتسب به واداران صلح در

تاریخ ۱۷ و ۳۰/۴/۲۱

۵ - قسمتی از پرونده مربوط به سرقت اسلحه و توزیع آن برای ایجاد اغتشاش که در دادرسی ارتش مورد رسیدگی و تعقیب میباشد.

۶ - اوراق توقیف شده از خانه صلح که در مخزن اداره کل شهربانی موجود بود ملاحظه باضافه تحقیقاتی از اشخاص ذی‌ربط در کارخانه‌های سیمان و چیت‌سازی و بیمارستان شهربانی بعمل آمده است.

اطلاعات قبلی مامورین شهربانی

۱ - در تاریخ ۳۰/۴/۱۰ یکی از مامورین کارآگاهی اطلاع میدهد که اعضاء منتسب بحزب منحل توده و مدیران جرائد منتسب بشرکت سابق نفت و افرادی از (جمعیت ملی مبارزه با شرکتهای استعماری نفت) و هوا-داران صلح جلسه تشکیل که اسناد مکشوفه از شرکت نفت را مجعول قلمداد و نمایندگان دادگاه بین‌المللی را بایران برای رسیدگی بخواهند و باین منظور متینگ سیاری برای ایجاد اغتشاش و خونریزی نیز ترتیب دهند مسیر متینگ میدان فردوسی ، خیابان ناصر خسرو ، خیابان بوذرجمهری ، سیروس ، سرچشمه ، میدان بهارستان اعلام شده است دستور تحقیق در اطراف گزارش بمنظور تعیین تاریخ متینگ صادر گردیده است .

۲ - در ۳۰/۴/۱۶ تاریخ متینگ مذکور روز یکشنبه ۳۰/۴/۲۳ ساعت

۵ بعدازظهر اعلام شده است .

۳ - اطلاعیه دیگری در تاریخ مزبور مبنی بر اینکه توده‌های ها در صد تهبه متینگ بزرگ برای روز ۳۰/۴/۲۳ در تهران میباشد از ناحیه ستاد ارتش واصل گردید .

در ذیل این گزارش رئیس کارآگاهی نوشته اطلاع میرسد ممکن است عده‌ای از توده‌ایها برای روز مزبور اسلحه همراه بردارند فوراً مراتب را

با اطلاع سر کلانتری برسانند که برای روز ۲۳ تیر مقدمات کار را فراهم کنند و باشکال برنخورد.

۴- در تاریخ ۳۰/۴/۱۹ مأمورین گزارش میدهند که در ساعت ۲۱ روز ۳۰/۴/۱۸ جلسه ایالتی حزب منحل توده در منزل سپهری تشکیل و محمد علی شریفی راجع به اهمیت میتینگ ۳۰/۴/۲۳ سخنرانی و اظهار داشته باید نسبت بحملات روز جمعه طرفداران دکتر مصدق و دکتر بقائی عکس - العملی نشان داده و نسبت بامور مادی و مالی میتینگ تصمیماتی اتخاذ و ضمناً بنا شد که ششصد نفر از کارگران چیت سازی و سیمان بعنوان مأمورین انتظامات مسلح شده و در جلو و وسط و عقب جمعیت شرکت نمایند و علاوه دو بیست نفر از کارگران راه آهن مجهز در پیاده رو و بین تماشاچیان خواهند بود تا در موقع لازم با مأمورین انتظامی کمک نمایند.

سیصد نفر مأموریت دارند هرگاه زد و خوردی شروع شد به چایخانه شاهد و زحمت کشان و روزنامه سیاسی کی به کیه حمله نمایند.

۵- گزارش ۳۰/۴/۱۹ حاکمیت چون در تظاهرات ۳۰/۴/۷ هواداران صلح اعضاء جبهه ملی علیه آنان اقدام و مخالفت هائی نموده اند میتینگ - دهندگان در صد دند که در تظاهرات ۳۰/۴/۲۳ در هر محلی که از اعضاء طرفداران جبهه مزبور کسانی را دیدند به وسیله که باشد زد و خوردی ایجاد و آنان را مضراب نمایند.

۶- در تاریخ ۳۰/۴/۱۶ گزارش رسیده که فدائیان اسلام و جمعیت مجاهدین در نظر دارند مبادرت باختلال میتینگ ۲۳ تیر نمایند.

۷- گزارش ۳۰/۴/۲۰ دلالت دارد که ۲۶۰۰۰ نشان برای جمعیت هواداران صلح بهید شده و ۱۸۰۰۰ هزار تومان وجه برای این منظور تخصیص داده شده که در مرکز و شهرستانها اعضاء جمعیت به سینه خود در روز ۲۳ تیر نصب نمایند.

۸- گزارش ۳۰/۴/۲۰ حاکی است که در ساعت ۱۸ روز ۳۰/۴/۱۶

جلسه‌های تشکیل و نامه‌های بعنوان نخست‌وزیر تنظیم که آقایان مصطفی لنگرانی و پرتو علوی بنخست‌وزیری تسلیم نمایند .

۹ - گزارش مورخ ۳۰/۴/۲۱ حاکی است که در منزل آقای صبحی جلسه تشکیل و مذاکراتی بعمل آمده است .

۱۰ - ضمن نامه شماره ۴۶۲ ۳۰/۴/۲۰ آقای نامور دبیر جمعیت ملی مبارزه با شرکت استعماری نفت اعلام نموده که روز ۲۳ تیر متینگ داده خواهد شد و ممکن است مانند روز جمعه ۱۴ تیر مورد حمله واقع شوند .

۱۱ - در تاریخ ۳۰/۴/۲۲ ماموری گزارش داده که دو چرخه‌سوارانی که روز یکشنبه در شهر گردش می‌کرده‌اند حسن عرب را غافلگیر نموده و او را مضروب نموده‌اند عرب زاده (حسن عرب) سی نفر چاقوکش آماده کرده تا در متینگ ۲۳ تیر انتقامجویی نماید .

۱۲ - در روز ۱۳۳۰/۴/۲۲ اطلاع داده شد که ۵۰ نفر از افراد متینگ دهندگان مسلح بوده و دو بیست نفر از آنها مأمورند که چاپخانه شاهد و حزب زحمتکشان را بهم بریزند .

۱۳ - در روز ۳۰/۴/۲۳ گزارش رسیده عده از فدائیان اسلام و جمعیت مجاهدین قصد داشتند در متینگ ۲۳ تیر جمعیت هواداران صلح اخلاص کنند آقای آیه‌الله کاشانی دستور داده از هر اقدامی که ممکن است منجر باختلال نظم و آرامش گردد خودداری شود .

۱۴ - گزارش ۳۰/۴/۲۳ - حاکی است که نمایش دهندگان در مقابل کلبه سابق حزب توده تابلو حزب را نصب خواهند نمود .

۱۵ - در تاریخ ۲۳ تیر گزارش رسیده که حزب عدالت که تصمیم گرفته بود متینگ را بهم بزند از این خیال منصرف شده و هیچگونه تظاهری نخواهد کرد .

مقامات و مامورینی که اطلاعات

مربوطه اصولاً بآنها اعلام میگرددیده است

۱ - وزارت دربار شاهنشاهی

۲ - نخست‌وزیر که بنا باظهار رئیس اداره کارآگاهی و تحقیقاتی که بعمل آمده چند روز پس از تصدی جناب آقای دکتر مصدق طبق دستور معظم - له مقرر گردیده بتسلیم گزارش بوزیر کشور اکتفا شود .

۳ - وزیر کشور

۴ - رئیس اداره کل شهربانی

قسمتی از گزارشهای مزبور که محتاج باقدامات احتیاطی بوده به پلیس انتظامی نیز اعلام می شده است و باید توجه داشت که در مقدمه کلیه متینگها و دمونستراسیونها نظائر این قبیل اطلاعات بشهربانی رسیده ولی حادثهای رخ نداده است .

تدابیر احتیاطی

قسمتی از اطلاعات فوق‌الذکر در تاریخ ۳۰/۴/۲۲ و قسمت دیگری در تاریخ ۳۰/۴/۲۳ با اداره سرکلانتری و پلیس انتظامی اعلام گردیده ولی قسمت مذکور (سرکلانتری) علی‌الرسم قبل از وصول اطلاعات مذکوره بر - اساس تصمیمات احتیاطی متینک هفتم خرداد برنامه‌ای تنظیم نموده که از ساعت ۱۴ روز ۳۰/۴/۲۳ بموقع اجراء گذارده شده (برنامه مذکور متضمن چهارده ماده که حاکی از حدود وظائف مامورین انتظامی بوده و رونوشت آن پیوست گزارش گردیده است .)

طبق تحقیقاتیکه از تیمسار سرلشکربقائی تیمسار سرتیب ایروانی تیمسار سرتیب ارتا تیمسار سرتیب همایونفر آقای معزی آقای بهرامی بعمل آمده و

اطلاعی که از رئیس رکن ۲ ستاد ارتش سرهنگ پاکروان رسیده در تاریخ ۳۰/۴/۲۲ کمیسیونی مرکب از اشخاص فوق‌الذکر و رئیس کل ژاندارمری در شهربانی تشکیل و مذاکراتی در اطراف تدابیر احتیاطی بدون تنظیم صورت مجلس بعمل آمده که بطور کلی نتیجه تحقیقات انجام یافته از اعضاء کمیسیون مذکور این است که نسبت بخصوصیات برنامه از طرف آنها امعان نظری نشده است.

جریان واقعه

از ساعت ۱۶ روز ۲۳ تیر ماه افراد (جمعیت مبارزه با شرکت‌های استعماری نفت در ایران) تدریجا در میدان فردوسی اجتماع و در ساعت ۱۷/۵ با در دست داشتن شعارهای مختلف بترتیب زیر طبق عکس‌های شماره ۱ الی ۱۵ ضمیمه گزارش به حرکت در آمدند.

۱ - در راس جمعیت پرچمداران و افراد نظامی جمعیت.

۲ - عده‌ای از هیئت مدیره جمعیت

۳ - بانوان و دوشیزگان وابسته بجمعیت

۴ - کامیون حامل ماکت (دکل) نفت و بلندگو که تعدادی از افراد کادر انتظامی نیز طرفین آنرا گرفته و در اطراف قسمتهای فوق‌الذکر افراد انتظامی نیز حضور داشته و بعلاوه عده‌ای دست‌بندست یکدیگر داده و آنها را از طرفین و عقب محصور نموده بودند.

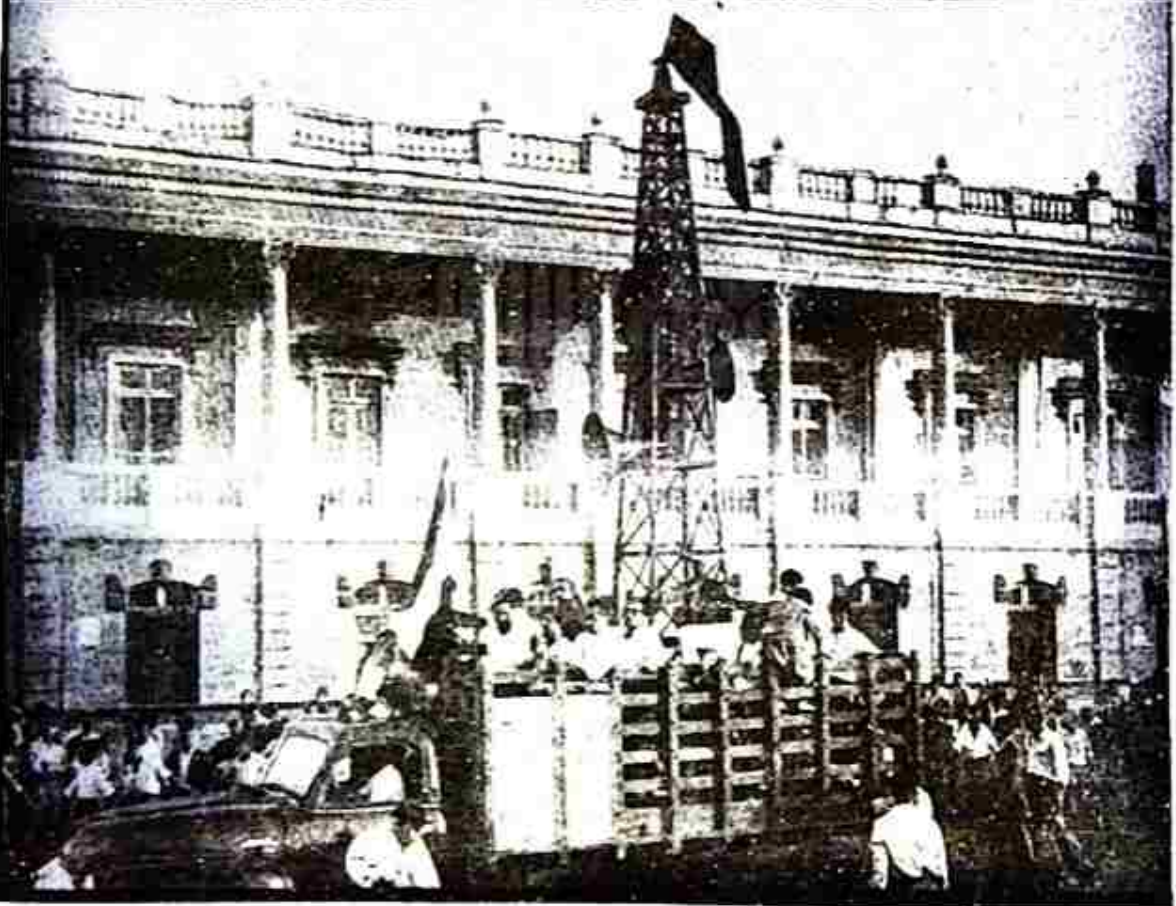
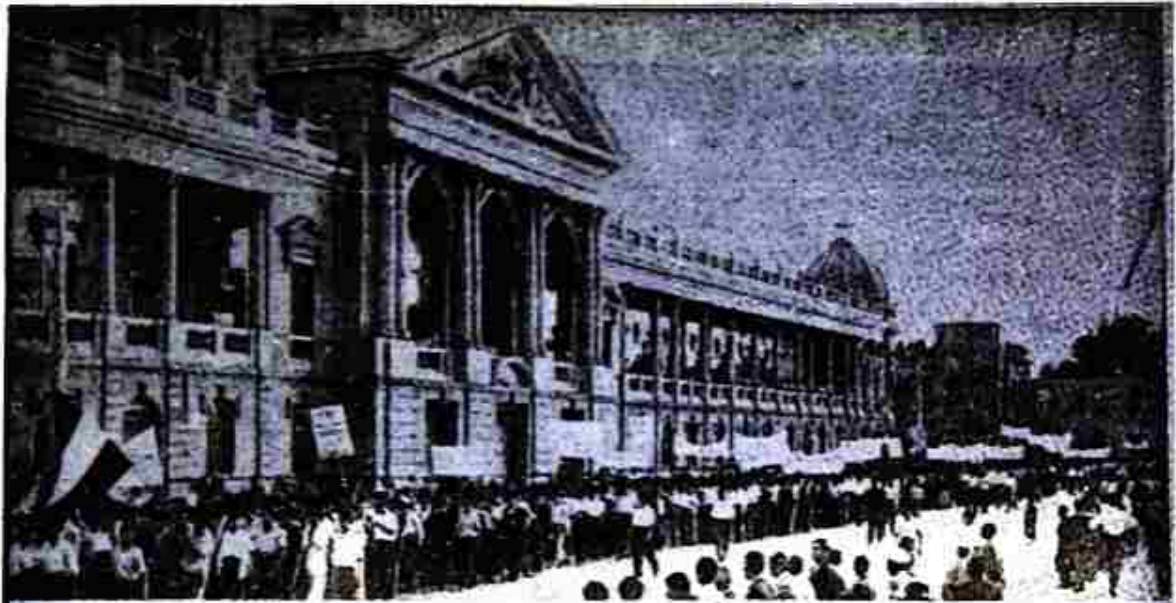
۵ - سندیکاها و افراد کارگران وابسته بجمعیت مزبور

جمعیت پس از بيمودن قسمتی از خیابان فردوسی در ساعت ۱۷ و ۴۵ دقیقه مقابل سفارت انگلیس (عکس شماره ۱۱) رسیده و پس از دادن شعارهایی بحرکت خود ادامه و در ساعت ۱۸ به چهارراه فردوسی و ۱۸/۳۵ دقیقه وارد میدان توپخانه شدند پس از طی خیابان سعدی در ساعت ۱۹ میدان مخبرالدوله رسیده و بطرف شاه‌آباد حرکت نمودند طبق اطلاع عده‌ای بلندگوهای مربوط باحزاب جنبه کار و ایران شعارهایی در زمینه

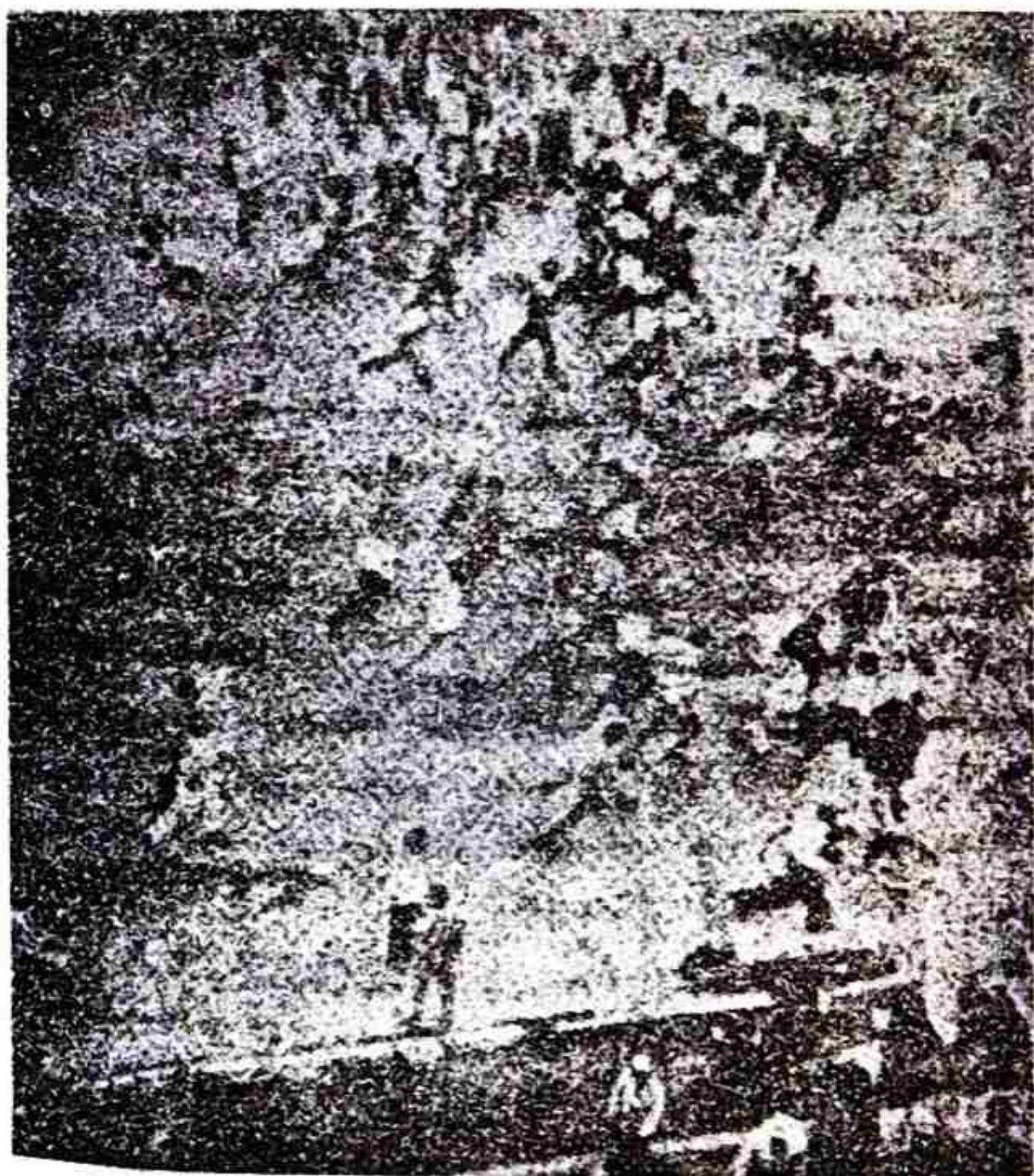
طرفداری از دولت میدادند که با ورود متینگ‌دهندگان قطع گردیده در حدود ساعت ۱۹ و ۱۵ دقیقه مامورین انتظامی سرهنگ پور تیمور - معاون اداره سر کلانتری - سرهنگ رستگار رئیس اداره - سرکلانتری - سرهنگ رسائی - ستوان یک افشار - ستوان یک باقرزاده - سروان افشار - ستوان یک گلستانه و شش‌کامیون افراد پاسبان که در پیشاپیش جمعیت حرکت مینمودند بمیدان بهارستان رسیدند و قبلاً نیز سرهنگ پور تیمور کلانتر ۱۴ و سی نفر پاسبان در مقابل حزب زحمتکشان و سرهنگ دادخواه کلانتر ۴ و سی نفر پاسبان در مقابل کوجه ظهیرالاسلام استقرار یافته بودند پرچمداران جمعیت در این موقع وارد میدان بهارستان شدند .

مستفاد از مجموع تحقیقات و بازرسی‌های انجام یافته این است که جریان متینگ تا رسیدن جمعیت بمیدان بهارستان بدون هیچگونه حادثه‌ای برگزار گردید در همین لحظه بر اثر مواجهه با تظاهرات مخالفت‌آمیز عده‌ای که درمدخل میدان بهارستان و خیابان اکباتان گرد آمده بودند منازعه آغاز و در همان زمان بترتیب مذکور نزاع کوچک‌تری در مدخل کوجه‌های امیرخان سردار و ظهیرالاسلام بوقوع پیوسته که این نزاع فاصله‌ای بین جلو داران جمعیت و افراد دیگران موفتا ایجاد نمود .

در این موقع افراد پلیس که مقابل لقانطه سابق رسیده و قسمتی دیگر در محاذات بیمارستان شهربانی بودند بر اثر مشاهده زد و خورد متوقف و عده‌ای پیاده بطرف جمعیت برای جلوگیری از نزاع روی آورده و در مقام تفرقه جمعیت برآمدند بنظر میرسد که در این هنگام زد و خورد بر اثر مداخله پلیس متوقف گردید ولی عده دیگری از افراد جمعیت با استفاده از چوبهای پرچم و سنگ و آجر و شکستن درخت‌های خیابان بکمک رفقای خود شافته و بتصور اینکه مامورین انتظامی طرف نزاع بوده و یا منازعه در سایه حمایت آنها رخ داده سرهنگ رستگار و پور تیمور و عده‌ای از افراد پلیس را مورد حمله قرار داده عده‌ای نیز در تعقیب افراد



* صحنای از تظاهرات ۲۳ تیر ۳۰ حزب توده



« نمونه‌ای از صحنه‌های درگیری تظاهرات ۲۳ تیر ۲۰

هراری و بطرف حزب زحمتکشان حمله‌ور شده که مواجهه با مقاومت و دفاع سرهنگ‌پور تیمور و سی نفر پاسبان مقابل حزب مذکور شده‌اند.

پاسبانهای متمرکز در مقابل کوچه ظهیرالاسلام نیز در این موقع بکمک رفقای خود که در منازعه درگیر بودند شتافته و همین هنگام بوسیله ستوان مشرف مبادرت با استعمال گاز اشک‌آور گردید که با انفجار آن و ایجاد همهمه در بین جمعیت و فرار تماشاچیان و شدت زد و خورد افسرانیکه در میدان بهارستان حاضر بودند ابتکار عمل را از دست داده و بدون توجه به مسئولیت و موقعیت خود افراد را بحال خود گذاشته و هر یک بعنوانی میدان منازعه را ترک کردند و قسمت عمده پاسبانها نیز بلادرنگ با استفاده از کامیونتهایی که در اختیار داشتند سرعت فرار کردند (عکس شماره ۱۵ ساعت ۱۹/۲۳ دقیقه) جمعی نیز بطرف خیابان صفی‌علیشاه و کوچه‌های فرعی شاه‌آباد رفته و متواری گردیدند.

مامورین و پاسبانهای کلانتری ۲ که در نقاط مختلف میدان بهارستان بنگهبانی ایستاده بودند با مشاهده این جریان طبق دستور سرهنگ فرخندی و کلانتر خود بکلانتری بناهنده شده و با بستن درب کلانتری از پشت بام بعنوان حفظ اسلحه و اموال دولتی و اخافه و ارباب جمعیت چند تیری بهوا شلیک کردند.

در این موقع جمعیت متینگ دهنده قسمت شمالی میدان بهارستان را اشغال و سخنرانی خود را آغاز نمودند و پاسبانهای هراری در مقابل کلانتری ۲ متوقف و بنا بدستور رئیس اداره سرکلانتری و افراد پلیس سوار متمرکز در خیابان مسجد سپهسالار و چاپخانه مجلس برای تفرقه جمعیت وارد عمل شده و از طرف دیگر پاسبانهایی که بسمت سرچشمه سرازیر شده بودند مجدداً جمع‌آوری و در دنبال پلیس سوار وارد عمل گردیده و با شروع تیراندازی شدید از مدخل خیابانهای نظامیه بظرف جمعیت پیشروی و در مقابل بیمارستان شهربانی با جمعیت مصادف شده و متسک

دهندگان را بطرف خیابان شاه‌آباد رانده قسمت اعظم تلفات بجمعیت در همان موقع رخ داده و با سرنگون شدن ستوان یکم آتشبار افسر سوار (که فعلا بحالت اغماء در بیمارستان شهربانی بستری است) و استعمال گاز اشک‌آور پلیس سوار مجبور بعقب نشینی شد و نیروهای افراد پلیس پیاده نیز بطرف کلانتری ۲ بازگشت نمودند .

و مقارن با این احوال قوای نظامی یفرماندهی تیمسار عظیمی از طرف سرچشمه و میدان مخابراتالدوله بمیدان بهارستان نزدیک شده و پس از استقرار در میدان بهارستان جمعیت متفرق در این موقع افراد پلیس بتعاقب جمعیت در خیابان‌ها و کوچه‌های فرعی پرداخته و متأسفانه تعدادی از آنها از حدود وظیفه خارج و مبادرت بانترام جونی‌های بی‌مورد نمودند که منجر بتلفاتی نیز گردیده (پرونده کلاسه ۳۸۶ / ۲ شعبه ۴ آگاهی)

و فیلمهای جمع‌آوری شده از طرف هیئت بازرسی که زنده‌ترین شاهد این ماجرا و مؤید جریان واقعه بشرح مذکور است ضمیمه گزارش می‌باشد و باین ترتیب جریان تاثرآور این حادثه که منجر بتلفاتی بشرح زیر شده خاتمه یافته است .

مقتولین

تعداد تلفات مطابق آخرین آمار رسمی ۱۵ نفر بوده که فقط هویت شش نفر آنها اعلام گردیده و بقیه بنام مجهول‌الهویه بخاک سپرده شده‌اند تحقیقات هیئت طبق ضمیمه پرونده باین نتیجه رسیده که ۱۸ نفر مقتول شده‌اند بر تعداد مزبور یکنفر پاسبان را نیز باید افزود از افراد مختلفه ۷۳ نفر مضروب و مجروح گردیده که ۴۵ نفر در بیمارستانها بستری شده‌اند و عده‌ای نیز اصولا بیمارستان‌ها مراجعه ننموده‌اند .*

* پا ورقی صفحه بعد

از افسران و افراد پلیس طبق صورت منضم پیرونده ۷۶ نفر مضروب و مجروح گردید. که چند نفری نیز بستری می باشند.

قصور مامورین

در برنامه تنظیمی طریقه عمل افراد در صورت بروز پیش آمد غیر مترقبه و تکلیف تیراندازی معین نگردیده در صورتی که در برنامه متینگ اول ماه مه نسبت باین موضوع مهم توجه دقیق مبذول گردیده است و برای تفرقه جمعیت و جلوگیری از حوادث ناگوار علاوه بر استفاده از اتومبیل آب پاش و گاز اشک آور و باطوم صریحا دستور داده شد که بقرض اجتناب ناپذیر بودن استعمال اسلحه بدون کسب دستور از مرکز بهیچوجه مبادرت باستعمال اسلحه گرم ننمایند و بالاخص که این امر انطباق کامل با مقررات پیش بینی شده در باب استعمال اسلحه توسط مامورین نظمیه در قانون مصوب ۱۳۲۵ قمری که مبنای اقدام مامورین شهربانی در این قبیل موارد است دارد و این قصور و مسامحه متوجه اشخاص زیر است.

۱ - مامورین اداره سرکلانتری که با وجود سوابق فوق لاشعار این امر را بسکوت برگذار نموده اند.

۲ - رئیس پلیس انتظامی تیمسار سرتیپ همایونفر که سمت ریاست مستقیم اداره سرکلانتری را داشته.

۳ - تیمسار سرلشکر بقائی که سمت ریاست فائقه و مستقیم نسبت بادارات و دوایر تابعه شهربانی را داشته و معترف است که کمیسیون مورخه

* نویسنده مقاله " کودتا " در روزنامه " انقلاب اسلامی " مورخه ۱۶ شهریور ۱۳۵۹، درباره نتیجهٔ برخوردهای ۲۳ تیر ۳۰ رقم موجود در کتاب " گذشته چراغ راه آینده است " را، البته بدون ذکر مأخذ، نقل نموده است.

لازم بتذکر است که کتاب فوق الذکر رقم " ۷۰۰ کشته و زخمی " را به نقل از روزنامه نفتی - درباری " طلوع " آورده که بی پایه و اساس میباشد.

۳۰/۴/۲۲ با حضور او بمنظور اتخاذ تصمیمات لازم برای برقراری انتظامات تشکیل گردیده (تحقیقات مورخه ۱۳۳۰/۵/۳۰) معذک برنامه مزبور را باوجود ارائه تیمسار همایونفر طرح ننموده و بالنتیجه از اطلاعات قبلی شهربانی و اعضاء کمیسیون استفاده نشده بعلاوه بموجب ماده ۳ قانون فوق‌الاشعار که مقرر میدارد رئیس و صاحب منصبان ضبطیه . . . باید مراقبت و مواظبت تامه را داشته باشند که عمال ضبطیه نظمیه وغیره با کمال احتیاط در موارد فوق‌الذکر اقدام نموده و بدون ضرورت مبرم باستعمال اسلحه مبادرت ننمایند و دو نفر اخیرالذکر که بوسیله بی‌سیم و تلفن با مامورین مربوطه ارتباط و بچگونگی امر واقف بوده‌اند معذالک دستوری در این باب صادر نکرده و بالنتیجه بتکلیف قانونی خود عمل ننموده‌اند .

۴- سرهنگ رستگار رئیس اداره سرکلانتری که طبق قسمت ۱۲ برنامه تنظیمی باستی با عده خود (مامورین انتظامی مراقب متینگ) حرکت نماید و سمت فرماندهی را داشته و در غیاب نامبرده سرهنگ پور تیمور و معاون اداره سرکلانتری فرمانده حلودار عهده‌دار مسئولیت او بوده و طبق ماده ۳ و ۴ قانون مذکور به تکلیف خود عمل ننموده‌اند .

۵- چون طبق گزارش شماره ۳۱۳۸ - ۳۰/۴/۲۴ تیمسار سرتیپ عظیمی فرمانده دژبانی مرکز فقط افسران زیر (سرهنگ پور تیمور معاون سرکلانتری - سرگرد فیروزی - سرگرد واثقی - سروان آراش - ستوان یکم آتشار - ستوان یک لطفی) در میدان بهارستان باقی مانده و مشغول انجام وظیفه بوده‌اند و از طرف دیگر سرهنگ رستگار و سرهنگ سعیدی و سرهنگ رسائی علاوه بر اشخاص مربوطه ظاهراً مجروح شده و بقیه افسران کادر فرماندهی سرهنگ پور تیمور و سرهنگ سعیدی (بموجب برنامه) در هنگام ورود قوای نظامی نبوده و فرار کرده‌اند بنابراین قاصر در انجام وظیفه شناخته میشوند .

۶- سرهنگ امیری کلانتر ۱۳ که در ساعت وقوع نزاع مقابل بمپ- بنزین با عده خود متوقف بوده و با وجود صدور دستور حرکت و عزیمت افراد بمحل منازعه شخصا از حضور خودداری سپس با اتومبیلی که در اختیار او بوده سرهنگ سعیدی را به بیمارستان برده و سرهنگ دادخواه کلانتر ۴ که در مقابل کوچه ظهیرالاسلام با عده خود متمرکز و هنگام وقوع نزاع جای انجام وظیفه با افراد خود در کفاشی خیابان شاه آباد نزدیک کوچه امیرخان سردار پناهنده شده است سرهنگ فرخندی که پس از شروع زدو خورد بشرح مذکور در جریان واقعه با افراد خود بکلانتری رفته و درب کلانتری را بسته است بوظائف قانونی خود عمل ننموده اند.

استعمال اسلحه

تکلیف استعمال اسلحه در این حادثه و نظائر آن بموجب ماده ۴ قانون مصوب ۱۳۲۵ قمری که عینا نقل میگردد تعیین گردیده .
ماده ۴ - (در مواردی که دستهای از عمال ضبطیه و نظمه . . . برای اطفاء ناآثره شورش احضار میشوند استعمال اسلحه با رعایت شرایط زیر جایز است .

۱ - اقدام با استعمال اسلحه منوط با اجازه صاحب منصب ضبطیه ایست که اسکات شورشیان بعهدده او واگذار شده و او هم حکم با استعمال اسلحه را وقتی خواهد داد که بوسائل دیگر ثمری نبخشیده باشد . . .) و در این مورد شرایط استعمال اسلحه گرم موجود نبوده است .

اما افراد پلیس که در محل منازعه در گیر و دار عمل شده و از وسائلی که در دسترس داشته اند (گازاشک آور - باطوم) استفاده نموده و دسترس به فرماندهان خود نداشته و ناگزیر از انجام وظیفه انفرادی گردیده و

ولی افرادی که بعد از ختم غائله و ورود قوای نظامی مبادرت به انتقام جوئی و اشخاص را مضروب و مجروح کرده‌اند که حتی در موردی (پرونده کلاسه ۳۸۶-۲) منجر بقتل گردیده در حدود مقررات قابل تعقیب می‌باشند.

علل و عوامل بروز حادثه

۱- زدوخوردهای قبلی .

الف - پرونده شماره ۵۲۳۱ - ۳۰/۴/۱۵ کلانتری ۶ مربوط به زدو خورد عده‌ای در خیابان خیام و مولوی .

ب - پرونده شماره ۳۸۹ - ۳۰/۳/۲۲ مربوط باتهام محمد مهاجر و غیره .

ج - پرونده شماره ۳۲۲۴ - ۳۰/۳/۲۷ مربوط باتهام محمد پیمانی و غیره .

د - پرونده شماره ۱۲۰ - ۱۶۷ مربوط باتهام دوازده نفر بایرادضرب نسبت بحسن عرب .

ه - پرونده ۲۲ - ۳۰/۳/۲۱۳ به اتهام عده بایراد ضرب نسبت بحسن عرب .

و- اختلاف موجوده بین کارگران کارخانه جیت‌سازی که منجر به منازعات مکرر آنها شده بالنتیجه دسته اقلیت ۵۳ نفر بعلت عدم سازش موقتا کارخانه را ترک کرده‌اند .

این وقایع و زدوخوردها که قبل از ۲۳ تیر اتفاق افتاده زمینه مساعد از نظر کینه‌توزی و انتقام جوئی برای وقوع حادثه فراهم آورده باین معنی که پیش‌بینی جمعیت متینگ دهنده از لحاظ تهیه چوپ از همین نظر بوده که در صورت بروز زدوخورد عاجز از مقابله نباشند و همین آمادگی افراد جمعیت بنوبه خود از علل خاصه وقوع حادثه است .

۲- تبلیغات - تبلیغات وسیع و دامنه‌داری از لحاظ امکان وقوع حوادث خونین در تهران و غیرقابل اجتناب بودن آن مدتی قبل از تاریخ وقوع حادثه آغاز و تا نزدیک‌ترین دقایق بروز واقعه ادامه داشت و قطع‌نظر از اطلاعات واصله از طرف کارآگاهان در این مورد و مقالات مطبوعات داخلی و خارجی اظهار اطلاع عده از کسبه خیابان شاه‌آباد دایر باین که یکی دو ساعت قبل از شروع متینگ اشخاص ناشناسی در پیاده‌روهای خیابان مذکور در رفت و آمد بوده و عده نیز با مراجعه بآنها وقوع حادثه را پیش‌بینی و آنان را تشویق بتعطیل مغازه‌های خود می‌کردند کاملاً جالب دقت و توجه است.

این تبلیغات که با مهارت عجیبی از کلیه منابع اعم از داخلی و خارجی انتشار یافت بمتینگ دهندگان از یکطرف و احزاب جمعیت‌های دیگر از طرف دیگر تلقین مینموده که زدو خورد و کشتار در روز ۲۳ تیر حتمی‌الوقوع و اجتناب‌ناپذیر است بنابراین مقدمات اندک تماس و جزئی و برخوردی کافی بود که چنین حادثه و فاجعه هولناکی بوجود آورد.

۳- فرار افسران و مامورین انتظامی - فرار افسران و افراد بشری که قبلاً اشاره شده خود بخود موجب تشجیع افراد جمعیت بادامه، زد و خورد و توسعه دامنه اغتشاش گردیده زیرا با توجه بتحقیقات انجام یافته بنظر میرسد که متینگ دهندگان فاقد اسلحه گرم بوده و گرچه درین واقعه یکنفر پاسبان بوسیله گلوله مقتول گردیده ولی برای انتساب عمل مزبور بمتینگ‌دهندگان دلیل بدست نیامده است.

۴- با توجه بقصور اشاره شده در تنظیم برنامه و صدور دستورات با وجود اینکه طبق یکی از مواد برنامه مقرر شده که عده‌ای پلیس سوار در اول شاه‌آباد (محل منازعه) استقرار یابد این عده بخوابان نظامیه منتقل و این نقیصه با گماردن افراد دیگری جبران نشده است.

۵- با اشاره باینکه مامورین کارآگاهی که در محل نزاع حضور داشته

شخصاً هیچیک از افراد وارد در منازعه را شناخته و اداره آگاهی کسی را معرفی نکرده و مامورین پلیس انتظامی نیز در همان هنگام کسی را دستگیر ننموده‌اند معذالک تحقیقات هیئت بازرسی تاکنون باین نتیجه رسیده که در روز ۲۳ تیر ماه عده‌ای از افراد منتسب بحزب نهضت ملی کارگران کارخانه شماره ۵ ونک مضروب و مجروح که به بیمارستان‌ها مراجعه ننموده و معترفند در جریان متینک و در محل بروز حادثه (میدان بهارستان) حضور داشته و از طرف جمعیت متینک دهنده مورد حمله واقع گردیده‌اند گویانکه انتساب خود را بحزب نهضت ملی، تکذیب نموده‌اند ولی ضمن امضاء کنندگان اعلامیه مندرج در روزنامه اطلاعات مورخه ۶ تیرماه ۱۳۳۵ مربوط بحزب مزبور اسامی آنها دیده میشود و یکی از افراد فوق‌الاشعار که نامش در اعلامیه ذکر نشده (کمال زارع) و در بیمارستان سازمان برنامہ بستری بوده و هدایائی از ناحیه تیمسار سرلنکر ارفع رهبر حزب مزبور دریافت داشته که این امر مستند بگواهی روسای قسمت‌های بیمارستان و اطباء معالج میباشد . بنابراین مسلم است که وجود عده‌ای از افراد حزب نهضت ملی که برخی از آنها سمت نمایندگی کارگران را دارا و در مخالفت با افراد متینک - دهنده سوابقی داشته‌اند از عوامل بروز نزاع می‌باشد .

اظهاری نظر قطعی قضائی محتاج با ادامه تحقیقات با اختیارات زیادتری است که خارج از وظائف بازرسی بوده و مسلم است با ادامه تحقیقات از طرف مراجع تعقیب صلاحیتدار حقایق بیشتری کشف خواهد شد . اصول کلیه پرونده‌ها پس از مطالعه بمراجع مربوطه عودت داده شده اینک پرونده اقدامات هیئت که مشتمل بر ۸۲۴ برگ می‌باشد پیوست تقدیم می‌شود .

حسین شهبهانی - باقر وکیلی

شمس‌الدین عالمی

پس از انتشار گزارش هیئت بررسی حادثه ۲۳ تیر نامه‌ای از سوی

"فدائیان اسلام" به روزنامه "داد" فرستاده شد که متن آن را در زیر میآوریم: (۱۳۴)

"در گزارش هیئت رسیدگی بواقعه ۲۳ تیر قید شده که فدائیان اسلام قصد بر هم زدن اجتماع ۲۳ تیر را داشته و آقای کاشانی از این امر جلوگیری نموده است فدائیان اسلام با حکومتی که مجری احکام اسلام نباشد همکاری نمی نمایند ثانیاً "فدائیان اسلام بدست حکومت دست نشانده، جبهه ملی بزدان رفتند صفوف منظم خود را از آقای کاشانی جدا نموده و با ایشان ارتباطی ندارند تا بدستور ایشان کاری انجام داده و یا از انجام کاری خودداری کنند .

ثالثاً "حضرت نواب صفوی دستور داده اند در اجتماعاتی که هدف آنها نامعلوم و یا بصرر اسلام است شرکت نکنند و روز ۲۳ تیر طرفین دعوا منحرف و گمراه بوده و تا یک حکومت مقتدر اسلامی تشکیل نشود این انحراف ادامه داشته و هر روز محدود یکدیگر تجاوز میکنند . بنابراین گزارش مأمورین عاری از حقیقت بوده و بدانند که فدائیان اسلام بزرگتر از آن هستند که پیرامون اغراض شخصی بگردند .

بیاری خدای توانا

"فدائیان اسلام"

سرهنگ پاکروان از جانب رئیس ستاد ارتش و سرلشکر ارفع نیز اعتراضاتی به گزارش داشتند که در روزنامهٔ اطلاعات ۱۸ و ۱۹ شهریور بچاپ رسیده است ، علاقمندان میتوانند به مآخذ فوق مراجعه کنند .

پس از انتشار گزارش حادثه ۲۳ تیر ، دکتر مصدق در نطقی بنا بر تاریخ ۱۷ شهریور ۳۰ در مجلس شورای ملی ، پس از بیان این مطلب که عمال انگلیس در همه جا ، در مجلسین ، در دربار و . . . حضور دارند ، مسئولین وقایع ۲۳

تیر را به مردم معرفی نمود. در زیر قسمتهائی از این نطق را نقل میکنیم:

"... این مسئله بکلی به همه ثابت شده و کسی نیست که این مطلب را تصدیق نکند که دول اروپا و دول بزرگ میخواهند ممالک شرق را استعمار کنند می‌خواهند در مملکت خود بنشینند راحت زندگی‌کنند و مردمان این ممالک را بیچاره و ناتوان نمایند... بدیهی است وقتی دولت انگلیس منافعی را میخواهد از مملکتی ببرد برای اینکار چه باید بکند.

این دولت در همه جا باید از خود عمالی بگمارد که این منافع تأمین شود این عمال در همه جا هستند، نمیتوانند نباشند اگر شما بفرمائید که در جاهای مؤثر عمال انگلیس نباشند هیچکس از شما این مطلب را قبول نمیکند عمال انگلیس در مجلسین عمال انگلیس در دولت، عمال انگلیس در جامعه و ملت، عمال انگلیس در دربار همه جا وجود دارند... روزیکه من در این مجلس متوقف بودم جناب آقای وزیر دربار تشریف آوردند و فرمودند... مملکت یک وقت جمهوری نشود عرض کردم کی میخواهد جمهوری بکند، فرمودند شما که نمیگویم، یک اشخاصی افراطی در اطراف شما هستند ممکن است که آنها مملکت را جمهوری بکنند... این بود که (پس از برکناری سرلشگر حجازی رئیس شهربانی) حضور اعلیحضرت شاهنشاه عرض کردم من رئیس شهربانی را پیشنهاد نمیکنم تا خود اعلیحضرت بهرکس اطمینان دارند انتخاب بفرمایند روی این اصل چند روز بعد آقای سرلشگر زاهدی آمدند و گفتند اعلیحضرت میفرمایند، سرلشگر بقائی چطور است؟ عرض کردم من باینکار دخالت نمیکنم هر کس را که اعلیحضرت صلاح میدانند خودشان تعیین بفرمایند بعد از چند روز سرلشگر بقائی رفت به شهربانی و یک تصدیق نامه‌ای که سی سال قبل از این که ایشان در آذربایجان متصدی شهربانی بودند داده بودم و اظهار رضایت کرده بودم این تصدیق را نزد من فرستاده بودند و گفته بودند که من همان کسی هستم که مورد اعتماد خودتان هم

هستم و این است تصدیق‌نامه من . من آقای سرلشکر زاهدی گفتم که آقای سرلشکر بقائی بسیار آدم مال‌اندیش هستند که سی سال قبل از این از من تصدیق گرفته‌اند (خنده، نمایندگان) ایشان رفتند در شهربانی مشغول کار شدند همه میدانند در روز اول ماه مه عده‌ای نگران بودند از عملیات بعضی دستجات که ممکن است وقایعی روی بدهد (صحیح است) و همچنین در روزی که یک‌عده رژه دو چرخه دادند با زاین نگرانی حاصل بود ، من بتمام مسئولین بوسیله رئیس شهربانی گفتم که شما میبایست بقدر کافی قوه داشته باشید، ولی شما نمیبایست شلیک بکنید مگر وقتی که لازم باشد آنهم با اجازه من و برطبق قانون، البته مأمور جزء حق ندارد شلیک کند و این درس را بخود من داده بودند که در دوره چهاردهم موقعی که من را می‌آوردند باین مجلس یک عده‌ای نظامی شلیک کردند معلوم نشد برای چه شلیک کردند و شلیک یکی از آنها برای من بود ولی بمن نخورد و کمانه کرد و رفت و خواهه نوری در این ایوان از بین رفت و هیچکس در این باب پرسش و سؤال نکرد و چون این مطلب بر من معلوم بود که ارتش ما ممکن است اغفال بشود و مرعوب بشود این بود که من دستور اکید داده بودم هیچکس نمیبایست شلیک کند مگر اینکه این شلیک با اجازه رئیس شهربانی و البته با اجازه خود من باشد و من در این شهر بودم و رئیس شهربانی با وسایل رادیو و یا وسایل بلندگو از همه وقایع مطلع بود و میتواندست بخود من بگوید و در صورت لزوم و اگر لازم بود شلیک کند و اشخاصی که برخلاف انتظامات عمل میکردند بجای خود بنشانند در روز ۲۳ تیر ماه که آقای سرلشکر بقائی رئیس‌نظمیه بود از نظر اینکه باز ذهن اعلیحضرت را مشوب نکنند . بهیچوجه در کار شهربانی دخالت نکردم دستوری ندادم چیزی نگفتم وقایع روز ۲۳ تیر در این شهر بمیان آمد ، و اکنون که گزارش هیئت تفتیشیه مملکت رسیده است در این گزارش گفته شده است که مأمورین شهربانی عده زیادی را

مقتول کرده‌اند مأمورین شهربانی در پرسشهای خود گفته‌اند سرلشکر بقائی در خانه خود نشسته بود و بوظیفهٔ خود عمل نکرده است من صراحةً میگویم تا این دولت هست این اشخاصی که برخلاف مقررات بمردم بیگناه شلیک کرده‌اند باید بمجازات برسند (صحیح است) و اگر این دولت موفق نشود این اشخاص بی‌پرنسپ این اشخاصی که طبق مقررات و سوابق رفتار نکرده‌اند به مجازات خود نرسند این مملکت قادر نیست به هیچ وجه نظاماتی برقرار کند . دولت باید همیشه جنبهٔ عدل و عدالت را در نظر بگیرد . دولت نباید نگاه کند که این دسته موافق دولت است یا آن دسته مخالف دولت است اصلی که فرموده‌اند الملك بیقی مع الکفر ولا بیقی مع الظلم (صحیح است) و یکی از فلاسفهٔ اروپا گفته است که فاتحین حقیقی آنهایی هستند که عدالت طلبند . دیگران مثل سیلهائی هستند که در گذرند تا دولت عدالت را پیشهٔ خود نکند تا دولت انتظامات را در جامعه برقرار نکند اصلاً " دولت مفهومی ندارد و هرج و مرج در تمام مملکت حکمفرما میشود و یک روزی میرسد که ما نمایندگان هم در این مجلس نمیتوانیم یک کلمه حرف بزنیم . . . " (۱۳۵)

در رابطه با همین نطق دکتر مصدق بود که " آشتیانی زاده " از مخالفین حکومت ملی در جلسهٔ ۱۷ آذر ۳۰ مجلس شورای ملی گفت :

" دکتر مصدق قتل عام بیست و سوم تیر را بگردن وزیر کشور و رئیس شهربانی وقت انداخت و گفت سرلشکر بقائی را شاه منصوب کرده و توطئه بوسیلهٔ شهربانی تنظیم شده و خود از جریان فاجعه بی‌اطلاع بوده است ، بعد از چندی سرلشکرزاهدی را بجرم شرکت در توطئهٔ بیست و سوم تیر از کار برکنار نمود و دستور محاکمهٔ سرلشکر بقائی را داد . . . " (۱۳۶)

برای آگاهی بیشتر نسبت به مسائل پشت پرده واقعه ۲۳ تیر و نقش اشرف پهلوی در این حادثه، قسمتی از خاطرات شهید دکتر سید حسین فاطمی را نیز در زیر نقل میکنم:

... در روزهایی که "هریمن" برای میانجیگری دربارهٔ نفت به تهران آمده بود "متینگی" که گفته میشد عناصر چپ تشکیل داده‌اند در بهارستان تشکیل گردید و زد و خوردی بین تظاهرکنندگان و قوای پلیس روی داد که بدون دستور نخست‌وزیر تیراندازی و شلیک شد و چند نفر کشته و زخمی شدند. در این موقع سرلشگر بقائی رئیس شهربانی و سرلشگر زاهدی وزیرکشور بود. دکتر مصدق از این حادثه سخت برآشفته و دستور تحقیق داد و اینطور نتیجه گرفته شد که دست شاهدخت اشرف در این قضایا بوده‌است. اولین عکس‌العمل دکتر مصدق این بود که سرلشگر بقائی را از ریاست شهربانی منفصل کرد و دستور محاکمه او را داد. و چون در تشکیل دادگاه مسامحه می‌شد بین نخست‌وزیر و وزیر کشور برودتی حاصل شد. بعد گفتند که چون نظامی است باید اعلیحضرت دستور تشکیل محکمه را بدهند. مدتها طی شده دادگاه اداری او را فقط بیک ماه توقیف محکوم ساخت.

نامه دکتر مصدق و مسافرت اول شاهدخت اشرف

چند روز بعد از این حادثه یکروز دکتر مصدق مرا خواست و گفت میخواهم نامه‌ای به شاه بنویسم و جریان ۲۳ تیر را که دست شاهدخت اشرف در آن دیده شده بعرض برسانم و بخواهم که تکلیف من با خواهرشان یکی را تعیین کنند و خوبست این نامه را شما تهیه کنید. من به نخست‌وزیر جواب دادم که امتناعی از انجام این دستور ندارم ولی چون من عادت به اینطور کاغذنویسی‌ها و تشریفات مقام سلطنت ندارم، خوب

است بگوئید آقای دکتر منظمی (معظمی؟) یا یکی دیگر از رفقا آنرا تهیه نمایند .

پیش‌آمد ۲۳ تیر وسیلهٔ حمله‌ای به مخالفین دولت در مجلس سنا داد و حملات شدیدی روی این موضوع بدولت کردند . و "نصرالملک" که صندوق مؤسسان کذائی از آراء دروغ ر کرده بود در یکی از جلسات سنا دکتر مصدق را با "لیاخوف" تشبیه کرد و صدای جمال امامی و رفقایش نیز در بهارستان بلندتر شد .

. . . چند روز که از قضیه ۲۳ تیر گذشته بود یکروز ایزدی رئیس دفتر "والاحضرت" تلفن کرد که "شاهدخت" میخواهند شما را ملاقات کنند . فردای آنروز صبح قرار ملاقات گذاشتیم من وقتی وارد شدم شاهدخت از اطاق روبرو با سگش آمد ، بدون مقدمه گفت دکتر مصدق درخواست تنبیه مرا کرده است ، این دیگر چه نغمه‌ای است .

من اظهار بی‌اطلاعی کردم ، گفت چطور شما نمی‌دانید ؟ کاغذ پریروز به برادرم نوشته است . گفتم این طور مطالب را ایشان به کسی نمی‌گویند .

دربارهٔ حوادث ۲۳ تیر و موضوع نفت اقلیت مجلس خیلی صحبت شد . گفتم شما چرا اقلیت مخالف دولت را بخانه خودتان راه می‌دهید . گفت مثلا "کی؟" گفتم چند شب پیش که از کلاردشت برگشته بودید تیمورتاش پیش شما بود؟ گفت چرا ، مگر شما مفتش دارید که مراقب خانه من است ؟ جواب دادم مفتش نداریم ولی اینطور شنیده‌ام چند روز بعد "شاهدخت" بعنوان سفر موقتی ایران را ترک گفت و گمان میرفت موضوع "اقلیت" مجلس لااقل برای مدتی کوتاه از حرارت بیفتد . یکی دو هفته هم نتیجه همینطور بود ولی سازمان "اقلیت" بدست ملکه مادر افتاد و علنا "پولهای بوسیله نصرتیان در اختیار آن افراد در جرایدشان قرار میگرفت . " (۱۳۷)

"نبرد ملت" ناشر افکار " فدائیان اسلام " ، ، پس از ۲۳ تیر ۳۰ در صفحه اول خود تابلوئی از دکتر مصدق رهبر نهضت ضد استعماری ملت ایران را در حالیکه پنج قطره خون از دستش میچکید ترسیم نمود که بر روی قطره درشت آن نوشته شده بود: ۲۳ تیر. (۱۳۸)

در برخورد به حادثه ۲۳ تیر، یکبار دیگر تمامی نیروهای مخالف حکومت ملی وحدت یافته و سناتورهای مرتجع سنا، " اقلیت " درباری مجلس شورایی ملی، بسوی آینده " حزب توده " و روزنامه‌های " طلوع " ، " آتش " ، " داد " ، " نبرد ملت " و . . . یکصدا حکومت ملی را بزرگبار کثیف‌ترین و نامنصفانه‌ترین اتهامات و دروغ‌پردازیه‌ها قرار دادند.

اکنون پس از گذشت ۲۹ سال از واقعه خونین ۲۳ تیر ۱۳۳۰، آقای نورالدین کیانوری در جزوه‌ای تحت عنوان " حزب توده ایران و دکتر مصدق " می‌نویسد:

" با روی کار آمدن دولت دکتر مصدق و روشن‌تر شدن ویژه‌گیهای سیاست او، اختلاف نظر در رهبری حزب توده ایران در زمینه ارزیابی موقعیت پر اهمیت دکتر مصدق شدید شد در عین اینکه اکثریت هیئت - اجرائیه، علی‌رغم واقعیات، لجوجانه در ارزیابی نادرست گذشته پا - فشاری می‌کرد، اقلیتی مصرانه خواستار تجدید نظر در آن ارزیابی نادرست و پشتیبانی از سیاست دکتر مصدق بود. ولی این برخورد بر پایه لزوم رعایت اصول سازمانی حزب، که بر پایه تبعیت اقلیت از اکثریت قرار داشت، بازتابی خارج از رهبری پیدا نکرد. " (۱۳۹)

و بعد در رابطه با تحلیل رهبری حزب از حادثه ۲۳ تیر می‌افزاید:

" این اختلاف بین اکثریت و اقلیت هیئت اجرائیه حزب توده - بویژه در ارزیابی حادثه ۲۳ تیر ۱۳۳۰ شدت بروز کرد. اکثریت ۵ نفر از ۸ نفر (کشتار مردم را یک توطئه از طرف دکتر مصدق ، که گویا در صد سازش با امپریالیسم آمریکا و انگلیس بود، ارزیابی کرد و تمام جملات

خود را علیه دکتر مصدق متوجه ساخت، در حالی که اقلیت رهبری (۳ نفر از ۸ نفر) عقیده داشت که این توطئه‌ای است از طرف دربار و امپریالیسم آمریکا علیه دکتر مصدق باهدف سرنگون ساختن او. " (۱۴۰) و سپس می‌افزاید:

" تجربهٔ دردناک مبارزات سالهای ۳۰ - ۳۱ لازم بود تا آن که اکثریت رهبری حزب تودهٔ ایران بالاخره در آستانه تدارک کودتای امپریالیستی شاه - قوام، در تیر ماه ۱۳۳۱ به اشتباه خود پی ببرد و در جهت تصحیح موضعگیری حزب گام گذارد. " (۱۴۱)

امروز پس از گذشت ۲۹ سال " کیم روزولت " سرفرمانده عملیات کودتای آمریکائی سنگین ۲۸ مرداد علیه حکومت ملی دکتر مصدق دربارهٔ حادثهٔ ۲۳ تیر ۱۳۳۰ می‌نویسد:

" در اواخر ژوئیه ۱۹۵۱ به استانبول بازگشته بودم داشتیم به موضوعی که تا آن زمان از آن بی‌اطلاع بودم فکر میکردم که هریمین پس از ورود به تهران با تظاهرات و پرتاب سنگ حزب توده روبرو شد این تظاهرات به تحریک برادران بوسکو^{*} براه افتاده بود. . . . " (۱۴۲)

* - کیم روزولت " برادران بوسکو " را اینچنین معرفی میکند: " وقتی صبح روز بعد در آسمان بوم خاطراتی از ذهنم می‌گذشت دوره‌ای که می‌بایست برای آدم‌کشی و سوءقصد های با برنامه وارد ماجرا شوم. این جریان منجر به آشنائی من با گروهی گردید که بعدها عوامل اجاکس (کودتای ۲۸ مرداد) شدند. با مراجعه به گذشته یعنی در سال ۱۹۵۰ من این گروه را که "پیشروان بهار" نامیده میشدند نمی‌شناختم و به سختی میتوانستم شرکت آنها را در مأموریتی که ما هنوز دربارهٔ آن اظهار نظر نکرده بودیم حدس بزنم. . . . حالا می‌توانم فقط اسم مستعار آنها را که برادران بوسکو نامیده میشدند. بخاطر بیاورم. " (کودتا در کودتا، صفحه

(ج و ج)

بدینگونه با نطق صریح دکتر مصدق در مجلس شورای ملی ، خاطرات شهید دکتر سیدحسین فاطمی ، اعتراف حزب توده و " کیم روزولت " و . . . حقیقت قضایای حادثه ۲۳ تیر که برای سقوط حکومت ملی تدارک دیده شده بود بر همه مشخص میگردد . (۱۴۳)

به امید آموختن از " حادثه " ۲۳ تیر!

● بخش چهارم

● تظاهرات ۲۵ مرداد ۱۳۳۰

(فدائیان اسلام)

تظاهرات ۲۵ مرداد ۱۳۳۰

(فدائیان اسلام)

قبلاً " به پاره‌ای از تشنجات و درگیری‌ها و توطئه‌ها قبل از تشکیل حکومت دکتر مصدق و در آستانه حکومت ملی که به ترتیب عبارت بودند از اعتصاب نفتگران جنوب، حکومت نظامی در تهران و حومه و خوزستان، توطئه روی کار آوردن سیدضیاءالدین طباطبائی، توطئه ترور دکتر مصدق، و حادثه ۲۳ تیر، اشاره کردیم.

اکنون به ذکر جریان تظاهرات ۲۵ مرداد ۱۳۳۰ که از سوی جمعیت "فدائیان اسلام" برگزار و منجر به درگیری با نیروهای انتظامی گردید و همچنین انعکاس آن در جراید می‌پردازیم.

بدنبال حادثه خونین ۲۳ تیر، روزنامه "اطلاعات" بنقل از شهربانی کل کشور نوشت:

"متینگ‌دهندگان باید سه روز قبل شهربانی را از منظور و مقصد خود کتبا آگاه نمایند." (۱۴۴)

در تاریخ ۹ مرداد ۳۰، آقای خلیل طهماسی از زندان دادگستری نامه‌ای مبنی بر محکومیت توطئه‌هایی که علیه حکومت ملی دکتر مصدق

انجام میگرفت، به جرائد فرستاد که طی آن پشتیبانی خود را از دکتر مصدق نیز اعلام کرده بود. بدلیل اهمیت این نامه در نشان دادن موضع آقای طهماسبی در برابر حکومت ملی متن آن را در ذیل نقل میکنیم:

بنام خدا

بنام خدائیکه جان من و همهٔ جهانیان در دست قادر و توانای اوست.

بدانید:

خائنین بوطن . توطئه‌چیان علیه آزادی مردم .

دزدان اجتماعی . مزدوران و جاسوسان اجنبی .

و تمام کسانیکه میخواهند دین و ملیت و سعادت ایرانی را دستخوش اغراض شخصی خویش قرار دهند . بدینوسیله شما و تمام کسانیکه علیه حکومت ملی ما ایرانیان محروم جسورانه اقدام میکنید اخطار میشود .

اگر میخواهید بسرنوشت رزم‌آرا و امثال او گرفتار نشوید دست از خیانت بردارید .

بیش از این احساسات ملی ما مردم مسلمان را ملعبه دست خویش نسازید .

بفکر آنکه از احساسات ملی و دینی ما سوءاستفاده کنید یا خواسته‌های توده مردم را بی‌اهمیت بدانید ، نباشید .

بالاخره دست از هر نوع توطئه علیه منافع عمومی ایرانیان و حکومت ملی و دینی آنها بردارید . زیرا :

" نه شما از رزم‌آرا مودبتر و خائن‌ترید و نه خلیل طهماسبی من بکنفر بودم "

امروز همه ملت مسلمان ایران و ما شاگردان مکتب جگرگوشه زهرا یعنی حسین ابن علی علیه السلام به پیروی از دستورات بزرگترین مرد

عالم علی بن ابیطالب علیه‌السلام اجازه نخواهیم داد که حقان پایمال و حیثیت و دینمان دستخوش هوی و هوس دزدان و جاسوسان اجنبی قرار گیرد ملت ایران امروز پشتیبانی خود را نسبت بحکومت آقای " دکتر مصدق " اعلام میدارد چون این حکومت را حافظ دین و منافع خود میدانند و این حمایت و پشتیبانی تا زمانی است که این حکومت در اجرای منویات ملت مسلمان ایران و حفظ شعائر دین مقدس اسلام بکوشد و ما مسلمانان ایران قسمهای شاه و وزراء و وکلاء را در برابر کلام الله مجید و پیشگاه با عظمت الهی فراموش نکرده که گفته‌اند ما در اجرای قوانین و ترویج مذهب شیعه جعفری که در قانون اساسی ذکر شده میکوشیم و بهمین لحاظ اجرای کامل آنرا خواستار است .

همه و همه باید بدانند که ما و ملت ایران با هیچکس صیغه برادری نخوانده همیشه برای مجازات و تنبیه هر خائن و مزدور و خطا کننده و گمراه شونده حاضریم و در راه حفظ شعائر اسلامی و حقوق ملت مسلمان ایران از بذل جان و مال دریغ نداریم .

نتیجه آنکه امروز ملت بیدار ایران به سیاستمداری اهمیت میدهد که بجای خدعه و نیرنگ دارای سیاست و عمل مثبت و نتیجه مفید باشد و اجرای قوانین اسلامی را جدا "خواستار است و از مجازات نیرنگ سازان و حقه‌بازان هم غافل نمی‌شود . (۱۴۵)

از بازداشتگاه کاخ دادگستری - بنده خدا خلیل طهماسی

۹ مرداد ۱۳۳۰

در دهم مرداد ممنوعیت مطلق تشکیل متینگ در بهارستان اعلام شد . (۱۴۶)
و در روز سیزدهم مرداد اعلامیه زیر از جانب وزیر کشور و مسئول امور
شهربانی کل کشور در جرائد منتشر شد . (۱۴۷)

" شهربانی کل کشور با اطلاع عموم میرساند که برای سخنرانی‌ها و متینگ‌ها میدان فوزیه تعیین شده است از عموم طبقات تقاضا می‌شود سه روز قبل کتبا " شهربانی کل کشور را مطلع نمایند .
 از سخنرانان و کارگردانان متینگ نیز خواهشمند است در حفظ نظم و آرامش از بذل و مساعدت با مأمورین انتظامی دریغ نفرمایند .
 وزیر کشور و مسئول امور شهربانی کل - شمس‌الدین امیر علانی

انتظار میرفت با انتشار این اعلامیه دیگر در تهران حوادثی نظیر ۲۳ تیر ۳۰ رخ ندهد . لیکن دستهایی در کار بود که حتی لحظه‌ای دولت ملی دکتر مصدق را از تشنجات داخلی آسوده خاطر نگذارده و توان و قدرت حکومت ملی را که میبایستی در نبرد با امپریالیسم کهنه‌کار انگلیس و دربار مصروف گردد ، در حادثه آفرینی‌های داخلی به تحلیل برد .
 در این زمان یکی از آتش‌بیاران معرکه شخصی بنام امیر عبدالله کرباسجیان صاحب امتیاز* روزنامه " نبرد ملت " بود . شخص فوق‌الذکر در مقاله‌ای تحت عنوان " لکه‌های نتگی که با سیل خون شسته خواهد شد " از جمله نوشت :

" حکومت علاء که بمنظور صحنه‌سازی و مقدمه‌پردازی روی کار آمده بود با قرار و سازش قبلی جای خود را به (پیشوا) واگذار و بدین ترتیب آرزوی هشتاد ساله عجزه‌های سیه قلب سپید موی جامه عمل پوشید و پرده‌های تزویر و سالوس پاره و مقدمه یک جنایت عظیم بحقوق اساسی ملت مسلمان ایران فراهم گردید .

.....

* چون این شخص در جزوه‌ئی علیه وزارت ارشاد ملی ، مدعی شده است که صاحب امتیاز و مسئول روزنامه " نبرد ملت " نبوده برای روشن شدن صحت و سقم این ادعا به شماره‌های مختلف این روزنامه از جمله کلیشه صفحه همین مجموعه مراجعه فرمائید .

در مدت این سه ماه زمامداری مشعشانه ارزنده‌ترین، برجسته‌ترین، فداکارترین فرزندان دلسوختهٔ اسلام و ایران بزدان روانه شدند، بیت المال مسلمین از طرف یکمشت دزد و کلاهبردار بغارت رفت، پشتمانه اسکناس که حاصل خون دل میلیونها مردم رنجبر و ستمکش این ستمکده بود فدای حرص و آرز دشمنان دیرین ملت مسلمان قرار گرفت، هرج و مرج و آشوب بر سراسر دستگاههای اداری حکمفرما گردید، حریم نوامیس مسلمانان با وحشیانه‌ترین وضعی شکسته شد، عمل خلع ید و حتی ملی شدن نفت بصورت مسخره و بازیچه درآمد.

.....

من یقین دارم که اگر چهار روز دیگر این حکومت بهمین منوال بر سر کار باشد باقیمانده آبرو و حیثیتی که بقیمت فداکاریها و خون دلها و جانبازیهای مداوم برای این ملت فراهم شده است نابود و چوب بر نه بساط هستی و سرمایه موجودیت این ملت بدبخت کوفته خواهد شد.

.....

من هر وقت اینهمه غفلت و رذالت را از نظر میگذرانم راه چاره را منحصر بفرود دیده و یقین می‌کنم که این لکدهای ننگی که بر اثر غفلت و روح شهوت‌پرستی و خودکامی یکمشت آدمخواربست صفحات تاریخ زندگی ننگین آنان را آلوده و ملوث نموده است، این طومار سیاه جهنمی اعمال یکمشت غاصب و دزد و آدمکش را باید با سیل خون، با سیلابیکه از خون سیاه و متعفن‌بست‌ترین و کثیف‌ترین موجودات بر صفحه زمین جاری شود شستشو داد. * (۱۴۸)

* آری آقای کرباسجیان این تهمتها و فحاشی‌ها را در مورد تنها حکومت ملی و مردمی پس از کودتای حوت ۱۲۹۹ تا اردیبهشت سال ۱۳۳۵ بکار میبرد و این شخص که بگفتهٔ آقای عبدخدائی، در آن زمان عضو جمعیت "فدائیان اسلام" بوده است اینچنین از آزادی دوران

بدنبال تحریکاتی که ذکر آن رفت اعلامیه‌ای از سوی جمعیت "فدائیان اسلام" در تاریخ ۲۲ مرداد ۳۰ بقرار ذیل منتشر شد. (۱۵۰)

هوالعزیز

شما ای فرزندان اسلام و ایران عصر جمعه ۲۵ مرداد چهار بعداز-ظهر ببرادران فدائیان اسلام در مسجد شاه ملحق شوید. فدائیان اسلام برای تعیین تکلیف قطعی خلع ید بیگانه از نفت ایران و رفع سرگردانی کنونی ملت مسلمان ایران در ساعت ۴ بعدازظهر جمعه در مسجد شاه اجتماع نموده از عموم علماء عالیقدر اسلام، گویندگان،

→ حکومت ملی برای تحریک افراد ناآگاه، سوءاستفاده میکند.

این شخص فردی است که دربارهٔ عملکرد او پس از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد ۳۲، آقای عبدخدائی در گفتگویی با روزنامه کیهان شنبه ۲۷ دی ۵۹ چنین میگوید:

"... تا ۲۸ مرداد با مرحوم آیت‌الله کاشانی است و بعد از ۲۸ مرداد با سپهبد زاهدی.

در همین رابطه مرحوم نواب صفوی در سال ۳۲ طی یک سخنرانی که در مسجد محمودیه می‌کند می‌گوید که "برادرمان کرباسچیان خودش را فروخت، ارزان هم فروخت." به دربار فروخته بود. . . ."

درباره روزنامهٔ همین شخص، نویسنده کتاب "تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران به رهبری دکتر محمد مصدق" (۱۴۹) در صفحه ۱۷۸ مینویسد: . . . روزنامه نبرد ملت از طریق اسدالله علم ارتباط با محافظی داشت. . . "و درباره خودش در همین صفحه مینویسد: "آقای کرباسچیان بعد از ۲۸ مرداد حزب خلق را به وجود آورد و روزنامه نبرد ملت را ارگان آن کرد و باوجوه بسیار کلانی که در آن زمان از دربار می‌گرفت. . . ."

نویسندگان ، طلاب علوم دینی ، محبرین داخلی و خارجی ، وکلاء مجلسین ، وزراء و سفراء ، دانشجویان و تجار و کسبه ، افسران ارتش ، مأمورین انتظامی و کارمندان و کارگران دعوت میشود که در ساعت مذکور در اجتماع فدائیان اسلام حضور یابند .

بیاری خدای توانا - فدائیان اسلام

حادثه آفرینان که برای ناآرام کردن کشور مأموریت داشتند ، در این روزها درگیری دیگری در شهر بجنورد بوجود آوردند . روزنامه اطلاعات در این باره نوشت : "حادثه ۲۳ تیر تهران در بجنورد تجدید شد . " (۱۵۱)
در روز پنجشنبه ۲۴ مرداد ۳۰ برای جلوگیری از هر نوع اغتشاش و برخورد اطلاعاتیه زیر از جانب شهربانی کل کشور صادر و در جراید آن روز بچاپ رسید : (۱۵۲)

"چون بعضی از دستجات برای دادن متینگ در غیر محلی که قبلاً" به اطلاع عموم رسیده است تقاضای شهربانی داده اند مجدداً" برای استحضار عامه متذکر میگردد که میدان شهباز (فوزیه) برای سخنرانی ها تعیین گردیده و کارگردانان متینگ سه روز قبل بایستی تقاضای کتبی خود را به شهربانی بفرستند بنابراین برای جلوگیری از هرگونه اختلال نظم و بروز حوادث ، مأمورین انتظامی موظفند در صورتی که تجمعی در غیر محل مذکور بشود افراد را متفرق نموده و انتظامات را برقرار کنند .
اشخاصی که در برابر قوای انتظامی مقاومت نمایند مسئول عواقب هر نوع پیش آمدی خواهند بود .

وزیر کشور و سرپرست شهربانی کل کشور - شمس الدین امیر علائی

علیرغم اطلاعاتیه و اخطار وزیر کشور و سرپرست شهربانی ، جمعیت

"فدائیان اسلام"، بدون توجه به ممنوعیت برگزاری متینگ در محلی غیر از میدان امام حسین (فوزیه سابق) با جمعیتی بنوشته، روزنامه "طلوع" در حدود "دویست سیصد نفر" (۱۵۳) بسوی مسجد امام خمینی (شاه سابق روانه شده و به "تحریک" مردم علیه دولت ملی میپردازند که در نهایت بدرگیری با مأمورین انتظامی میانجامد، که گزارش آن را بنقل از جرائد در زیر میخوانید.

روزنامه "باختر امروز" زیر عنوان: "جریان حادثه دیروز فدائیان اسلام، در اثر مقاومتی که فدائیان اسلام" دیروز ابراز داشتند و حاضر نشدند که متینگ خود را در میدان فوزیه برپا کنند زد و خوردی بوقوع پیوست که در نتیجه، آن: ۹ نفر دستگیر شده‌اند و یک پاسبان زخمی گردیده است" از جمله نوشت:

"چون واقعه دیروز راجع به متینگ (فدائیان اسلام) مورد تغییرات مختلف واقع شده بود، شایعات ضد و نقیضی در این مورد چه در جراید داخلی و چه رادیوهای خارجی منعکس شده بود. امروز خبرنگار ما به یک مقام عالی‌رتبه انتظامی مراجعه و از ایشان توضیحاتی دربارهٔ واقعه، دیروز خواستار شد.

توضیحی که از طرف آن منبع موثق به خبرنگار ما داده شد بشرح زیر است:

چون قبلاً "شهریانی کل کشور اعلامیه‌ای صادر نموده بود که محل متینگ در میدان (فوزیه) تعیین شده و دستجات مختلف در صورتیکه ۳ روز قبل تقاضای متینگ بنمایند می‌توانند در محل مزبور آزادانه متینگ دهند تقاضای بنام فدائیان اسلام رسیده بود که مایلند در مسجد شاه متینگ بدهند از طرف شهریانی کل کشور جواب داده شده بود که متینگ بایستی در میدان شهپاز انجام پذیرد.

دیروز ساعت ۳/۴۵ دقیقه بعد از ظهر عده‌ای نزدیک ۲۰۰ نفر مجتمعا"



در روزهای ۱۳۳۰ هجری قمری، حکومت محلی در تهران، یک سلسله از اعدامات را در محله «بازار» در تهران انجام داد. در این روزها، مردم در محله «بازار» گرد آمدند و شاهد اعدامات شدند. در این روزها، مردم در محله «بازار» گرد آمدند و شاهد اعدامات شدند. در این روزها، مردم در محله «بازار» گرد آمدند و شاهد اعدامات شدند.

صحنه‌ای از راهپیمایی غیرقانونی ۲۵ مرداد ۱۳۳۰ " فدائیان اسلام " با تفسیری از " روزنامه نبرد ملت "

از منزل واقع در کوچه عزت‌الدوله منزل (صرافان*) با شعارهای خود و بلندگو بطرف کوچه پامنار حرکت میکنند که بمیدان سپه آمده و از ناصر خسرو عبور کرده جلوی مسجد شاه متینگ بدهند مقابل پامنار با بلندگو مشغول سخنرانی میشوند تا مردم را جمع کرده و مجدداً حرکت کنند پلیس اخطار می‌کند که متینگ و سخنرانی بایستی در میدان فوزیه بعمل آید با اخطار پلیس وقعی نمیگذارند و شروع بفحاشی نموده و در برابر قوای انتظامی مقاومت نشان میدهند بطوریکه یکنفر پاسبان بنام (ماشاء‌الله افشار) را با دشنه مضراب میسازند و متعرض سرتیپ همایونفر رئیس پلیس انتظامی نیز میشوند.

افراد پلیس بنا بر وظیفه‌ای که داشته‌اند مردم را متفرق نموده و ۹ نفر از کارگردانان جمعیت مذکور را دستگیر و بشهریانی جلب می‌کنند و بقیه جمعیت نیز متفرق میشوند.

تحقیقات از اشخاص مذکور ادامه دارد.

* در مورد آقای " حاج ابراهیم صرافان " در صفحه ۶ ویژه نامه " یادواره شهید نواب صفوی " روزنامه اطلاعات شنبه ۲۷ دی ۵۹، بنقل از آقای مهندس عزت‌الله سبحانی چنین میخوانیم:

" بعد از ملی شدن نفت که دولت و مصدق درگیر مبارزه با انگلیس بودند، افراد فدائیان اسلام که خارج از زندان بودند به نواب پیشنهاد میکنند که مصدق را ترور کنند، این امر مورد مخالفت قاطعانه نواب قرار گرفت. لیکن در میان افرادی که خارج زندان بودند، عناصری از حزب " اراده ملی " سیدضیاء‌الدین طباطبائی نفوذ کرده بودند. شخصی بنام صرافزاده (صرافان صحیح است) در میان فدائیان اسلام خارج از زندان نفوذ کرد و ترور دکتر قاطمی بدنبال این جریان رخ داد و نواب از این ماجرا خبر نداشت. "

متعاقب این واقعه از طرف آقای امیر علانی وزیر کشور و سرپرست شهربانی کل یک درجه و مقداری وجه نقد برای تشویق پاسبان و دلجوئی از مشارالیه عطاء شده است.

پاسبان مزبور زخم مختصری داشته و بستری نیست در ضمن از یک نفر افسر پلیس نیز که بوسیله دشنه کت او را پاره کرده بودند نیز تشویق بعمل آمده است اتفاق سوء دیگری بهیچوجه رخ نداده است. از این گذشته در واقعه دیروز فقط از طرف پلیس حفظ انتظامات بعمل آمده است.

خبر دیگری که خبرنگار ما داده شد حاکی است که آقای امیر علانی نیز شخصا "بطرف بازار و میدان فوزیه با اتوموبیل سرکشی میکردند." (۱۵۴) خبرنگار روزنامه "اطلاعات" نیز جریان تظاهرات جمعه ۲۵ مرداد "فدائیان اسلام" را بشرح زیر گزارش میکند که در قسمتی از آن چنین میخوانیم:

"خوانندگان گرامی اطلاع دارند که اخیراً از طرف وزارت کشور و شهربانی میدان شهناز (سابقاً میدان فوزیه نامیده میشد) برای اجرای سخنرانی و متینگ تعیین گردیده است و شهربانی کل کشور نیز چند بار در طی اعلامیه این موضوع را بدستجات و طیفاتی که درصدد دادن متینگ هستند ابلاغ نموده و خاطر نشان کرد که باید سه روز قبل از اجرای متینگ کارگردانان میتنگ برنامه خود را بنظر شهربانی کل کشور برسانند.

جمعیت فدائیان اسلام نیز چهار روز پیش بشهربانی اطلاع داد که روز جمعه در مسجد شاه متینگ خواهد داد و شهربانی روز پنجشنبه (پریروز) در طی اعلامیه‌ای مجدداً خاطر نشان کرد که میدان شهناز برای متینگ و سخنرانی‌ها تعیین شده و بنابراین برای جلوگیری از هرگونه اختلال نظم و بروز حوادث مأمورین انتظامی موظفند در صورتیکه تجمعی در غیرمحل مذکور بشود افراد را متفرق نموده و انتظامات را برقرار کنند.

ولی با این همه جمعیت فدائیان اسلام در تصمیم خود پافشاری نموده و ساعت ۳ و چهل و پنج دقیقه بعد از ظهر دیروز بقصد اجرای تظاهرات در مسجد شاه در خیابان سیروس کوچه عزت الدوله منزل صرافان نامی اجتماع نموده و در حدود دویست نفر از جمعیت مزبور در حالیکه پرچمهای سبز و شعارهای متعدد داشته و بوسیله بلندگو به سخنرانی پرداخته بودند حرکت کرده و بطرف پامنار راه افتادند تا پس از طی خیابانهای برق و ناصر خسرو بمسجد شاه بروند .

در مقابل پامنار از آن نظر که مردم را جمع کنند با بلندگو شروع سخنرانی نمودند و چون این کار برخلاف مقررات بود پلیس با آنان اخطار نمود که باید در میدان شهناز به متینگ و سخنرانی بپردازند . ولی متأسفانه آنان گذشته از آنکه تمکین نکردند در صدد تجاوز برآمده و بدست پاسبانی بنام ماشاءالله افشار با دشنه سه ضربه وارد ساخته و یک صندوق جای میوه را نیز بسر آقای سرهنگ ۲ میرزائی رئیس کلانتری پرتاب نمودند و بر رئیس پلیس انتظامی نیز فحاشی نموده و لباس افسری بنام ستوان دوم منصور بهشت را دریدند و چون پاسبانان وضع را چنین دیدند جدا مانع از انجام عملیات آنان گردیده و ۹ نفر از رؤسا و کارگردانان آنان را دستگیر ساخته و جمعیت را متفرق نمودند .

آقای امیر علائی وزیر کشور و سرپرست شهربانی نیز مقارن همین احوال با آقای سرهنگ خلعتبری آجودان خود از میدان شهناز و خیابانهای که مسیر راه فدائیان بود سرکشی نمود . " (۱۵۵)

در فردای تظاهرات ۲۰۰ نفری " فدائیان اسلام " در ۲۵ مرداد ۳۰ ، آقای خلیل طهماسبی در تائید حکومت ملی دکتر مصدق و در پشتیبانی از آیت الله کاشانی و در هشدار به نفاق افکنان ، نامه‌ای بجرائد فرستاد که متن آن را در ذیل میآوریم . (۱۵۶)

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از حمد و ستایش خدای بی‌همتا و رسول اکرم (ص) وائمه اطهار و سلام ببرادران غیور و شرافتمند مسلمان برای روشن شدن افکار عمومی ایرانیان و مردم مسلمان جهان این پیام را از بازداشتگاه کاخ دادگستری تهران اعلام میدارم غرض و مقصود غائی من و سایر فرزندان غیوری که در صدد نابودی خائنین برآمده‌اند اعتلا مذهب مقدس اسلام و استقلال وطن عزیزم ایران و قطع ایادی بیگانگان و بیگانه‌پرستان بوده و ما بحکم تکلیف مذهبی و دفاع از حقوق مسلمانان بچنین اقدامی دست زدیم تا برای فرزندان رشید اسلام و ایران سرمشق فداکاری شده باشیم و امیدواریم که همه ملت ایران و تمام جمعیت‌های دینی و سیاسی بدون هیچ اختلاف عقیده به پیروی از نیت خیرخواهانه پدر روحانی حضرت آیت‌الله‌کاشانی از دولت جناب آقای دکتر مصدق پشتیبانی کرده و بخصوص در مورد نفت از بذل هر گونه فداکاری و پشتیبانی خودداری ننمایند .

ما همچنانکه در کمال حسن نیت حاضریم در راه رسیدن به مقصود و آمال ایرانیان فداکاری نمائیم و ملت را بهمکاری دعوت مینمائیم و به تمام کسانی که دست از توطئه برداشته و بخیانتهای و خرابکاری‌های خود ادامه میدهند اعلام میکنیم که اگر میل دارید بسرنوشت رزم‌آرا دچار نشوید دست از خیانت و خرابکاری و ایجاد نفاق و تفرقه بردارید بهمان طرز نیز از دولت جناب آقای دکتر مصدق جدا " می‌خواهیم که از هم اکنون هر چه زودتر در اجرای احکام دین مبین اسلام بکوشد .

ملت ایران ، بیدار باشید و فریب نیرنگسازان و حقه‌بازان را نخورید و بدانید که هرگونه نفاق و تفرقه‌ای که در میان خود بوجود آورید بمصدق " از هر طرف که شود کشته سود اسلام است " اجازه داده‌اید که دشمن خونخوار از موقع استفاده کند و بچپاول و دزدی خود ادامه دهد .

منکه مانند برادر بزرگوارم ، شهید عزیز میر سید حسین امامی صرفاً "

روی هدف مقدس اسلام و پیروی از بزرگ مجاهد عالم بشریت اعلیحضرت حسین بن علی علیه السلام باین عمل اقدام کرده‌ام یکبار دیگر بتمام دشمنان اسلام و ایران اعلام میکنم که همانطور که حضرت سید حسین امامی جانشین داشت من نیز جانشین‌ها دارم و امروز تمام ملت مسلمان ایران جانشین من و آماده کوتاه کردن دست اجانب و مزدوران آنها میباشند و محال است بخائنی اجازه ادامه حیات بدهند.

خائنین و از خدا بیخبران بیائید بخاطر رستگاری و نجات و سعادت خود دست از خیانت و تزویر بردارید شاید خدای بخشنده شما را ببخشد خلق خدای از کشیدن انتقام درگذرند.

در خاتمه مجدداً از ایرانیان و هموطنان مسلمان خود تمنا دارم که عملی انجام ندهند که خلاف نیت خیرخواهانه حضرت آیت‌الله کاشانی و برادران و هموطنان خود سبب تضعیف دولت گردد زیرا، در این موقع حساس هرگونه نفاق و تفرقه که سبب تضعیف دولت گردد بسود خارجیها خواهد بود.

روزنامه "طلوع" که خوانندگان از ماهیت آن مطلع میباشند از درگیری ۲۵ مرداد بعنوان "فاجعه" یاد کرد و یکبار دیگر به نوحه‌خوانی و اشک - افشانی پرداخت، اما این بار نه برای کشته شدن و مصدوم شدن هواداران حزب توده، بلکه برای توقیف مسلمانانی که "مختصر ریشی" داشتند و در باره "فاجعه" ۲۵ مرداد نوشت:

"دیروز دولت از متینگ فدائیان اسلام جلوگیری کرد و بر اثر زد و خوردی که در گرفت جمعی از افراد فدائیان اسلام و عده‌ای از افراد پلیس زخمی و مجروح شدند ولی تلفاتی وارد نیامده است.

بر اثر این زد و خورد شهربانی شانزده نفر از فدائیان اسلام را توقیف کرد و فعلاً "مورد بازجوئی هستند.

.....

اسامی کسانی که در فاجعه پربروز و دیروز توقیف شدند بدینترتیب است:

حجة الاسلام حضرت حاج سید هاشم حسینی - حجة الاسلام حاج شیخ محمد رازی - ثقة الاسلام آقای شیخ مهدی حق پناه و آقایان میر سیدعلی میرعبدالعظیمی - حاج میرزا ابراهیم صرافان - اصغر حق پناه - محمد گلدوست - تقی خرمی - عبدالله احمدی - غدیر خیاط - علی دولابی - رضا کاشانی - حسین بیرهن دوز - مصطفی غروی - سید محسن بهشتی - حکمت الله - رضا قدوسی - تقی متبحری .

توقیف افراد مسلمان یعنی کسانی که مختصر ریشی داشته باشند از طرف حکومت مصدق همچنان ادامه دارد اینست منطق و رویه عاقلانه حکومت آزادخواه مصدق . " (۱۵۷)

روزنامه "اطلاعات" تاریخ ۲۷ مرداد زیر عنوان " فدائیان اسلام میگویند میدان شهناز برای میتنگهای سیاسی است نه مذهبی " چنین می نویسد:

"امروز عده ای از فدائیان اسلام با اداره آمده و نسبت بعمل شهربانی معترض بودند و میگفتند که میدان شهناز برای میتنگهای سیاسی اختصاص داده شده نه میتنگهای مذهبی - ما میخواستیم با برادران مسلمان خود در مسجد شاه ملاقات نموده و نظریات خود را ابراز داریم . معذالک برای امتثال امر مقامات انتظامی حاضر شدیم که بلندگوی خود را جلوی مسجد شاه فرستاده و ب مردم اطلاع دهیم که برای متینگ به میدان شهناز برویم ولی مأمورین نگذاشتند و در نزدیکی سرچشمه پاسبانان مسلح جلوی فدائیان اسلام را گرفته و ب آنها حمله نمودند و طی نامه ای که با اداره تسلیم داشتند مدعی هستند که پنجاه نفر از فدائیان اسلام مصدوم و مجروح شده و تا امروز صبح ۲۱ نفر از آنان را دستگیر کرده اند و اکنون هم شب و روز در تعقیب سایر فدائیان میباشند ."

"نبرد ملت" که خوانندگان ما صاحب امتیازش آشنا میباشند، طی مندرجات خود بخوبی نشان میدهد که هدف این به اصطلاح "متینگ" چه بوده و نقش آقای "صرافان" در ایجاد این درگیری تا چه اندازه بوده است. در این رزنامه زیر عنوان "جمعه گذشته تهران ناظر یک فاجعه بزرگ ننگین بود" می خوانیم.

"عمل جنون آمیز و جنایتکارانه حکومت ضد اسلام مصدق نسبت بساحت مقدس قرآن عزیز، ارجمندترین کتب مقدس آسمانی و توقیف دسته جمعی روحانیون و علماء عالیقدر اسلام و مضروب و مجروح نمودن مسلمانان پاکدل و شرافتمند، این سربازان فداکار و رشید جهان اسلام چنان عکس-العمل ناهنجار و تنفر شدیدی در ملل حق پرست عالم، مسلمانان بیدار و عبور خصوصا "ملت مسلمان ایران نمود که تشریح آن از عهده خارج است. رادیوها و خبرگزاریهای خارجی خبر این فاجعه را بعنوان یک سانحه بزرگ مردم دنیا عرضه داشته و محافل سیاسی و ملی و مطبوعات دنیا وقوع این فاجعه ننگین را بعنوان یک اقدام (ضد دموکراسی) و نمونه بارزی از روش (پلیسی) حکومت مصدق تلقی . . ."

و درباره "متینگ" جمعه مینویسد:

"از صبح روز پنجشنبه یعنی روز قبل از فاجعه بلندگویی که بمنظور دعوت مردم برای شرکت در اجتماع روز جمعه بر روی اتوموبیلهای جیب که با پرچم های سبز (هوالعزیز) و عکسهای (رهبر فدائیان اسلام) تزئین شده بود در خیابانهای تهران بحرکت درآمد.

این اتوموبیلها حامل افراد (گروه علنی انتظامات) بود گوینده ای که پشت بلندگوی مقدم قرار گرفته بود ضمن دعوت مردم آنان را برعایت اوامر مقدس خدای عزیز و اجرای احکام اسلام تشجیع و به مبارزه بر علیه مظالم پلید اجانب استعمارگر و نوکران حلقه بگوشان تحریک مینمود.

و سپس تحت عنوان "فضولی موقوف!" می نویسد:

"از صبح روز پنجشنبه رفت و آمد رؤسای پلیس بمنزل آقای صرافان شروع شد. آنها باب مذاکره در مورد تغییر محل اجتماع را با آقای واحدی مفتوح نمودند.

یک بار هم آقای صرافان را برای انصراف از اجتماع در مسجد شاه برای مذاکره با مسئولین نظمیته شهربانی بردند. آنان همه جا تصمیم راسخ برادران خود را ابلاغ و میگفتند مایک صف مقتدر دینی متکی بخدا هستیم. میخواهیم با برادران مسلمان خود از اوامر خدا و دین خدا سخن گفته از تحریکاتی که بوسیله اجانب پست و پلید نوکران بیشرمان علیها بین ملت مسلمان صورت میگیرد برده برداشته نسبت به گستاخی انگلستان استثمارگر ابراز تنفر کنیم.

شما حق ندارید اصولاً "نسبت با اجتماع ما اظهار نظری کنید مسجد خانه خدا است و اختیار خانه خدا هم در دست شما نیست، بروید عقل خود را عوض کرده و دست از گستاخی و جسارت بردارید عمل ما یک اقدام مشروع خدایسند قانونی است و هیچ کس حق دخالت ندارد و بروید فضولی موقوف!" (۱۵۸)

از خواننده، منصف میخواهیم لحظه‌ای با خود بیندیشد در صورتیکه دولت جمهوری اسلامی ایران امروز در مقابل چنین گروهی قرار بگیرد چه راهی را در مقابل آنان در پیش خواهد گرفت و سپس به موضع عادلانه‌ای که دولت ملی دکتر مصدق در هنگامیکه از هر طرف با توطئه‌های امپریالیست‌ها و دربار روبرو بود - میبایستی در باره این گروه میگرفت اندکی تأمل نماید!

در ۲۸ مرداد ۱۳۳۰، آقای سید عبدالحسین واحدی که متأسفانه توجه نداشت که چگونه با عملکرد نادرست خودآب به آسیاب دشمن ملت و اسلام و استقلال ایران میریزد بعوض انتقاد از خود بدلیل مشی حادثه آفرینانه و

تسج آفرس خود - در زمانی که میهن ما بیش از هر زمان نیازمند به آرامش بود - نامه زیر را خطاب به "دادستان تهران" فرستاد که چون همیشه در روزنامه "طلوع" بحاجت رسید، (۱۵۹)

هوالمعزیز

بسم الله الرحمن الرحيم

اعلام حرم

آقای دادستان تهران

تجری و تمرد قوای انتظامی بحدی رسیده است که هتک مقدسات و نوامیس و پایمال نمودن جان و حیثیت شئون مردم از هیچ وحشیگری و شرارتی روی گردان نبوده شئون حیات و هستی مسلمانان را پایمال اغراض و شهوات پلید و ننگین خود مینمایند.

بعقیده ما این تجری و تحاسر از ضعف دستگاه قضائی و عدم اجرای قوانین و مسامحه در مجازات متخلفین و اشرار سرچشمه میگردد.

امروز بعلت همین ضعف و اهمال کار بجائی رسیده است که هر قدرارهند و صاحب قدرتی با کمال قسوت و بیرحمی و در نهایت ردالت و وحشیگری برآیدان این ملت مسلمان غیور و دلسوخته ناخته و با کمال اطمینان خاطر و حسارت هر روز بیش از روز پیش در ارتکاب جنایاتی که روح انسانیت و قانون از آن منزجر است جری تر و بی باکتر میشود.

دیروز صدها هزار نفر مردم این شهر ناظرو شاهد صحنه ای از این روح عصیان و تمرد و جنایتکاری بودند جمعی از علماء عالیقدر اسلام و عده مسلمان شریف در حالیکه معول بتلاوت کلام انلد مجید بودند با کمال متانت و آرامش از منزلی واقع درخیابان سیروس که محل اجتماع آنان بود خارج و بطرف میدان سرچشمه روان گردیدند در میدان سرچشمه صفوف آرام

استیو کس - عصر دیروز اعلام قطع مذاکرات با دکتر همدان کرد ولی دکتر مت لبق

دیشب نامه‌ای باو نوشت که

دشمن نامه‌های باو نوشت که...

دشمن نامه‌های باو نوشت که...

دشمن نامه‌های باو نوشت که...

دشمن نامه‌های باو نوشت که...

دشمن نامه‌های باو نوشت که...

دشمن نامه‌های باو نوشت که...

● اطلاع روزنامه ارتجاعی "داد" عمیدی نوری از "فدائیان اسلام"

و منظم با حمله مسنحانه و وحشیانه قوای پلیس مواجه شد از طرف سران جمعیت بمردم اعلام شد که هیچکس حق کوچکترین مقاومت و یا ابراز خشونت را نداشته، آرام بایستید ببنیم اینها چه میگویند. رئیس قوای پلیس وقتی دید رهبران جمعیت خود مناسبت را حفظ کردند بمنظور اجرای نقشه شوم خود بلافاصله مجدداً حمله را تجدید و مردم بی‌گناه را بزیر ضربات سرنیزه و قنداق تفنگ نیروی وحشی انتظامی انداخت.

بفاصله چند دقیقه قریب پنجاه نفر سختی مجروح که حال عده‌ای از آنان بسیار خطرناک و جمع کثیری هم بدون مجوز قانونی با کمال خشونت با وضعی توهین‌آمیز بازداشت و زندانی شدند.

مابدینوسيله عليه وزير کشور و سرپرست شهربانی که مسبب اصلی خون ریزی و زد و خورد دیروز و مسئول توقیفهای غیرقانونی برادران غیور و شرافتمند است اعلام حرم نموده رسیدگی جدی فاجعه مرموز و جنایتکارانه دیروز و تعقیب سریع و مجازات قطعی مسبین این جنایت فجیع را خواستار و انتظار داریم با آزادی برادران ما بر زخم جان‌گداز مسلمانان مرهم نهید.

ملت مسلمان ایران چشم با اقدامات مجدانه شما در تعقیب و مجازات دشمنان پیشرم خود دوخته و انتظار دارد در چنین موقع حساسی که از هر طرف منافع حیاتی و حقوق اساسی او مورد دستبرد و معامله نوکران پست اجانب و دشمنان اسلام است با تعقیب و مجازات این جنایتکاران باعث عبرت دیگران شوید.

بیاری خدای توانا

از طرف فدائیان اسلام فرزند کوچک علی علیه‌السلام

سید عبدالحسین واحدی

در ۲۱ مرداد ۳۵ آقای نواب صفوی بدلیل اینکه شهربانی مانع عمل خلاف قانون و مصلحت امت اسلامی و استقلال کشور، "میتنگ" ۲۵ مرداد -

که حاج ابراهیم صرافان عامل سیدضیاءالدین طباطبائی تعزیه‌گردان آن بود - هواداران ایشان شده و عده‌ای را بجرم حمله و هتاکی به مأمورین انتظامی بازداشت نموده بود. نامه‌ای سرایا فحش با عنوان "توای مصدق کاذب بیش از بیش چهره" کربه باطن خود را بدینا و مسلمانان نشان دادی" خطاب به پیشوای نهضت ملی و جنبش ضد استعماری ملت ایران نوشت که در جرائد مخالف حکومت ملی و وابسته به دربار منتشر شد.*

این قصص را با آوردن "پیام آقایان علما، اعلام مرکز بعموم طبقات" که در این ایام در تایید و پشتیبانی حکومت ملی دکتر مصدق منتشر شد. به پایان میرسانیم (۱۶۰)

پیام آقایان علما، اعلام مرکز بعموم طبقات

بسم الله الرحمن الرحيم اعود بالله من الشيطان الرجيم و ذكروا نعمة الله عليكم اذ كنتم اعداء، فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخوانا و كنتم على شفا حفرة من النار فانقذكم منها .

عموم برادران دینی و قاطبه ملت عزیز ایران ادام الله تا ییاداتهم را بعد از تقدیم سلام تذکر میدهد .

یکی از مقاصد مهمه اسلامی حفظ وحدت و جلوگیری از تشتت و تفرقه است (و اعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا) بنحویکه خاطر همگی مستحضر است دولت جناب آقای دکتر مصدق در مدت قلبی ببرکت امداد معنوی ائمه هدی صلوات الله علیهم و بر اثر مجاهدت و پشتیبانی عموم ملت و حمایت قاطبه مسلمین جهان موفق بانجام خدمت حیاتی (اجرای قانون ملی شدن نفت و خلع ید اجانب از منابع ثروت) گردیده ، اکنون که این توفیق الهی و افتخار ملی نصیب جامعه ایرانی شده در حقیقت قیود اسارت یک ملت اسلامی در دست اجانب در هم ریخته است .

باید عموماً "متوجه بود که آنان مجدداً" درصدد تجدید سلطه ظالمانه

خود بوده و بدست عمال ناپاکی که دارند با جدیت تمام شروع به تحریکات مضره و مضله نموده و از هر بیسآمد ساده‌ای برای ایجاد شکاف در صف واحد ملت و دولت و القاء نفاق و تفرقه غفلت ندارند .

کمال مطلوب آنها فقط اینست که این جهاد تاریخی به پیروزی قطعی نرسد و به ترتیب دیگری که بیشتر از سابق مطامع و مقاصد آنها را تامین کند منابع اقتصادی و حیات سیاسی این کشور را بدست گرفته برای همیشه این ملت را استثمار نمایند .

اینک با توجه بموقعیت خطیر امروز لازم است که عموم برادران عزیز متوجه وضع حاضر باشند و از دسائس و تحریکات گوناگون مزدوران اجانب در هر مقام و منصبی که هستند برحذر باشند و کماکان به حفظ وحدت کلمه و اتفاق نظر و تقویت دولت در اجراء منویت ملت و اصلاحات لازمه ادامه دهند - این جانبان به تائیدات خداوند متعال از هر نوع جدیت بر حفظ وحدت و مصالح ملت و مملکت غفلت نخواهیم کرد . انشاء الله تعالی - تائیدات عموم برادران دینی را از درگاه الهی مسئلت مینمایم - والسلام علیکم رحمة الله و برکاته .

سوم ذی الحجة ۱۳۲۰ امضاء سید محمد حسن نبوی - حاج سید نصرالله بنی صدر - حاج شیخ محمد باقر رسولی - حاج آقا حسین آیه الله زاده اصفهانی - آقا میرسید علی قمی - حاج سید کاظم شریعتمدار تبریزی - حاج آقا رضا زنجانی - حاج آقا رفیع رشتی - حاج آقا نورالدین رشتی - حاج شیخ جواد حائری قومی - آقا شیخ غلامحسین همدانی - حاج سیدعلی کمالی - آقا سید موسی آقا زاده اصفهانی - حاج سیدعلی اصغر لاری - آقا شیخ محمد حسین شفیعی همدانی - حاج شیخ رضا سراج تهرانی - حاج آقا میرزا آقا بزرگ نوری - آقا سید علی اصغر برقمی - حاج میرزا ابوالحسن حسینی قمی - عباس مهاجرانی - حاج سید احمد شهرستانی - سید محمد صادق رضوی القمی - حاج میرزا ابوالحسن مدرس تهرانی - حاج سیدعلی اصغر جزائری - حاج شیخ جعفر خندق آبادی - حاج شیخ عباس مشکوری .

مآخذ

مآخذ

- (۱) : در این باره به روزنامه‌ها و مجلات اسفند ۱۳۲۹ نگاه کنید.
- (۲) : مجله تهران‌منصور، شماره ۴۸۴ مورخه جمعه سی‌ام آبان‌ماه ۱۳۳۱.
- (۳) : روزنامه اصناف مورخه شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۲۹.
- (۴) : روزنامه طلوع، شماره ۴۶۲، مورخه یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۲۹.
- (۵) : روزنامه طلوع، شماره ۴۶۲، مورخه یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۲۹.
- (۶) : روزنامه اطلاعات، مورخه ۲۱ اسفند ۱۳۲۹.
- (۷) : روزنامه طلوع، مورخه ۲۱ اسفند ۱۳۲۹.
- (۸) : روزنامه طلوع، شماره ۴۶۳، ۲ شنبه ۲۱ اسفند ۱۳۲۹.
- (۹) : روزنامه اطلاعات، شماره ۷۴۷۱، مورخه دوشنبه ۲۱ اسفند

۱۳۲۹.

- (۱۰) : روزنامه بسوی آینده، شماره ۲۲۲، ۳ شنبه ۲۲ اسفند ۱۳۲۹
- (۱۱) : روزنامه طلوع، شماره ۴۶۲، ۳ شنبه ۲۲ اسفند ۱۳۲۹
- (۱۲) : روزنامه "بسوی آینده" مورخه ۲۳ اسفند ۱۳۲۹
- (۱۳) : روزنامه "طلوع" مورخه ۴ شنبه ۲۳ اسفند ۱۳۲۹
- (۱۴) : "روزنامه" بسوی آینده" شماره ۲۴۴ مورخه ۵ شنبه ۲۴ اسفند

۱۳۲۹

- (۱۵): روزنامه "طلوع" شماره ۴۶۶ مورخه ۵شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۲۹
- (۱۶): روزنامه "داد" مورخه جمعه ۲۵ اسفند ۱۳۲۹
- (۱۷): روزنامه "اطلاعات" مورخه سه‌شنبه ۲۹ اسفند ۱۳۲۹
- (۱۸): بنقل از روزنامه "باختر امروز" ۷ فروردین ۱۳۳۰
- (۱۹): روزنامه "جهان آذر" بجای "اصناف" ۱۰ فروردین ۱۳۳۰
- (۲۰): روزنامه "باختر امروز"، مورخه ۷ فروردین ۱۳۳۰
- (۲۱): روزنامه "نوید آینده" بجای "بسوی آینده" شماره ۲۳۱،
مورخه ۳شنبه ۷ فروردین ۱۳۳۰
- (۲۲): روزنامه "جهان آذر" بجای "اصناف" مورخه ۱۰شنبه
فروردین ۱۳۳۰
- (۲۳): روزنامه "باختر امروز"، مورخه یکشنبه ۱۱ فروردین ۱۳۳۰
- (۲۴): روزنامه "آذر" بجای "بسوی آینده" مورخه سه‌شنبه ۱۳
فروردین ۱۳۳۰
- (۲۵): روزنامه "آذر" بجای "بسوی آینده" ۵شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۳۰
- (۲۶): روزنامه "باختر امروز" مورخه ۵شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۳۰
- (۲۷): روزنامه "طلوع" مورخه جمعه ۱۶ فروردین ۱۳۳۰
- (۲۸): روزنامه "اطلاعات"، مورخه شنبه ۱۷ فروردین ۱۳۳۰
- (۲۹): "کارنامه مصدق و حزب توده" انتشارات مزدک، صفحات ۱۲۳
و ۱۲۴
- (۳۰): روزنامه "مجازات" بجای "بسوی آینده"، مورخه یکشنبه ۱۸
فروردین ۱۳۳۰
- (۳۱): روزنامه "طلوع"، شماره ۴۷۷، مورخه ۵شنبه ۲۲ فروردین ۱۳۳۰
- (۳۲): نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورایی،
انتشارات مصدق، ج ۴ ص ۱۲۰

- (۳۳): نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورایی ،
انتشارات مصدق ، ج ۴ صفحات ۱۲۰ - ۱۲۱
- (۳۴): نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورایی ،
انتشارات مصدق ، ج ۴ ، ص ۱۲۱
- (۳۵): "طلوع" مورخه جمعه ۲۳ فروردین ۱۳۳۰
- (۳۶): روزنامه باختر امروز ، مورخه یکشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۳۰
- (۳۷): روزنامه "مجازات" بجای "بسوی آینده" یکشنبه ۲۵ فروردین
۱۳۳۰
- (۳۸): روزنامه "پرچم صلح" بجای "بسوی آینده" دوشنبه ۲۶
فروردین ۱۳۳۰
- (۳۹): روزنامه "طلوع" مورخه دوشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۳۰
- (۴۰): "نویدآینده" شماره ۲۳۱ مورخه ۷ فروردین ۱۳۳۰ بنقل از:
"گذشته چراغ راه آینده است" ص ۵۱۹
- (۴۱): روزنامه "باختر امروز" دوشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۳۰
- (۴۲): نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورایی ،
انتشارات مصدق ، ج ۴ ، ص ۱۳۰
- (۴۳): نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورایی ،
انتشارات مصدق ، ج ۴ ، ص ۱۳۲
- (۴۴) ، (۴۵) ، (۴۶): نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم
مجلس شورایی ، انتشارات مصدق ، ج ۴ ، ص ۱۳۳
- (۴۷): روزنامه "باختر امروز" مورخه ۲۷ فروردین ۱۳۳۰
- (۴۸): نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورایی ،
انتشارات مصدق ، ج ۴ ص ۱۲۳ - ۱۲۴
- (۴۹) و (۵۰): نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم در مجلس
شورایی ، انتشارات مصدق ، ج ۴ ص ۱۲۴
- (۵۱): نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم در مجلس شورایی ،
انتشارات مصدق ، ج ۴ ص ۱۲۶

- (۵۲) : نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم در مجلس شورای ملی ،
انتشارات مصدق ، ج ۴ ص ۱۲۷
- (۵۳) : نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم در مجلس شورای ملی ،
انتشارات مصدق ، ج ۴ ص ۱۲۷ و ۱۲۸
- (۵۴) : نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم در مجلس شورای ملی ،
انتشارات مصدق ، ج ۴ ص ۱۲۸
- (۵۵) : نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم در مجلس شورای ملی ،
انتشارات مصدق ، ج ۴ ص ۱۲۹
- (۵۶) : نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم در مجلس شورای ملی ،
انتشارات مصدق ، ج ۴ ص ۱۳۱
- (۵۷) : نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ،
انتشارات مصدق ، ج ۴ ص ۱۳۴
- (۵۸) : روزنامه " مجمر " بجای " بسوی آینده " مورخه ۴ شنبه ۲۸
فروردین ۱۳۳۰
- (۵۹) : روزنامه " باختر امروز " شماره ۵۰۱ ، چهارشنبه ۲۸ فروردین
۱۳۳۰
- (۶۰) : روزنامه " طلوع " مورخه ۲۹ فروردین ۱۳۳۰
- (۶۱) : روزنامه " مجمر " بجای " بسوی آینده " مورخه ۵ شنبه ۲۹
فروردین ۱۳۳۰
- (۶۲) : روزنامه " مجهر " بجای " بسوی آینده " شماره ۲۵۳
- (۶۳) : " اطلاعات " شماره ۷۴۹۸ مورخه ۳۱ فروردین ۱۳۳۰ بنقل از
کتاب " گذشته چراغ راه آینده است " ص ۵۱۶
- (۶۴) : " کارنامه مصدق و حزب توده " انتشارات مزدک ، ص ۱۲۱
- (۶۵) : " کارنامه مصدق و حزب توده " انتشارات مزدک ، صفحات
۱۲۱ - ۱۲۲

- (۶۶): "کارنامه مصدق و حزب توده" انتشارات مزدک، صفحات ۱۲۲
- (۶۷): "کارنامه مصدق و حزب توده" انتشارات مزدک، صفحات ۱۲۲
- (۶۸): "کارنامه مصدق و حزب توده" انتشارات مزدک، ص ۱۲۲
- (۶۹): "باختر امروز" مورخه ۳۱ فروردین ۱۳۳۰
- (۷۰): روزنامه "اطلاعات" مورخه شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۳۰
- (۷۱): روزنامه "اطلاعات"، مورخه یکشنبه اول اردیبهشت ۱۳۳۰
- (۷۲): روزنامه "اطلاعات"، مورخه دوشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۳۰
- (۷۳): روزنامه "داد" مورخه سه شنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۳۰
- (۷۴): "کارنامه مصدق و حزب توده" انتشارات مزدک، ص ۱۲۳
- (۷۵): نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، انتشارات مصدق، ج ۴ صفحات ۱۳۵ و ۱۳۶
- (۷۶): اسناد نفت، از انتشارات دولت مصدق ۱۳۳۰، انتشارات پویان، صفحات ۶۸ و ۶۹
- (۷۷): نطقها و مکتوبات دکتر مصدق در دوره شانزدهم، انتشارات مصدق، ج ۵ ص ۸
- (۷۸): نطقها و مکتوبات دکتر مصدق در دوره شانزدهم، انتشارات مصدق، ج ۵ ص ۱۰
- (۷۹): گذشته چراغ راه آینده است، نشر جامی، ص ۵۱۷
- (۸۰): روزنامه طلوع شماره ۴۹۱ مورخه یکشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۳۰
- (۸۱): روزنامه "باختر امروز" شماره ۱۰۷۲
- (۸۲): "تحلیلی از مبارزات ملت ایران به رهبری دکتر مصدق" از انتشارات: "حزب ایران" وابسته به "جبهه ملی" ص ۱۵
- (۸۳): مصدق و نهضت ملی ایران از: اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا و آمریکا و کانادا" صفحات ۸۸ - ۸۹

- (۸۴): نطقها و مکتوبات دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورایملی، انتشارات مصدق، ج ۵، ص ۱۴
- (۸۵): روزنامه "طلوع" شماره ۴۹۱ مورخه ۸ اردیبهشت ۳۰
- (۸۶): فرازهائی از زندگی شهید دکتر سید حسین فاطمی " از انتشارات: "اعضاء سازمان مجاهدین خلق ایران (مستقل از جنبش ملی مجاهدین) " نشرصعدیه، ص ۳۱
- (۸۷): روزنامه "آتش" شماره ۹۱۷، مورخه یکشنبه ۸ اردیبهشت

۱۳۳۰

- (۸۸): " تاریخ مبارزات ضدامپریالیستی مردم ایران به رهبری دکتر محمد مصدق " از: آقای جلیل‌الله مقدم، صفحات ۲۰۴ و ۲۰۵
- (۸۹): " مصدق و نهضت ملی ایران " از انتشارات: " اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا و انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا " ص ۸۹

- (۹۰): نطقها و مکتوبات دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورایملی " انتشارات مصدق، ج ۵، صفحه ۱۱
- (۹۰ مکرر): تقریرات مصدق در زندان " یادداشت شده توسط آقای جلیل بزرگمهر، ... سازمان کتاب، صفحات ۱۱۹ تا ۱۲۱
- (۹۱): "نطقها و مکتوبات دکتر مصدق در دوره شانزدهم" انتشارات

مصدق، ج ۵، ص ۱۱

- (۹۲): روزنامه "آتش" موخه ۳شنبه ۱۰ اردیبهشت ۳۰
- (۹۳): روزنامه "باختر امروز" شماره ۵۱۲ مورخه ۴شنبه ۱۱ اردیبهشت

۳۰

- (۹۴): روزنامه "اطلاعات" مورخه ۱۲ اردیبهشت ۳۰
- (۹۵): "کارنامه مصدق و حزب توده"، انتشارات مزدک، ص ۱۳۶
- (۹۶): روزنامه "باختر امروز" شماره ۵۱۷ مورخه ۱۷ اردیبهشت ۳۰

متن فوق بدون اسامی ده نفر آخر در روزنامه "آتش"، شماره ۹۲۳، مورخه ۱۷ اردیبهشت ۳۰ نیز موجود است.

(۹۷): روزنامه "اطلاعات" مورخه دوشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۳۰

(۹۸): روزنامه "آتش" شماره ۹۲۵، مورخه پنجشنبه ۱۹ اردیبهشت

۱۳۳۰

(۹۹): روزنامه "باختر امروز" شماره ۵۱۹، مورخه شنبه ۲۱ اردیبهشت

۱۳۳۰

(۱۰۰): روزنامه "قائمقام" بجای "اصناف" مورخه ۲۱ اردیبهشت

۱۳۳۰

(۱۰۱): روزنامه "اطلاعات" مورخه یکشنبه ۲۲ اردیبهشت ۳۰

(۱۰۲): کتاب ارزشمند "فرازهائی از زندگی شهید دکتر سید حسین

فاطمی"، از انتشارات: نشر صمدیه.

(۱۰۳): مجله "ترقی" شماره مسلسل ۴۳۵ مورخه دوشنبه ۲۳ اردیبهشت

بهشت ۱۳۳۰

(۱۰۴): مجله "پیام انقلاب" شماره ۲۱ مورخه ۲۱ آذر ۱۳۵۹

(۱۰۵): روزنامه کیهان شماره ۱۱۱۹۲ مورخه ۲۷ دی ۵۹

(۱۰۶): روزنامه "حجار" شماره ۳۳ مورخه ۲۲ اردیبهشت ۳۰

(۱۰۷): مجله "خواندنیها" سال یازدهم شماره مسلسل ۶۸۲

(۱۰۸): روزنامه "باختر امروز" شماره ۵۲۱، مورخه دوشنبه ۲۳

اردیبهشت ۳۰

(۱۰۹): روزنامه "اطلاعات" مورخه دوشنبه ۲۳/۲/۳۰

(۱۱۰): روزنامه "باختر امروز" شماره ۵۲۴ مورخه پنجشنبه ۲۶/۲/۳۰

(۱۱۱): روزنامه "سیاست جهان" بجای "اصناف" مورخه ۲۸

اردیبهشت ۳۰

- (۱۱۲): روزنامه "اطلاعات" مورخه دوشنبه ۱۳ خرداد ۳۰
- (۱۱۳): روزنامه "اطلاعات" مورخه سه شنبه ۱۴ خرداد ۳۰
- (۱۱۴): روزنامه "بسوی آینده" شماره ۳۱۵ مورخه ۳۰/۳/۱۹ ای مردم شرافتمند جنوب تهران! "بنقل از گذشته چراغ راه آینده است، ص ۵۴۷
- (۱۱۵): روزنامه "اطلاعات" شماره ۷۵۶۷ مورخه یکشنبه ۲۳ تیر ۱۳۳۰
- (۱۱۶): روزنامه "باختر امروز" شماره ۵۷۲، مورخه ۳۰/۴/۲۴، به نقل از "گذشته چراغ راه آینده است"، ص ۵۵۰
- (۱۱۷): روزنامه "شجاعت" بجای "بسوی آینده" شماره ۱ مورخه ۳۰/۴/۲۶ بنقل از "گذشته چراغ راه آینده است" ص ۵۴۸
- (۱۱۸): روزنامه "رستاخیز خلق" بجای "بسوی آینده" شماره ۱ مورخه ۳۰/۴/۲۸ بنقل از "گذشته چراغ راه آینده است" ص ۵۴۸
- (۱۱۹): روزنامه "اطلاعات" مورخه ۲۵ / تیر / ۳۰
- (۱۲۰): روزنامه "باختر امروز" شماره ۵۷۲
- (۱۲۱): روزنامه "اطلاعات" مورخه پنجشنبه ۲۷ / تیر / ۳۰
- (۱۲۲): روزنامه "اطلاعات" مورخه پنجشنبه ۲۷ / تیر ۳۰
- (۱۲۳): روزنامه "رستاخیز خلق" بجای "بسوی آینده" شماره ۳۲۳ - ۳۰/۴/۳۱ بنقل از "گذشته چراغ راه آینده است" ص ۵۴۸
- (۱۲۴): روزنامه "داد" مورخه ۲ مرداد ۱۳۳۰ بنقل از روزنامه "طلوع"
- (۱۲۵): روزنامه "اطلاعات" شماره ۷۵۷۸ مورخه ۵ مرداد ۳۰
- (۱۲۶): روزنامه "اطلاعات" شماره ۷۵۸۱ مورخه ۹ مرداد ۳۰
- (۱۲۷): روزنامه "اطلاعات" شماره ۷۵۸۱ مورخه ۹ مرداد ۳۰
- (۱۲۸): روزنامه "اطلاعات" شماره ۷۵۸۷ مورخه ۱۷ مرداد ۱۳۳۰
- (۱۲۹): روزنامه "اطلاعات" شماره ۷۵۸۷ مورخه ۲۷ مرداد ۱۳۳۰
- و پاسخ این اعتراض از جانب سناتورها در "اطلاعات" ۲۹ مرداد ۳۰ بچاپ رسید.

- (۱۳۰): روزنامه "اطلاعات" شماره ۷۵۸۷ مورخه سوم شهریور ۱۳۳۰
- (۱۳۱): روزنامه "طلوع" شماره ۵۸۰، مورخه ۳ شهریور ۱۳۳۰
- (۱۳۲): ایضاً
- (۱۳۳): روزنامه "اطلاعات" مورخه سه‌شنبه ۱۲ / شهریور / ۳۰
- (۱۳۴): روزنامه "داد" مورخه ۱۵ شهریور ۱۳۳۰
- (۱۳۵): "نطقها و مکتوبات دکتر مصدق در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی" انتشارات مصدق، ج ۵، صفحات ۷۳ تا ۷۶
- (۱۳۶): "نطقها و مکتوبات دکتر مصدق" در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، انتشارات مصدق، ج ۵، صفحه ۱۰۹
- (۱۳۷): "فرازهایی از زندگی شهید دکتر سیدحسین فاطمی" نشر صمدیه "صفحات ۳۳ تا ۳۵"
- (۱۳۸): روزنامه "مرد دنیا" بجای "نبرد ملت" مورخه پنجشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۳۰
- (۱۳۹): صفحه ۲۸
- (۱۴۰): صفحه ۲۹
- (۱۴۱): صفحه ۳۰
- (۱۴۲): "کودتا در کودتا" نوشته: کریمیت روزولت (طراح کودتای ۲۸ مرداد در ایران) از انتشارات "جاما" صفحه ۱۰۵
- (۱۴۳): مع‌الاسف آقای "عبدخدائی" پس از گذشت ۲۹ سال از آن حادثه و روشن شدن حتی زوایای پنهان آن حادثه، هنوز همان اتهامات ناروا و دروغ را به دکتر مصدق وارد می‌سازد. تأسف آورتر اینکه این اتهام در نشریه "پیام انقلاب" سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، عنوان می‌گردد.
- آقای عبدخدائی در گفتاری زیر عنوان "شهید نواب صفوی، دکتر مصدق و کودتای ۲۸ مرداد" در این باره می‌گوید: "هریمن به ایران می‌آید، بر قدمهای هریمن در این مملکت و از خون جوانان ما در زمان حکومت

مصدق سنگفرش خیابانهای رنگین می‌شود... " (شماره ۱۳ مورخه ۲۵ مرداد ۵۹)

آیا این مطلب را در نشریه "پیام انقلاب" برادران عزیز سپاه - پاسداران انقلاب اسلامی میخوانیم یا در نشریات حزب توده سالهای ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ و یا در روزنامه‌های درباری - نفتی: "داد" ابوالحسن عمیدی نوری، اسیر چنگ دادگاههای انقلاب اسلامی، "آتش" میراشرفی معدوم بحکم دادگاه انقلاب و یا در "طلوع" هاشمی حائری و... دوران حکومت ملی و قانونی دکتر مصدق و پس از کودتا؟
به امید اینکه مسئولین نشریه "پیام انقلاب" با احساس مسئولیت بیشتر به انتخاب مطالب برای نشریه "سپاه پاسداران انقلاب اسلامی" بر - خورد کنند.

(۱۴۴): روزنامه "اطلاعات" ۳ مرداد ۱۳۳۰

(۱۴۵): روزنامه "اصناف" شماره ۴۵ مورخه ۱۲ مرداد ۱۳۳۰

(۱۴۶): روزنامه "اطلاعات" مورخه ۱۰ مرداد ۱۳۳۰

(۱۴۷): روزنامه "اطلاعات" مورخه ۱۳ مرداد ۱۳۳۰

(۱۴۸): روزنامه "آهنگران" بجای "نبرد ملت" مورخه پنجشنبه

۱۷ مرداد ۱۳۳۰

(۱۴۹): آقای احمد خلیل‌الله مقدم

(۱۵۰): روزنامه "اطلاعات" مورخه ۲۲ مرداد ۱۳۳۰ و مجدداً "در

اطلاعات چهارشنبه ۲۳ تیر ۳۰ نیز منتشر شد.

(۱۵۱): روزنامه "اطلاعات" مورخه ۲۳ مرداد ۱۳۳۰

(۱۵۲): روزنامه اطلاعات مورخه ۲۴ مرداد ۱۳۳۰ و "باختر امروز"

همین روز شماره ۵۹۷

(۱۵۳): روزنامه "طلوع" مورخه ۲۹ مرداد ۱۳۳۰

(۱۵۴): روزنامه "باختر امروز" شماره ۵۹۸ مورخه شنبه ۲۶ مرداد

۱۳۳۰

(۱۵۵): روزنامه "اطلاعات" مورخه ۲۶ / مرداد ۱۳۳۰

(۱۵۶): روزنامه "اصناف" مورخه ۲۶ / مرداد ۱۳۳۰

(۱۵۷): روزنامه "طلوع" شماره ۵۷۴ مورخه یکشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۳۰

(۱۵۸): روزنامه "مرد دنیا" بجای "نبرد ملت" مورخه ۳۱ مرداد

۱۳۳۰

(۱۵۹): روزنامه "طلوع" شماره ۵۷۵، مورخه دوشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۳۰

(۱۶۰): روزنامه "اطلاعات"، شماره ۷۶۱۱، مورخه پنجشنبه ۱۴

شهریور ۱۳۳۰

منتشر می شود:

* "امام خمینی" از دیدگاه "پدر طالقانی"
* از آزادی تا شهادت (متن کامل): مجموعه خطبها ،
خطبها، مصاحبهها و ... پدر طالقانی .

منتشر شد:

* قیام زنگیان (برهبری علی بن محمد)
* طب ملی و مردمی (مجموعه کنفرانسهای دانشگاه شیراز)
* توحید و تفکر سیستمیک (چاپ دوم)
* ماهیت و عملکرد امپریالیسم امریکا در ایران (۱)
* آیا مصدق فراماسون بود؟
* شناخت مکتب (سلسله دروس سیاسی - ایدئولوژیک)
* مجموعه روزنامه مردم ایران (دوران حکومت دکتر
محمد مصدق)

موسسه خدمات فرهنگی رسا

مرکز بچش کتاب

تلفن ۸۳۹۹۵۰

تهران - استاد مطهری تقاطع مبارزان ساختمان شماره ۲۳۴
فروشگاه: ناصر خسرو - کوچه حاج نایب، پاساژ مجیدی طبقه دوم